

بسم الله الرحمن الرحيم

منبع آزمون رشته

آشنایی با احادیث و ادعیه

واژه های اخلاقی از اصول کافی

تألیف: ابراهیم پیشوائی ملایری

سی این ج شماره ملی قرآن و عترت دانشجویان سراسر کشور



فهرست عناوین

مقدمه

آ

آداب مجلس

آزار مسلمین

آزردن پدر و مادر

اجتناب از محرمات

احترام به سالخوردگان

احترام به مؤمن

احسان به خویشان و نزدیکان

استدراج و مکر الهی

استغفار

اسلام

اصرار بر گناه

اصلاح روابط مسلمین

اطعام مؤمنان

اعتراف به تقصیر

اعتراف به گناه

انصاف دادن

ایمان

ب

بخشیده شدن گناه

بدخویی

بد زبانی

برادران ایمانی

بوسیدن

بهتان

بیم و امید

پ

پشیمانی از گناه

پنهان داشتن راز

ت

تعجیل در خیر

تعصب

تفکر کردن

تقوا

تقیه

تکبر و برتری جویی

تواضع و فروتنی

توبه

توحید

توکل

تهمت زدن و گمان بد بردن به برادر دینی

ح

حسد

حسن ظن

حق همسایگی

حلم و خوشتن داری

حیا

خ

خاموشی و حفظ زبان

خودبینی و عجب

خوش خلقی

خوش رفتاری با پدر و مادر

خیر خواهی برای مؤمنان

د

دروغ گفتن

دشنام گویی

دعا

۱. دعا سلاح مؤمنان

۲. دعا دفع کننده بلا و قضا

۳. ثمرات دعا

۴. اجتماع برای دعا و عمومیت دادن به آن

دل آدمی و حالات آن

دنیا

دورویی و نفاق

دوری از گناه

دوستی دنیا و حرص بر آن

دوستی و دشمنی برای خدا

دیدار برادران

دین عطیه خاص الهی

ذ

ذکر خدا

ر

راستگویی و ادای امانت

رضا به قضا

روا کردن حاجت مؤمن

روزی بسنده

ریاست طلبی

ریا کاری

ز

زبان و آفات آن

زهد

س

ستایش پروردگار

ستایش خداوند پیش از دعا

سخن چینی

سرزنش

سفاهت و بی خردی

سلام کردن

سیراب کردن مؤمن

ش

شاد کردن مؤمنان

شر عمل و زبان

شک

شکر گزاری

شماتت

ص

قطع رحم

صبر

قناعت کردن

(صلوات فرستادن بر رسول خدا(ص) و آل او)

قه‌ر کردن با برادر دینی

ط

ک

طمع

کفر

ظ

گ

ع

عبادت

گریستن

عدالت

گناه

عفت

گناهان بزرگ

عفو و گذشت

م

مؤمن

عیب جوئی

۱. نشانه ها و صفات مؤمنان

غ

غضب

۲. اندک بودن تعداد مؤمنان

۳. آثار و برکات مؤمنان

غنا و بی نیازی

۴. آزمایشها و گرفتاریهای مؤمنان

غیبت کردن

محاسبه خویشتن

ف

فخر فروشی

مدارا و سازگاری

فرمان برداری

مداومت بر عمل

فرو بردن خشم

مزاح و شوخ طبعی

فریب دادن مردم

مصافحه

فقر و تنگدستی

معاشرت

معانقه کردن

ق

قرائت قرآن و بهره مندی از آن

میانه روی در عبادت

قساوت و سخت دلی

ن

ناسازگاری

نامه و جواب آن

نرمی و ملایمت

نیت

و

واجبات

وسوسه های اعتقادی

وسوسه های مربوط به خداوند

وعده دادن

هـ

همت گماشتن به امور مسلمانان

همنشینی با گنهکاران

هوای نفس و پیروی از آن

ی

یقین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش بی حد سزاوار خدای توانایی است که در دیده خود روشن تر از همه چیز و واضح تر از وضوح است سپاس بیکران او را که انسانها را نعمت روان و روانها را نیروی خود و نفوس را با لباس فضایل و آرایش کمالات زینت بخشید در میدان عمر به مسابقه دانش و تکامل فرمان داد پیشروان را پاداش نیکو و بیکران و پلیدان و زیانکاران را کیفر متناسب به جرمشان قرار داد.

و درود فراوان به فرستادگانش که در همه عمر اندیشه ای جز ابلاغ رسالت و تکمیل نفوس و تطهیر روانها و رساندن قافله بشری به قله کمال انسانی نداشته اند خاصه به خاتم پیامبران محمد بن عبدالله (ص) و جانشینان گرامی آن حضرت که رهروان طریقه توحید و رهبران جامعه توحیدی اند.

وبعد پایه اساسی و زیر بنای همه برنامه های اسلامی بلکه همه شرایع آسمانی سه بخش است: عقاید اخلاق اعمال این سه امر در حقیقت محط و موضوع و فرودگاه احکام الهی و دستورات دینی و آسمانی است.

اما عقاید یعنی باورهای درونی و اعمال قلبی که غالباً معلول قیام برهان و تحقیق مقدمات علم و اذعان است احکامی را که در این باره مورد گفتگو و محل نقض و ابرام است اصول دین خوانند و مجموعه ابیات مربوط به آن را علم کلام نامند چه آنکه در آن علم گفتگو از مبدأ و معاد و دیگر امورات اعتقادی می شود.

اما اخلاق عبارت است از صفات روحی و ملکات نفسانی یعنی رنگهای ثابت روان والوان مختلف روح و جان - که رنگ آمیزی نفس با آنها محتاج به مجاهده و کوشش است - به آسانی تحقق نپذیرد و به راحتی نیز زوال و انعدام نیابد.

مطلبی است مبرهن که اتصاف نفوس انسانی به اخلاق و صفات - خواه نیکو و فضایل باشد و خواه زشت و رذائل - گاهی به طور طبیعی و اجباری و داخل خمیره و عجین با ذات است چه این خمیر مایه را دست مشیت الهی مخلوط کرده یا علل و عوامل غیر آن.

و دیگر گاه کسبی و تحصیلی است که خود یافته و خود در بر کرده است این صفات را ملکات و اخلاق نامند و مجموعه ابیات مربوط به این قسمت را - که از عوامل و اسباب پیدایش یا کیفیت فراگرفتن آن صحبت می کند یا از آثار و خواص و بازده آن گفتگو دارد - علم اخلاق خوانند چه آنکه در آن از عوارض نفس و صفات نیکو و یا زشت روانی بحث می شود.

و اگر روان کاوان دینی و علمای اخلاق در کتابهای مربوطه صحبت از کردار نیک یا اعمال بد داشته اند - نظیر نماز و روزه و سایر عبادات یا دروغ و ظلم و دیگر گناهان کبیره و صغیره - از این نظر بوده که بیان کنند: تکرار و مداومت بر عمل نیک سبب پیدایش صفت نیک و عادت به کردار زشت زمینه ساز پیدایش صفت بد خواهد بود پس بحث از علل و عوامل موضوع بوده است.

و اما اعمال عبارت از حرکات و سکناتی است که برحسب اراده انسان عاقل از وی سر می زند احکام و قوانین عارضه آن را فروع دین خوانند و اباحت مربوط به آن را علم فقه نامند چه آن که فقه در اصطلاح دینی عبارت است از یافتن احکام عمل و استخراج برنامه های مذهبی آن از منابع مربوط و مدارک تعیین شده پس بدین نتیجه رسیدیم که عمده علوم باحفظ ترتیب از نظر اهمیت و لزوم عبارت است از: علم کلام علم اخلاق و علم فقه.

غرض از سخن فوق صحه گذاشتن به این امر است که صفتها و ملکات انسانی یکی از اسباب و علل مؤثر در روش عملی اوست که اگر انسان را با ماشینی در حال حرکت مقایسه کنیم ایمان و کفر را شبیه اراده راننده و اخلاق را شبیه موتور و اعمال خارجی را شبیه حرکت در راه رسیدن به مقصد خواهیم یافت (البته تشبیه در بعد خاصی است). بدین جهت اخلاق انسانی در پیمودن راه سعادت تأثیری به سزا دارد و توجه کردن به آن برای کسانی که در جستجوی کمالات معنوی و سعادت چند بعدی می باشند امری است لازم و اساسی عجباً انسانی در بهداشت تن آن همه می کوشد پس او چگونه درباره سلامت و کمال روان خویش نمی کوشد حال آن که مقام و عظمت و ارزش روح او با بدنش قابل مقایسه نیست به راستی آیا آن انسان را که همیش منحصراً مصروف بهداشت بدن و مراعات حال آن است می توان انسان نامید؟ جواب منفی است آنها در شکل و قیافه انسانند چنانچه امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: (جث باللیل و بهائم بالنهار) تن پروران و برده های شهوت و غضب در طول روز در خدمت تن باشند و این حیوان پروار را سیر از علوفه و آب کنند و شب هنگام چون جثه بی روح در افتند و از شب و اسرار و معنویت آن - که هنگام برقراری روابط و توجه به عالم بالا و خلوت بندگان خالص حق با معبود مهربان و بهترین اوقات درک سعادت و حیات کمالات و دریافتن خواسته ها از پیشگاه حق است - غافل و محروم مانند و چون آن حضرت از انسانهای ذی روح و دارای قلب و زنده و ارزنده سخن می گوید بدین عبارت تعبیر می فرماید: (رهبان باللیل واسود بالنهار) آنان در ساعات شب از غیر حق منقطعند که رهبانند و در اوج رابطه با حقند و از شوق به احسان الهی در وجد و نشاطند و از بیم کیفرش ترسانند و در هنگامه روز پیوسته در میدان نبرد و مبارزه با نفس و با هر نیروی ضد خدایی و ضد عدالت و انسانی همچون شیران بیشه قوی و نیرومند.

نظری به حال کتاب

نیازی به توضیح نیست که مهمترین مدرک شیعه درباره مسائل اعتقادی و اخلاقی و عملی کتابهای چهارگانه زیر است (الاصول الاربعه للمحمدین الثلاثه):

۱ - اصول کافی تألیف محدث عظیم الشأن محمد بن یعقوب کلینی؛

۲ - من لایحضره الفقیه تألیف ثقه المحدثین محمد بن علی بن بابویه القمی؛

۳ و ۴ - تهذیب و استبصار تألیف محقق عالی قدر محمد بن حسن طوسی اگر چه کتابهای دیگری نیز موجود است که مورد استفاده و جزء مدارک علوم مذهبی عالم تشیع است که محدث جلیل القدر محمد بن حر عاملی اغلب آنها را با کتابهای چهارگانه فوق گرد آورده و کتابی بزرگ به نام (وسائل الشیعه) قرار داده است که فعلاً از لحاظ اینکه جامع کتب اربعه و سایر مدارک معتبره است یگانه مدرک اصیل و مرجع فقهی دانشمندان تشیع است.

کتاب اصول کافی دو جلد و جلد اول آن مربوط به علم و توحید و اصول عقاید است و جلد دوم به طور غالب مربوط به دستورات اخلاقی و مابقی کتاب که فروع کافی نامیده می شود راجع به احکام فرعیه پس سه بخش کتاب از سه موضوع یاد شده یعنی عقاید اخلاق و اعمال بحث کرده است.

به طوری که نقل شده مرحوم کلینی این کتاب را در مدت بیست سال گرد آورده و زحمات فراوانی در راه تألیف آن متحمل شده است وی احادیث اهل بیت (ع) را از اشخاص زیادی و از امکنه متعددی فراهم کرده و همه عالم تشیع را در انجام این امر خطیر رهین زحمات ارزنده خود قرار داده است فجزاه الله عن الاسلام خیراً.

نباید غفلت داشت که مقتضای بیان فوق این نیست که همه احادیث و اخبار این کتاب نفیس از جنبه سند صحیح و معتبر و مُسَلَّم الصدور و از نظر دلالت صریح و روشن و ظاهر الدلاله است نه چنین است بلکه همه شامل حدیثهای صحیح و حسن و موثق و قابل اعتماد است و هم شامل حدیثهای ضعیف و مجهول و مقطوع و مرسل و مضمهر که از نظر فن حدیث فاقد شرایط حجیتند و تمسک به آنها جز با ضمیمه قراینی که احیاناً تحقق می پذیرد غیر صحیح است چه آنکه کتابی که هیچ ضعف و انحراف و خطا و اشتباه در آن راه نیابد از غیر خدا و اولیای معصومین محال و غیر ممکن است و فعلاً آن کتاب قرآن مجید است و بس.

بالجمله کتابی که در برابر شما است خلاصه ای از جلد دوم اصول کافی است (۱) که قسمت اخلاقیات آن در اینجا گنجانده شده سندهای احادیث که مورد استفاده همه نیست و همچنین مکررات آن حذف گردیده

و چون غالب مراجعان نا آشنا به زبان عربی هستند متون اخبار در این کتاب در پاورقی و اصل آن به فارسی تنظیم شده است.

وضع این مجموعه به صورت کتابهای لغت است کلمه مورد نظر را ابتدا بر طبق حروف الفبا از فهرست پیدا کرده سپس به خود کتاب مراجعه فرمایید.

رجا مندیم طالبان کمال و فضیلت و علاقه مندان خودشناسی و خودسازی مندرجات آن را (بدین تناسب که موضوع سخن بزرگ و گویندگانش بس عظیمند) به دقت فراگیرند و آن را قالب شکل بخش روح و الگوی صفات روان و آرایش جان سازند در خود هضم کنند تا انسانی ساخته شده الله گردند و در محیط خویش پیاده کنند که رسالت خویش را انجام دهند و برای مؤلف محترم ثقه الدین شیخ ابراهیم پیشوایی ملایری که در این راه به اندازه وسع خویش زحمت کشیده اند از خدای بزرگ پاداش خیر می طلبیم.

جزاه الله عن صالح نیاته واعماله خیراً

والحمد لله اولاً و آخراً

۵۷/۲/۲۰ علی مشکینی

آداب مجلس^۱

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: هیچ مجلسی نباشد که در آن نیکان و بدکاران گرد هم اجتماع کنند و بی یاد خدای از آن برخیزند جز اینکه در روز قیامت برای آنها مایه حسرت باشد.^۲

(۲) امام باقر(ع) فرمود: همانا ذکر ما ذکر خداست و ذکر دشمن ما ذکر شیطان است.^۳

(۳) حضرت باقر(ع) فرمود: هر که خواهد به پیمانه تمام مزد برد (و به کامل ترین وجهی بی کم و کاست از خدا ثواب دریافت کند) باید هنگامی که می خواهد برخیزد بگوید: **(سبحان ربک رب العزّة عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین)**.^۴

(۴) امام باقر(ع) فرمود: در تورات تحریف نشده نوشته شده است که همانا موسی از پروردگار پرسید و عرض کرد: بارالها! گاهی در مجالسی حضور می یابم که تورا عزیزتر و والاتر از آن می دانم که در آن مجلسها تو را یاد کنم؛ خداوند فرمود: ای موسی به یاد من بودن در هر حالی نیکوست.^۵

(۵) حضرت صادق(ع) فرمود: خدای عزّوجل فرموده: هر که در میان دسته ای از مردم مرا یاد کند من او را در میان دسته ای از فرشتگان یادکنم.^۶

۱ - با توجه به این که همه احادیث این مجموعه از جلد دوم اصول کافی انتخاب شده در پاورقیها تنها عنوان باب مربوطه و شماره حدیث قید شده است.

۲ - ما من مجلس یجتمع فیه ابرار وفجار فیقومون علی غیر ذکر الله عزوجل الا کان حسرة علیهم یوم القيامة. (باب ما یجب من ذکر الله عزوجل فی کل مجلس ح ۱).

۳ - ان ذکرنا من ذکر الله و ذکر عدونا من ذکر الشیطن . (همان ح ۲)

۴ - من اراد ان یکنال بالمکیال الاوفی فلیقل اذا اراد ان یقوم من مجلسه: (سبحان ربک رب العزّة عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین). (همان ح ۳).

۵ - فقال الهی انه یأتی علی مجالس اعزک واجلک ان اذکرک ففما فقال یا موسی ان ذکرى حسن علی کل حال. (همان ح ۸).

۶ - قال الله عزوجل: من ذکرنی فی ملأ من الناس ذکرته فی ملأ من الملائکة (همان ح ۱۳).

آزار مسلمین

(۱) حضرت صادق(ع) می فرمود: خداوند فرمود: کسی که بنده مؤمن مرا بیازارد به من اعلام جنگ داده است.^۱

(۲) حضرت صادق(ع) به نقل از رسول خدا(ص) فرمود: خدای تعالی فرموده است: کسی که به یکی از دوستان من اهانت کند به تحقیق خود را برای جنگ با من آماده کرده است.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: خدای فرموده: آنکه بنده مؤمن مرا خوار کند آشکارا به جنگ با من برخاسته است.^۳

(۴) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که مؤمنی را به خاطر نداری و فقرش پست و کوچک شمارد خداوند روز قیامت او را در برابر خلائق رسوا کند. (و به زشتی شهره سازد).^۴

آزردن پدر و مادر

(۱) امام صادق(ع) فرمود: کمترین آزار (به پدر و مادر) گفتن اف (به آنها)ست و اگر خدا چیزی را آسان تر و خوارتر از آن می دانست از آنها نهی می فرمود.^۵

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: (با پدر و مادر) نیکو رفتار باش و در بهشت جایگزین شو و اگر عاق و جفاکاری با آتش دوزخ بساز.^۶

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: هر کس به پدر و مادر خود نظر دشمنی کند در صورتی که آن دو به اوستم (نیز) کرده باشند خداوند نمازش را نپذیرد.^۱

۱ - قال الله عز وجل: لبأذن بحرب منى من أذى عبدی المؤمن. (باب من اذى المسلمین واحترقهم ح ۱).

۲ - قال الله تبارک وتعالی: من أهان لی ولیاً فقد أَرصد لمحاربتی. (همان ح ۳).

۳ - قال الله عز وجل: قد نابذنی من أذل عبدی المؤمن. (همان ح ۶).

۴ - من استذل مؤمناً واستحققره لقلّة ذات یدیه ولفقره شهره الله یوم القیامة علی رؤس الخلائق. (همان ح ۹).

۵ - ادنی العقوق أف ولو علم الله شیئاً أهون منه لنهی عنه. (باب العقوق ح ۱).

۶ - کن باراً واقصر علی الجنة وان كنت عاقاً فاقصر علی النار. (همان ح ۲).

(۴) رسول خدا(ص) فرمود: پرهیزید از آزدن پدر و مادر زیرا بوی بهشت از مسافت هزار ساله شنیده شود ولی عاق والدین آن را نشنود.^۲

اجتناب از محرمات

(۱) امام صادق(ع) درباره قول خدای عزوجل (و برای آنکه از مقام پروردگارش ترسد دو بهشت است) فرمود: هر که بداند خدای عزوجل او را می بیند و هر چه از خیر و شر می گوید و می کند می شنود [و بدان آگاه است] و همین دانش او را از کارهای زشت باز دارد کسی است که از مقام پروردگارش ترسیده و خود را از هوس باز داشته است.^۳

(۲) سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق(ع) درباره این سخن خدای عزوجل پرسیدم: (وما به اعمال فاسد بی خلوص و حقیقت آنها توجه کرده و همه را باطل و نابود می گردانیم) (فرقان (۲۵) آیه ۲۳). فرمود: هان به خدا سوگند! کردارهای ایشان سفیدتر از پارچه های نازک مصری بود ولی چون به حرامی برمی خوردند از آن دست بر نمی داشتند.^۴

شرح: مفسران قرآن ذیل آیه شریفه و شارحان اصول کافی ذیل این حدیث مطالبی مفصل راجع به احباط و تکفیر و عقاید فرق اسلامی در آن باره ذکر نموده اند که خلاصه و عصاره آنها چنین است: مقصود از کردارهای سفیدتر از آن پارچه ها اعمالی مانند: مهمان نوازی و صله رحم و فریاد رسی گرفتاران است که همه آنها محبوب و مطلوب شارع است و به همین جهت آنها را بسیار سفید دانسته است و مقصود از غبار پراکنده ذرات ریز و کوچکی است که در شعاع آفتاب از روزنه اتاق دیده می شود و کنایه از این است که این کردار و اعمال پسندیده و مطلوب به واسطه عدم پرهیز از حرام بی اثر و نتیجه می گردد و اجر و ثوابی را که خدای متعال در برابر اعمال صالح وعده فرموده است به کننده آنها عطا نمی فرماید.

۱ - من نظر الی ابویه نظر ماقث وهما ظالمان له لم یقبل الله له صلوۃ. (همان ح ۵).

۲ - د ایاکم وعقوب الوالدین فان ریح الجنة توجد من مسیره الف عام ولا یجدها عاق. (همان ح ۶).

۳ - من علم ان الله عزوجل یراه ویسمع ما یقوله ویفعله من خیر او شر فیحجزه ذلک عن التبیح من الاعمال فذلک الذی (خاف مقام ربه ونهی النفس عن الهوی). (باب اجتناب المحارم ح ۱).

۴ - (وقدمنا الی ماعملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا) قال اما والله ان کانت اعمالهم اشد بیاضاً من القباطی ولكن کانت اذا عرض لهم الحرام لم یدعوه. (همان ح ۵).

(۳) رسولخدا (ص) فرماید: هر که به خاطر ترس از خدای تبارک و تعالی گناهی را ترک کند خداوند او را در روز قیامت خشنود گرداند.^۱

احترام به سالخوردگان

(۱) امام صادق(ع) فرمود: احترام گذاشتن به پیرمرد بزرگوار احترام گذاشتن به خداوند است.^۲

(۲) امام صادق(ع) فرمود: سه تن هستند که کسی حق آنها را نادیده نگیرد مگر منافقی که به نفاق معروف است آن سه تن عبارتند از: کسی که مویش را در اسلام سپید کرده و آن که قرآن را در بر دارد و پیشوای عادل.^۳

(۳) امام صادق(ع) فرمود: احترام گذاشتن به مؤمن سفید موی تجلیل خداست.^۴

(۴) امام صادق(ع) فرمود: از ما نیست کسی که بزرگسال ما را احترام نکند و به خردسال ما ترحم ننماید.^۵

احترام به مؤمن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که نزد برادر مسلمانش رود و او را گرامی دارد همانا خدا را گرامی داشته است.^۶

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: بنده ای از امتم نیست که نسبت به برادرش لطفی کند جز آنکه خدا برخی از خدمتگزاران بهشت را خادمش سازد.^۱

۱ - من ترک معصیة لله مخافة الله تبارک وتعالی أرضاه الله يوم القيامة. (همان ح ۶).

۲ - ان من اجلال الله عزوجلّ اجلال الشيخ الكبير (باب وجوب اجلال ذی الشیبة المسلم ح ۱).

۳ - ثلاثة لا یجهل حقهم الا منافق معروف [ب] النفاق: ذوالشیبة فی الاسلام وحامل القرآن والامام العادل. (همان ح ۴).

۴ - من اجلال الله عزوجلّ اجلال المؤمن ذی الشیبة. (همان ح ۵).

۵ - لیس منا من لم یوقربیرنا ویرحم صغیرنا. (باب اجلال الكبير ح ۲).

۶ - من اتاه اخوه المسلم فاکرمه فانما اکرم الله عزوجل . (باب فی الطاف المؤمن واکرامه ح ۳).

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: هر مسلمانی که به جماعتی از مسلمین خدمتگزاری کند خدا به شماره آنها در بهشت به او خدمتگزار دهد.^۲

احسان به خویشان و نزدیکان

(۱) امام رضا(ع) فرمود: مردی که سه سال از عمرش باقی مانده صله رحم می کند و خدا عمرش را سی سال قرار می دهد و خدا هر چه خواهد بکند.^۳

(۲) امام باقر(ع) فرمود: صله ارحام اعمال را پاک کند و اموال را فزونی دهد و بلا را دورگرداند و حساب را آسان کند و اجل را به تأخیر اندازد.^۴

(۳) امام صادق(ع) فرمود: صله ارحام اخلاق را نیکو و دست را با سخاوت و نفس را پاکیزه و روزی را زیاد کند و اجل را به تأخیر اندازد.^۵

(۴) امام صادق(ع) فرمود: با خویشانت رابطه داشته باش اگر چه نوشیدن آبی باشد و بهترین صله رحم آزار نرسانیدن به اوست.^۶

(۵) رسول خدا(ص) فرمود: چیزی که ثوابش از همه چیز زودتر رسد صله رحم است.^۷

(۶) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: با ارحام خود رابطه داشته باشید اگر چه با سلام کردن باشد.^۸

۱ - ما فی امتی عبد اللطیف اخاه فی اللہ بشیء من لطف الا اخدمه اللہ من خدم الجنة (همان ح ۴).
۲ - ایما مسلم خدم قوما من المسلمین الاعطاه اللہ مثل عددهم خدما فی الجنة. (باب فی خدمته ح ۱).
۳ - یکون الرجل یصل رحمه فیکون قد بقی من عمره ثلاث سنین فیصیرها اللہ ثلاثین سنة ویفعل اللہ ما یشاء (باب صلة الرحم ح ۳).

۴ - صلة الارحام تزکی الاعمال وتنمی الاموال وت دفع البلوی وتیسر الحساب وتنسیء فی الأجل. (همان ح ۴).

۵ - صلة الارحام تحسن الخلق وتسمح الکف وتطیب النفس وتزید فی الرزق وتنسیء فی الأجل. (همان ح ۶).

۶ - صل رحمک ولو بشریة من ماء وافضل ما توصل به الرحم کف الاذی عنها. (همان ح ۹).

۷ - ان اعجل الخیر ثواباً صلة الرحم. (همان ح ۱۵).

۸ - صلوا ارحامکم ولو بالتسلیم. (همان ح ۲۲).

استدراج و مکر الهی

(۱) از حضرت صادق(ع) درباره گفتار خدا که فرماید: (ایشان را به آهستگی و تدریج از راهی که ندانند غافلگیر کنیم). (اعراف (۷) آیه ۱۸۲) سؤال کردم فرمود: آن بنده ای است که گناهی مرتکب شود و نعمت تازه ای به او داده شود و این نعمت او را از استغفار از آن گناه غافل و سرگرم سازد.^۱

(۲) همچنین آن حضرت(ع) فرمود: چه بسا شخصی که به نعمت هایی که خداوند به او داده مغرور گردد و چه بسا کسی که به سبب پرده پوشی خداوند بر [گناهان] او غافلگیر شود و چه بسا کسی که به ستایش مردم فریب خورد.^۲

استغفار

(۱) امام صادق(ع) فرمود: بنده مؤمن چون گناه کند خداوند او را هفت ساعت مهلت دهد پس اگر از خدا آمرزش خواست چیزی بر او نوشته نشود و اگر این ساعتها گذشت و آمرزش نخواست یک گناه بر او نوشته شود و همانا مؤمن پس از بیست سال به یاد گناهش افتد و از خدا آمرزش خواهد و خدا گناهش را بپامرزد و کافر همان ساعت آن را فراموش کند.^۳

(۲) از معصوم روایت شده که: برای هر چیزی دارویی است و داروی گناهان طلب آمرزش و استغفار است.^۴

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: بهترین دعا استغفار (و آمرزش خواهی است).^۵

۱ - سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل: (سنستدرجهم من حيث لا يعلمون) قال هو العبد يذنب الذنب فتجدد له النعمة معه تلبيه تلك النعمة عن الاستغفار من ذلك الذنب. (باب الاستدراج ح ۳).

۲ - كم من مغرور بما قد انعم الله عليه وكم من مستدرج بستر الله عليه وكم من مفتون بثناء الناس عليه. (همان ح ۴).

۳ - العبد المؤمن اذا اذنب ذنبا اجله الله سبع ساعات فان استغفر الله لم يكتب عليه شيء وان مضت الساعات ولم يستغفر كتبت عليه سيئة وان المؤمن ليذكر ذنبه بعد عشرين سنة حتى يستغفر ربه فيغفر له وان الكافر لينساه من ساعته. (باب الاستغفار من الذنب ح ۳).

۴ - لكل شيء دواء ودواء الذنوب الاستغفار. (همان ح ۸).

۵ - خير الدعاء الاستغفار. (باب الاستغفار ح ۱).

(۴) امام صادق(ع) فرمود: هرگاه بنده بسیار استغفار کند (و از خداوند آمرزش خواهد) نامه عملش در حالی که می درخشد [به سوی خدا] بالا رود.^۱

(۵) امام رضا(ع) فرمود: مثل استغفار (و ریزش گناهان به سبب آن) چون برگی است بر درختی که (در فصل پاییز) بجنبد و آن برگ بریزد و کسی که از گناهی استغفار کند و باز آن را انجام دهد مانند کسی است که پروردگار خود را مسخره کند.^۲

اسلام

(۱) امام صادق(ع) درباره آیه (رنگ خدایی (بپذیرید!) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتراست) (بقره ۲) آیه (۱۳۸).^۳

فرمود: مقصود از رنگ [الهی] همان اسلام است.

(۲) امام صادق(ع) فرمود: به وسیله اسلام خون شخص محفوظ ماند و امانت ادا شود و زناشویی حلال گردد؛ ولی ثواب بردن در گرو ایمان است.^۴

شرح: اسلام به معنی اقرار به شهادتین به وسیله زبان است و ایمان عقیده قلبی و رفتار عملی طبق موازین و مقررات این دین شریف است. پس کافری که با مسلمین می جنگد به محض این که شهادتین را بر زبان جاری کند از لحاظ ظاهر یکی از افراد مسلمین محسوب می شود و روا نیست که مسلمانی به روی او شمشیر بکشد و چون امانتی به مسلمانی سپارد باید به او رد کند یا اگر کسی نزد او امانتی سپارد لازم است که آن را به صاحبش برگرداند و نیز می تواند با زنی مسلمان ازدواج نماید اما ثواب و پاداشی که خداوند در آخرت به کسی می دهد مربوط به ایمان و عقیده قلبی و مقررات شرعی است.

۱ - إذا أكثر العبد من الاستغفار رفعت صحيفته وهي يتألأ. (همان ح ۲).

۲ - مثل الاستغفار مثل ورق على شجرة تحرك فيتنثر والمستغفر من ذنب ويفعله كالمستهزئ بربه. (همان ح ۳).

۳ - عن ابي عبدالله(ع) في قول الله عزوجل: (صبغة الله ومن احسن من الله صبغة) قال: الصبغة هي الاسلام. (باب في ان الصبغة هي الاسلام ح ۲).

۴ - الاسلام يحقن به الدم وتؤدي به الأمانة وتستحل به الفروج والثواب على الايمان. (باب ان الاسلام يحقن به الدم ح ۱).

اصرار بر گناه

(۱) امام صادق(ع) فرمود: گناه صغیره با تکرار و اصرار ورزیدن بر آن صغیره نماند و گناه کبیره - در صورت استغفار از آن - کبیره نباشد.^۱

(۲) امام باقر(ع) فرمود: اصرار بر گناه این است که کسی گناهی کند و از خدا آمرزش نخواهد و فکر توبه را به خود راه ندهد.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: به خدا سوگند که خداوند هیچ طاعتی را با اصرار ورزیدن بر یکی از گناهان نپذیرد.^۳

اصلاح روابط مسلمین

(۱) امام صادق(ع) فرمود: صدقه ای را که خدا آن را دوست دارد اصلاح کردن روابط بین مردم است زمانی که در میانشان جدایی و فساد رایج شود و نزدیک ساختن آنها به یکدیگر زمانی که از هم دور شوند.^۴

(۲) امام صادق(ع) فرمود: این که رابطه بین دو تن را بهبود ببخشم نزد من محبوبتر است از این که دو دینار صدقه دهم.^۵

(۳) امام صادق(ع) فرمود: هر گاه میان دو نفر از شیعیان ما نزاعی دیدی از مال من فدیة بده (یعنی هر چه ادعا می کند از مال من به او بده تا طرف را رها کند).^۶

(۴) امام صادق(ع) فرمود: مصلح دروغگو نیست.^۷

۱ - لا صغیره مع الاصرار ولا کبیره مع الاستغفار. (باب الاصرار علی الذنب ح ۱).

۲ - الاصرار هو أن یذنب الذنب فلا یستغفر الله ولا یحدث نفسه بتوبه فذلک الاصرار. (همان ح ۲).

۳ - لا والله لا یقبل الله شیئا من طاعته علی الاصرار علی شیء من معاصیه (همان ح ۳).

۴ - صدقه یحبها الله اصلاح بین الناس اذا تفاسدوا وتقارب بینهم اذا تباعدوا (باب الاصلاح بین الناس ح ۱).

۵ - لان اصلح بین اثنین أحب الی من أن اتصدق بدینارین. (همان ح ۲).

۶ - اذا رأیت بین اثنین من شیعتنا منازعة فافتدها من مالی. (همان ح ۳).

۷ - المصلح لیس بکاذب. (همان ح ۵).

اطعام مؤمنان

(۱) حضرت سجاد(ع) فرمود: هر که مؤمن گرسنه ای را سیر کند خداوند از میوه های بهشت به او بخوراند.^۱

(۲) امام صادق(ع) فرمود: از اسباب آمرزش اطعام کردن مسلمان گرسنه است.^۲

(۳) امام صادق(ع) به سدید صیرفی فرمود: چه چیزی تو را باز می دارد از آن که هر روز بنده ای آزاد کنی؟
گفتم داریم به این مقدار نمی رسد فرمود: در هر روز مسلمانی را اطعام کن.^۳

(۴) امام صادق(ع) فرمود: غذایی که برادر مسلمانم نزد من می خورد برای من محبوبتر است از این که بنده ای آزاد کنم.^۴

اعتراف به تقصیر

(۱) موسی بن جعفر(ع) فرمود: فرزندم همواره کوشش کن مبدا خود را در عبادت و طاعت خدای بی تقصیر دانی زیرا خداوند هرگز چنان که شایسته است پرستش نمی شود.^۵

اعتراف به گناه

(۱) امام باقر(ع) فرمود: به خدا سوگند! از گناه نجات و رهایی نیابد جز کسی که بدان اعتراف کند.^۶

۱ - من اطعم مؤمنا من جوع أطعمه الله من ثمار الجنة. (باب اطعام المؤمن ح ۵).

۲ - من موجبات المغفرة اطعام المسلم السغبان. (همان ح ۶).

۳ - ما منعك أن تعتق كل يوم نسمة؟ قلت لا يحتمل مالي ذلك قال: تطعم كل يوم مسلما. (همان ح ۱۲).

۴ - أكلة يأكلها اخي المسلم عندی أحب الی من ان اعتق رقبة. (همان ح ۱۳).

۵ - یابنی علیک بالجد لا تخرجن نفسك من حد التقصیر فی عبادة الله عزوجل وطاعته فان الله لا یعبد حق عباده. (باب الاعتراف بالتقصیر ح ۱).

۶ - والله ما ینجو من الذنب الا من اقر به. (باب الاعتراف بالذنوب والندم علیها ح ۱).

(۲) امام باقر(ع) فرمود: به خدا سوگند! خداوند از مردم جز دو خصلت نخواسته است (یکی) اعتراف به نعمتهای او تا بر نعمتهایشان بیفزاید و (دیگر) اعتراف به گناهان تا آنها را بیامرزد.^۱

(۳) حضرت صادق(ع) می فرمود: هیچ بنده ای با اصرار به گناه و تداوم آن از گناه بیرون نرود و هیچ بنده ای جز با اقرار و اعتراف به آن از گناه بیرون نرود.^۲

انصاف دادن

(۱) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: آگاه باشید هر که در امور مربوط به خود نسبت به دیگران با انصاف و خیرخواه باشد خدا جز بر عزتش نیفزاید.^۳

(۲) امام صادق(ع) فرمود: هر که در رابطه خود با مردم به عدل و انصاف رفتار نماید (اگر چه بر زیانش باشد) بر داوری میان دیگران برگزیده شود.^۴

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: کسی که در مال خود با فقیر مواسات کند و نسبت به مردم با انصاف باشد مؤمن حقیقی است.^۵

(۴) امام باقر(ع) فرمود: خدا را بهشتی است که جز سه کس در آن وارد نشوند یکی از آنها کسی است که درباره خود به حق داوری کند.^۶

(۵) امام صادق (ع) فرمود: آیا به شما از سخت ترین چیزی که خدا آن را بر خلقش واجب کرده خبر ندهم؟ سپس سه چیز را ذکر فرمود که اولین آنها این بود: انصاف حکم کردن میان خودت و مردم.^۷

۱ - لا والله ما اراد الله من الناس الا خصلتين: ان يقرؤا له بالنعم فيزيدهم وبالذنوب فيغفرها لهم. (همان ح ۲).

۲ - انه والله ما خرج عبد من ذنب باصرار وما خرج عبد من ذنب الا باقرار. (همان ح ۴).

۳ - الا انه من ينصف الناس من نفسه لم يزد الله الا عزا. (باب الانصاف والعدل ح ۴).

۴ - من أنصف الناس من نفسه رضى به حكما لغيره (همان ح ۱۲).

۵ - من واسى الفقير من ماله وأنصف الناس من نفسه فذلك المؤمن حقا. (همان ح ۱۷).

۶ - ان الله جنة لا يدخلها الا ثلاثة احدهم من حكم فى نفسه بالحق. (همان ح ۱۹).

۷ - الا اخبركم باشد ما فرض الله على خلقه؟ فذكر ثلاثة اشياء اولها: انصاف الناس من نفسك. (همان ح ۶).

ایمان

(۱) امام صادق(ع) درباره آیه: (سکینه را در دلهای مؤمنان فرود آورد) فرمود: سکینه ایمان است؛ نیز درباره قول خدای متعال: (با روحی از جانب خود ایشان را تأیید کرد) فرمود: آن ایمان است و درباره آیه: (وآنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت) فرمود: آن ایمان است.^۱

(۲) امام باقر(ع) فرمود: برای هیچ چیز همچون ولایت ندا در داده نشده است و نیز فرمود: بالاترین مرتبه امر دین و کلیدش و راه وصول به هر چیز و مایه خرسندی خدای رحمان اطاعت از امام است بعد از معرفت او؛ همانا خداوند می فرماید: هر که پیغمبر را فرمان برد خدا را فرمان برده است و هر که پشت کند ما تو را به نگهبانی آنها نفرستاده ایم. (نساء (۴) آیه ۸۰) همانا اگر مردی شبها برای عبادت به پا خیزد و روزها را روزه دارد و تمام اموالش را صدقه دهد و در تمام دوران عمرش به حج رود و امر ولایت ولی خدا را شناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش طبق راهنمایی او باشد نزد خدا حق و بهره ای از ثواب بردن ندارد و از اهل ایمان نباشد.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: ایمان شریک اسلام می شود ولی اسلام شریک ایمان نمی گردد؛ ایمان آنست که در دل ثابت شود.^۳

(۴) امام صادق(ع) فرمود: هر چیزی را اساس و پایه ای است و پایه اسلام محبت ما اهل بیت است.^۴

۱ - سألت ابا عبد الله - عليه السلام - عن قوله عز وجل: (هو الذي انزل السكينة في قلوب المؤمنين) قال هو الايمان قال قلت: (وايدهم بروح منه) قال: هو الايمان وعن قوله: (والزمهم كلمة التقوى). قال: هو الايمان (باب في ان السكينة هي الايمان ح ۵).

۲ - لم يناد بشيء كما نودي بالولاية (باب دعائم الاسلام ح ۳) ثم قال ذروة الأمر وسنامه ومفتاحه وباب الأشياء والرضا الرحمن الطاعة للإمام بعد معرفته ان الله عز وجل يقول: (من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم حفيظاً) أما لو ان رجلاً قام ليله وصام نهاره وتصدق بجميع ماله وحج جميع دهره ولم يعرف ولاية ولي الله فيواليه ويكون جميع اعماله بدلالته اليه ما كان له على الله جل وعز حق في ثوابه ولا كان من اهل الايمان. (همان ح ۵).

۳ - ان الايمان يشترك الاسلام ولا يشاركة الاسلام ان الايمان ما قر في القلوب. (باب ان الايمان يشرك الاسلام والاسلام لا يشرك الايمان ح ۳).

۴ - ولكل شيء أساس وأساس الاسلام حبنا اهل البيت. (ج ۲ ص ۴۶).

ب

بخشیده شدن گناه

(۱) امام صادق(ع) فرمود: همانا مؤمن خواب هولناک ببیند و [به واسطه ترس ناشی از آن] گناهش آمرزیده شود و [نیز] تنش رنج ببیند و بدین سبب گناهش آمرزیده شود.^۱

(۲) امام صادق(ع) فرمود: چون گناه بنده بسیار گردد (و خدا بخواهد او را پاک کند) و عمل [نیکی] نداشته باشد که آن را جبران کند و کفاره آنها شود او را به اندوه گرفتار سازد تا کفاره گناهانش گردد.^۲

(۳) امام باقر(ع) به نقل از رسول خدا(ص) فرمود: پیوسته غم و اندوه گریبانگیر مؤمن باشد تا برای او گناهی باقی نگذارد. [یعنی مایه تطهیر او از گناهان گردد].^۳

بدخوبی

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: بدخوبی کردار را تباه سازد چنانچه سرکه غسل را تباه کند.^۴

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: خدا از صاحب خوی بد توبه نخواستہ است. عرض شد: چگونه این چنین است ای رسول خدا؟ فرمود: به جهت این که هرگاه از گناهی توبه کند در گناه بزرگتری افتد.^۵

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که خوی او بد است خود را شکنجه می دهد.^۶

۱ - ان المؤمن ليهول عليه في نومه فيغفر له ذنوبه وانه ليمتحن في بدنه فيغفر له ذنوبه. (باب تعجيل عقوبة الذنب ح ۴).

۲ - ان العبد اذا كثرت ذنوبه ولم يكن عنده من العمل ما يكفرها ابتلاه بالحنن ليكفرها. (همان ح ۲).

۳ - ما يزال الهم والغم بالمؤمن حتى ما يدع له ذنبا (همان ح ۷).

۴ - ان سوء الخلق ليفسد العمل كما يفسد الخل العسل. (باب سوء الخلق ح ۱).

۵ - ابي الله لصاحب الخلق السيء بالتوبة. قيل: وكيف ذاك يا رسول الله؟ قال: لانه إذا تاب من ذنب وقع في ذنب اعظم منه. (همان ح ۲).

۶ - من ساء خلقه عذب نفسه. (همان ح ۴).

بد زبانی

- (۱) رسول خدا(ص) فرمود: هرگاه مردی را دیدید که باکی از آنچه می گوید و آنچه به او گفته می شود ندارد پس به درستی که یا مولود زناست یا بهره و نصیب شیطان.^۱
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: خداوند متعال بهشت را برهر دشنام گوی بی آبرو و کم شرمی - که باکی از آنچه به او گفته شود ندارد - حرام کرده است.^۲
- (۳) از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: خداوند شخص دشنام گوی دشنام جو را دشمن می دارد.^۳
- (۴) رسول خدا(ص) فرمود: اگر دشنام به صورتی تجسم یابد بی تردید صورت بدی خواهد داشت.^۴
- (۵) رسول خدا(ص) فرمود: از زمره بدترین بندگان خدا کسی است که برای هرزه و دشنام گویی اش از همنشینی و مجالست با او دوری گزینند.^۵
- (۶) حضرت صادق(ع) فرمود: بد زبانی از درشتی و خشونت است و جایگاه درشتی و خشونت آتش است.^۶
- (۷) و نیز فرمود: دشنام دادن و بد زبانی و هرزه گویی از [نشانه های] نفاق و دورویی است.^۷

برادران ایمانی

- (۱) امام صادق(ع) فرمود: اهل ایمان برادر یکدیگر و فرزندان یک پدر و مادرند و هرگاه رگ یکی از ایشان زده شود دیگران شب بیداری می کشند.^۸

۱ - اذا رأيتم الرجل لا يبالي ما قال ولا ما قيل له فانه لغية أو شرک شیطان. (باب البذاء ح ۲).

۲ - ان الله حرم الجنة على كل فحاش بذى قليل الحياء. (همان ح ۳).

۳ - ان الله يبغض الفحاش المتفحش (همان ح ۴).

۴ - ان الفحش لو كان مثلاً لكان مثال سوء. (همان ح ۶).

۵ - ان من شر عباد الله من تکره مجالسته لفحشه. (همان ح ۸).

۶ - البذاء من الجفاء والجفاء فى النار. (همان ح ۹).

۷ - ان الفحش والبذاء والسلطة من النفاق. (همان ح ۱۰).

۸ - انما المؤمنون اخوة بنوآب وام واذا ضرب على رجل منهم عرق سهر له الاخرون. (باب اخوة المؤمنين بعضهم لبعض ح ۱).

(۲) امام صادق(ع) فرمود: مؤمن برادر مؤمن است چشم و راهنمای اوست نسبت به او خیانت و ستم روا ندارد و او را نفریبید و وعده ای به او ندهد که بدان وفا نکند.^۱

(۳) امام باقر(ع) می فرمود: مؤمن برادر تنی مؤمن است؛ زیرا خدای عزوجل مؤمنان را از سرشت بهشتی آفرید و از نسیم بهشت در پیکرشان دمید از این رو آنان برادران تنی او هستند.^۲

(۴) امام باقر(ع) فرمود: شما بر این امر (تشیع) برادر هم نشدید بلکه تنها به پیوند برادری خود واقف شدید. [یعنی این پیوند در فطرت شما نهفته بود و با رابطه برادری این پیوند را آشکار کردید.^۳

(۵) امام صادق(ع) به اصحابش می فرمود: از خدا پروا کنید و برادرانی خوش رفتار باشید؛ در راه خدا با هم دوستی کنید و پیوستگی داشته باشید و مهر ورزید.^۴

بوسیدن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: نباید سر یا دست کسی بوسیده شود؛ مگر (دست) رسول خدا - صلی الله علیه وآله - یا کسی که مقصود از او رسول خدا(ص) باشد (مانند ائمه - علیهم السلام - و سادات و علما بنا به قولی در عین حال نسبت به بوسیدن سر یا دست دیگران هم کسی قائل به حرمت نشده است).^۵

(۲) امام موسی کاظم(ع) فرمود: هر که به خاطر پیوند خویشاوندی فامیلش را ببوسد باکی بر او نیست (زیرا نظر شهوت و غرض باطلی در میان نیست) و محل بوسیدن برادر (نسبی یا ایمانی) گونه او و محل بوسیدن امام میان دو چشم اوست (یعنی شایسته است که گونه برادر و میان دو چشم امام را بوسید).^۶

(۳) امام صادق(ع) فرمود: بوسیدن لب سزاوار نیست جز نسبت به همسر یا فرزند خردسال.^۱

۱ - المؤمن أخو المؤمن عینه ودلیله لایخونه ولا یظلمه ولا یغشه ولا یعده عدة فیخلفه. (همان ح ۳).

۲ - المؤمن أخو المؤمن لأبیہ وامه لأن الله عزوجل خلق المؤمنین من طینة الجنان وأجرى فی صورهم من ریح الجنة فلذلك هم إخوان لأب وام. (همان ح ۷).

۳ - لم تتواخوا علی هذا الأمر وانما تعارفتم علیه. (باب فی ان التواخی لم یقع علی الدین ح ۱).

۴ - كونوا اخوة برة متحابین فی الله متواصلین متراحمین. (باب التراحم والتعاطف ح ۱).

۵ - لا یقبل رأس احد ولایده الا رسول الله(ص) او من ارید به رسول الله(ص). (باب التقبیل ح ۲).

۶ - من قبل للرحم ذا قرابة فلیس علیه شیء وقبلة الاخ علی الخد وقبلة الامام بین عینیہ. (همان ح ۵).

بهتان

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که به مرد مؤمن یا زن مؤمنه عیبی را که در آنها نیست بهتان بزند خداوند او را در (طینت خبال) بر انگیزد و نگهدارد تا از آنچه گفته بیرون آید. ابن ابی یعفور عرض کرد: (طینت خبال) چیست؟ فرمود چرکی است که از فرج زنان بدکاره بیرون آید.^۲

(۲) حضرت صادق(ع) می فرمود: بهتان آن است که درباره او [برادرت] چیزی بگویی که در او نیست.^۳

بیم و امید

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: وصیت لقمان به پسرش این بود: از خدای چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را [به درگاه او] ببری [تصور کنی که تو را] عذاب می کند و به خدا چنان امیدوار باش که اگر گناه جن و انس را [به درگاهش] ببری [تصور کنی که] تو را می بخشاید.^۴

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که خدا را شناخت از او بترسد و هر که از خدا بترسد دل از دنیا برکند.^۵

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که به چیزی امیدوار باشد در راه رسیدن به آن کار کند و هر که از چیزی بترسد از آن بگریزد.^۶

(۴) امام صادق(ع) فرمود: حب جاه و شهرت در دل شخص ترسان و هراسان نباشد (پس کسی که از خدا بترسد حب ریاست و شهرت ندارد).^۷

۱ - ليس القبله على الفم الا للزوجة [أ] والولد الصغير. (همان ح ۶).

۲ - من بهت مؤمنا او مؤمنة بما ليس فيه بعثه الله في طينة خبال حتى يخرج مما قال قلت: وما طينة الخبال؟ قال: صديد يخرج من فروج المومسات. (باب الغيبة والبهت ح ۵).

۳ - البهتان ان تقول فيه ما ليس فيه. (همان ح ۷).

۴ - خف الله عزوجل خيفة لوجئته ببر التقليل لعذبك وارج الله رجاء لو جئته بذنوب التقليل لرحمك. (باب الخوف والرجاء ح ۱).

۵ - من عرف الله خاف الله ومن خاف الله سخت نفسه عن الدنيا. (همان ح ۴).

۶ - من رجا شيئا عمل له ومن خاف من شيء هرب منه. (همان ح ۶).

۷ - ان حب الشرف والذكر لا يكونان في قلب الخائف الراهب. (همان ح ۷).

(۵) امام باقر(ع) می فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست جز آنکه در دلش دونور است: نور ترس و نور امید اگر این یکی وزن شود از آن دیگر افزون نباشد و اگر آن دیگر وزن شود از این یکی افزون نباشد.^۱

پ

پشیمانی از گناه

(۱) امام باقر(ع) فرمود: پشیمان بودن برای توبه کردن کافی است.^۲

(۲) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: همانا پشیمانی از گناه و بدی انسان را به ترک آن وا می دارد.^۳

(۳) امام صادق(ع) فرمود: هیچ بنده ای نیست که گناهی کند و از آن پشیمان گردد جز اینکه پیش از آنکه طلب آمرزش کند خدا گنااهش را بیامزد.^۴

(۴) امام صادق(ع) فرمود: همانا مرد [گاهی] گناه کند و خدا به وسیله آن او را به بهشت برد؛ عرض شد: خداوند به سبب گناه او را به بهشت برد؟ فرمود: آری هر آینه او گناهی می کند و پیوسته از آن ترسان و برخود خشنماک است پس خداوند به او ترحم می کند و او را به بهشت می برد.^۵

پنهان داشتن راز

(۱) امام صادق(ع) فرمود: شما بر آیینی هستید که هر کس آن را [از مخالفان و دشمنان] پوشیده دارد خدا عزیزش کند و هر که آن را فاش سازد خداوند او را خوار و بی مقدار نماید.^۱

۱ - انه ليس من عبد مؤمن الا [و] في قلبه نوران: نور خفیه و نور رجاء لو وزن هذا لم يزد على هذا ولو وزن هذا لم يزد على هذا. (همان ح ۱).

۲ - كفى بالندم توبة. (باب الاعتراف بالذنوب والندم عليها ح ۱).

۳ - ان الندم على الشر يدعو الى تركه. (همان ح ۷).

۴ - ما من عبد اذنب ذنباً فندم عليه الا غفر الله له قبل ان يستغفر. (همان ح ۸).

۵ - ان الرجل ليذنب الذنب فيدخله الله به الجنة قلت يدخله الله بالذنب الجنة؟ قال نعم انه ليذنب فلا يزال منه خائفاً ماقتاً لنفسه فيرحمه الله فيدخله الجنة. (همان ح ۳).

(۲) امام صادق(ع) فرمود: به دوش کشیدن و عهده دار شدن امر ما تنها به تصدیق و پذیرفتن آن نیست از جمله تحمل امر ما پنهان و پوشیده داشتن آن از نا اهلش است پس به شیعیان ما سلام برسان.^۲

(۳) امام باقر(ع) فرمود: به خدا سوگند! محبوب ترین اصحابم نزد من کسی است که پرهیزکارتر و فقیه تر است و حدیث ما را پوشیده تر می دارد.^۳

(۴) امام صادق(ع) فرمود: همانا امر ما پوشیده و در پرده میثاق [الهی] است (همان پیمانی که خدا و پیغمبر و ائمه - صلوات الله علیهم - از مردم گرفته اند که راز ما را از نا اهل نماند) پس هر که آن پرده را علیه ما بدرد خدا خوار و بی مقدارش سازد.^۴

ت

تعجیل در خیر

(۱) امام باقر(ع) فرمود: چون اراده کار خیری کردی بشتاب زیرا دانی چه پیش می آید.^۵

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: همانا خداوند کارهای خیری را که زود انجام شود دوست دارد.^۶

(۳) امام صادق(ع) فرمود: هرگاه یکی از شما آهنگ کار خیر یا رساندن نفعی به دیگری کرد دو شیطان در جانب راست و چپ او باشند پس باید بشتابد که او را از آن باز ندارند.^۷

۱ - انکم علی دین من کتمه اعزه الله ومن اذاعه اذله الله. (باب الکتمان ح ۳).

۲ - انه لیس من احتمال امرنا التصدیق له والقبول فقط من احتمال امرنا ستره وصیانتہ من غیر اہلہ فافرئہم السلام. (همان ح ۵).

۳ - والله ان احب اصحابی الی اورعہم وافقہم واکتمہم لحديثنا. (همان ح ۷).

۴ - ان امرنا مستور مقنع بالمیثاق فمن هتک علینا اذله الله. (همان ح ۱۵).

۵ - اذا هممت بخیر فبادر فانک لا تدری ما یحدث. (باب تعجیل فعل الخیر ح ۳).

۶ - ان الله یحب من الخیر ما یعجل. (همان ح ۴).

۷ - اذا هم احدکم بخیر او صلة فان عن یمینہ وشمالہ شیطانین فلیبادر لایکفاه عن ذلک. (همان ح ۸).

تعصب

(۱) امام صادق(ع) فرمود: کسی که تعصب ورزد یا برایش تعصب ورزند (در صورتی که به آن راضی باشد) رشته ایمان را از گردش خویش باز کرده است.^۱

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: هر که در دلش به اندازه دانه خردلی عصبیت باشد خدا او را روز قیامت با اعراب جاهلیت مبعوث کند.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: هر که تعصب کند خداوند دستمالی آتشین به سر او بندد.^۳

(۴) امام سجاد(ع) فرمود: عصبیتی که صاحبش به سبب آن گنهکار است این است که کسی تبهکاران قوم خود را از نیکان قوم دیگر بهتر داند ولی اگر کسی قوم خود بدان را دوست داشته باشد این عصبیت نیست عصبیت آن است که قوم خویش را بر ظلم و ستم یاری کند.^۴

تفکر کردن

(۱) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: با تفکر دل خود را بیدار ساز و در شب پهلوی از بستر خواب تهی کن و از خدا و پروردگارت پروا پیشه کن.^۵

(۲) امام صادق(ع) فرمود: بهترین عبادت همواره اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست.^۶

شرح: با توجه به این که اسلام افراد را از تفکر در ذات و حقیقت خداوند نهی می کند مقصود از اندیشیدن درباره خدا تفکر در افعال بدیع و آثار شگفت انگیز صنع او و تأمل در اسرار نظام آفرینش است؛ چرا که با اندیشیدن در خلقت بشر از مشتی خاک می توان به عظمت و قدرت حق تعالی پی برد و دریافت که خلقت

۱ - من تعصب او تعصب له فقد خلع ربة الايمان من عنقه. (باب العصبية ح ۱).

۲ - من كان في قلبه حبة من خردل من عصبية بعته الله يوم القيمة مع اعراب الجاهلية. (همان ح ۳).

۳ - من تعصب عصبه الله بعصابه من نار (همان ح ۴).

۴ - العصبية التي يأثم عليها صاحبها ان يرى الرجل شرار قومه خيراً من خيار قوم آخرين وليس من العصبية ان يحب الرجل قومه ولكن من العصبية ان يعين قومه على الظلم. (همان ح ۷).

۵ - نه بالتفكر قلبك وجاف عن الليل جنبك واتق الله ربك. (باب التفكر ح ۱).

۶ - افضل العباداة ادمان التفكر في الله وفي قدرته. (همان ح ۳).

این دستگاه عظیم هستی یاوه و بیهوده نیست و هدف بزرگی را تعقیب می کند و خداوند متعال همان گونه که بر آفرینش کائنات از عدم توانایی دارد بر بعث و حشر آن ها در قیامت نیز تواناست.

علت نهی از تفکر در ذات و حقیقت باری تعالی نیز آن است که خداوند متعال از گنجایش فکر و فهم بشر خارج است و انسان نمی تواند بر او احاطه علمی بیابد و تفکر در ذات خداوند به جز سرگردانی و حیرت ثمری ندارد.

(۳) امام رضا(ع) فرمود: عبادت به نماز و روزه بسیار نیست همانا عبادت اندیشیدن در امر خداست.^۱

(۴) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: اندیشیدن انسان را به نیکی و انجام دادن آن فرامی خواند.^۲

تقوا

(۱) امام باقر(ع) فرمود: مذاهب مختلف شما را از راه به در نبرد به خدا سوگند که شیعه ما نیست جز آنکه خدا را اطاعت کند.^۳

شرح: در زمان امام باقر(ع) بدعت گزاران و دین سازان گمراه عقاید و افکار باطلی در میان مسلمین انتشار می دادند که نمونه ای از آنها در روزگار ما هم در میان عوام دیده می شود مانند عقیده به اینکه تنها قبول تشیع یا محبت امیرالمؤمنین - علیه السلام - یا امیدواری به خدا یا گریه برای امام حسین - علیه السلام - بدون هیچ طاعت و عبادت دیگر موجب سعادت و نجات است امام باقر - علیه السلام - با یک جمله کوتاه تمام رشته های این قبیل اوهام و خرافات را بر باد داده شیعیان خود را بیدار و هوشیار می کند و شاهره حقیقت را پیش پای آنها می گذارد و می فرماید: افکار و عقاید باطل شما را منحرف نسازد بدانید یگانه راه سعادت و نجات اطاعت خداست و بس. دیگر احادیث این بخش نیز شاهد براین مدعاست.

(۲) امام باقر(ع) فرمود: خدا با هیچکس خویشی ندارد محبوب ترین بندگان خدا و گرامی ترینشان نزد او با تقواترین و مطیع ترین آنهاست.^۱

۱ - ليس العبادة كثرة الصلوة والصوم انما العبادة التفكير في امر الله عزوجل (همان ح ۴).

۲ - [ان] التفكير يدعوا الى البر والعمل به. (همان ح ۵).

۳ - لا تذهب بكم المذاهب فوالله ما شيعتنا الا من اطاع الله عزوجل. (باب الطاعة والتقوى ح ۱).

و فرمود: هر که مطیع خدا باشد دوست ما و هر که نافرمانی خدا کند دشمن ماست ولایت ما جز با عمل کردن و پارسایی ورزیدن به دست نیاید.

(۳) امیرالمؤمنین(ع) می فرمود: عملی که با تقوا همراه باشد کم نیست چگونه عمل پذیرفته شده [دردرگاه الهی] کم باشد؟ (با آنکه خدای تعالی فرماید: **انما يتقبل الله من المتقين**) خدا فقط عمل مردم با تقوا را می پذیرد.^۲

تقیه

- (۱) امام باقر(ع) فرمود: تقیه از دین من و دین پدرانم می باشد و کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد.^۳
- (۲) امام باقر(ع) فرمود: تقیه مربوط به موارد ضرورت است و تقیه کننده خود داناتر است که چه زمانی ضرورت پیش می آید.^۴
- (۳) امام باقر(ع) می فرمود: چه چیز بهتر از تقیه چشم مرا روشن می کند؟ تقیه سپر مؤمن است.^۵
- (۴) امام باقر(ع) فرمود: تقیه تنها برای جلوگیری از خونریزی وضع شده پس هرگاه کار به خونریزی کشد تقیه نباشد.^۶
- (۵) امام صادق(ع) فرمود: هر چه این امر [ظهور امام قائم(ع)] نزدیک تر شود تقیه شدید تر شود. [زیرا بدعت و ستم توسعه یابد و اظهار حق دشوارتر شود].^۷
- (۶) امام صادق(ع) فرمود: تقیه سپری است خدایی میان او و مخلوقش.^۱

۱ - ليس بين الله وبين احد قرابة احب العباد الى الله عزوجل [واكرمهم عليه] اتقاهم واعملهم بطاعته... من كان لله مطيعاً فهو لنا ولي ومن كان لله عاصياً فهو لنا عدو ما تنال ولايتنا الا بالعمل والورع. (همان ح ۳).

۲ - لا يقل عمل مع تقوى وكيف يقل ما يتقبل (همان ح ۵).

۳ - التقية من ديني ودين آبائي ولا ايمان لمن لا تقية له. (باب التقية ح ۱۲).

۴ - التقية في كل ضرورة وصاحبها اعلم بها حين تنزل به. (همان ح ۱۳).

۵ - وای شيء اقر لعيني من التقية ان التقية جنة المؤمن. (همان ح ۱۴).

۶ - انما جعلت التقية ليحقن بها الدم فاذا بلغ الدم فليس تقية (همان ح ۱۶).

۷ - كلما تقارب هذا الأمر كان اشد للتقية (همان ح ۱۷).

(۷) امام باقر(ع) فرمود: هرگاه [شیوه] فرمانروایی و حکومت کودکانه [و از روی هوا و هوس] باشد با مردم در ظاهر معاشرت کنید و در باطن مخالف آنها باشید.^۲

تکبر و برتری جویی

- (۱) از امام صادق(ع) سؤال شد: کمترین درجه الحاد چیست؟ فرمود: کمترین درجه آن کبر است.^۳
- (۲) امام باقر(ع) فرمود: عزت روپوش خدا و بزرگ منشی زیرپوش خداست پس هر کس به یکی از آنها دست درازی کند خداوند در دوزخ سرنگونش کند.^۴
- شرح: روپوش و زیرپوش استعاره است برای اختصاص عزت و بزرگ منشی به خدای تعالی چنان که روپوش و زیرپوش هر کسی مختص به خود اوست.
- (۳) امام باقر(ع) فرمود: بزرگ منشی روپوش خداست و متکبر با خدا منازعه می کند.^۵
- (۴) امام صادق(ع) فرمود: هر که به سنگینی ذره ای تکبر در دل خود داشته باشد داخل بهشت نشود.^۶
- (۵) امام باقر و امام صادق(ع) فرمودند: متکبران (در روز قیامت) به صورت مور درآیند و مردم آنها را پایمال کنند تا آن گاه که خدا از حساب آنها فارغ شود.^۷
- (۶) امام صادق(ع) فرمود: هیچ کس لاف بزرگی نزند جز به سبب ذلتی که در خود می بیند.^۸

۱ - التقيّة تُرْسُ اللَّهِ بينه وبين خلقه. (همان ح ۱۹).

۲ - خالطوهم بالبرانية وخالفوهم بالجوانية اذا كانت الأمرة صيبانية. (همان ح ۲۰).

۳ - سألت ابا عبد الله(ع) عن ادنى الالحاد فقال: ان الكبر ادناه (باب الكبر ح ۱).

۴ - العز رداء الله والكبر ازاره فمن تناول شيئاً منه اكبه الله في جهنم. (همان ح ۳).

۵ - الكبر رداء الله والمتكبر ينازع الله رداءه. (همان ح ۴).

۶ - لا يدخل الجنة من في قلبه مثقال ذرة من كبر. (همان ح ۶).

۷ - ان المتكبرين يجعلون في صورالذر يتوطاهم الناس حتى يفرغ الله من الحساب. (همان ح ۱۱).

۸ - ما من رجل تكبر او تجبر الا لذلة وجدها في نفسه. (همان ح ۱۷).

تواضع و فروتنی

(۱) امام صادق(ع) می فرمود: همانا دو فرشته در آسمان بر بندگان گماشته شده اند که هر کس برای خدا تواضع کند او را بالا برند و هر که تکبر کند خوار و بی مقدارش کنند.^۱

(۲) امام صادق(ع) فرمود: از تواضع این است که از نشستن در پایین مجلس راضی باشی و به هر که برخوردی سلام کنی و مجادله را ترک کنی اگر چه حق با تو باشد و دوست نداشته باشی که تو را به تقوا بستایند.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: در آنچه خدای عزوجل به داوود(ع) وحی فرمود این بود: (ای داوود چنان که نزدیکترین مردم به خدا متواضعانند دورترین مردم از خدا هم متکبرانند).^۳

(۴) امام رضا(ع) فرمود: تواضع آن است که به مردم عطا کنی آنچه را که دوست داری به تو عطا کنند.^۴

توبه

(۱) حضرت باقر(ع) فرمود: توبه کننده از گناه همانند کسی است که گناه ندارد.^۵

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: همانا خداوند از توبه بنده مؤمنش شاد شود چنانچه یکی از شما به گمشده خود که آن را پیدا کرده شاد گردد.^۶

۱ - ان فی السماء ملکین موکلین بالعباد فمن تواضع لله رفعاه ومن تکبر وضعاه (باب التواضع ح ۲).

۲ - من التواضع ان ترضی بالمجلس دون المجلس وان تسلم علی من تلقی وان تترك المرآء وان كنت محقا وان لاتحب ان تحمد علی التقوی. (همان ح ۶).

۳ - فیما اوحی الله عزوجل إلی داود(ع) یا داود کما ان اقرب الناس من الله المتواضعون کذلک ابعد الناس من الله المتکبرون. (همان ح ۱۱).

۴ - التواضع ان تعطی الناس من تحب ان تعطاه. (همان ح ۱۳).

۵ - التائب من الذنب کمن لا ذنب له. (باب التوبة ح ۱۰).

۶ - ان الله عزوجل یفرح بتوبة عبده المؤمن اذا تاب کما یفرح احدکم بضالته اذا وجدها. (همان ح ۱۳).

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: همانا خداوند دوست دارد بنده ای که در فتنه [گناه] افتد و بسیار توبه کند و هر که این گونه نباشد [البته] بهتر است. (یعنی آن کس که خود را به گناه آلوده نکرده بهتر است از آنکه گناه کند و پس از آن توبه نماید).^۱

(۴) ابوالصباح کنانی گوید: از حضرت صادق(ع) درباره گفتار خدای (ای آنان که ایمان آورده اید توبه کنید به سوی خدا توبه نصوح) پرسیدم فرمود: یعنی بنده از گناه توبه کند و دیگر به آن باز نگردد.^۲

(۵) امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) درباره گفتار خدای متعال: (و آن کس که به او اندرزی از جانب پروردگارش بیاید) فرمود: [مقصود از] اندرز و موعظه در این آیه توبه است.^۳

(۶) حضرت باقر(ع) فرمود: همین که جان به اینجا رسید - و به گلوی خود اشاره فرمود - برای عالم و دانا توبه نباشد و برای نادان وقت توبه [باقی] است.^۴

توحید

(۱) زرارۀ گوید: از امام صادق(ع) درباره فرموده خدای عزوجل: (فطرت الہی کہ مردم را برآن آفریده است) پرسیدم فرمود: [خداوند] همه را بر یگانه پرستی آفرید.^۵

(۲) رسول خدا(ص) فرماید: هر نوزادی بر همین فطرت متولد می شود؛ یعنی خدای عزوجل را خالق خود می داند. همچنین است قول خدای تعالی: (اگر از آنها پرسی آسمانها و زمین را که آفریده؟ خواهند گفت: خدا).^۱

۱ - ان الله يحب العبد الفتن التواب ومن لم يكن ذلك منه كان افضل. (همان ح ۹).

۲ - سألت ابا عبد الله(ع) عن قول الله عزوجل (يا ايها الذين آمنوا توبوا الى الله توبة نصوحاً) قال: يتوب العبد من الذنب ثم لا يعود فيه. (همان ح ۳).

۳ - عن احدهما في قول الله عزوجل: (فمن جاءه موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف) قال: الموعظة التوبة. (همان ح ۲).

۴ - اذا بلغت النفس هذه - واهوى بيده الى حلقه - لم يكن للعالم توبة وكانت للجاهل توبة. (باب فيما اعطى الله عزوجل آدم(ع) وقت التوبة ح ۳).

۵ - سألت ابا عبد الله(ع) عن قول الله عزوجل (فطرة الله التي فطر الناس عليها) قال(ع): فطرهم جميعاً على التوحيد. (باب فطرة الخلق على التوحيد ح ۳).

توکل

(۱) امام صادق(ع) فرمود: بی نیازی و عزت [به این سو و آن سو] در گردشند پس چون به محل توکل برسند وطن گیرند.^۲

(۲) امام صادق(ع) فرمود: و هر که به خدا پناهنده گردد خداوند او را پناه دهد.^۳

و فرمود: به هر که توکل دادند بی نیازی و بندگی دادند.

(۳) امام صادق(ع) فرمود: خدا می فرماید: هر یک از بندگانم که بدون توجه به هیچ یک از مخلوقاتم به من پناهنده شود و من آن را از نیت او دریابم حتی اگر آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست آهنگ فریب و نیرنگ او را بکنند من از میان آنها راه چاره ای برایش فراهم می آورم.^۴

تهمت زدن و گمان بد بردن به برادر دینی

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: همین که مؤمن به برادر [دینی] خود تهمت زند ایمان از دلش زدوده شود چون نمک در آب.^۵

(۲) حضرت صادق(ع) می فرمود: هر کس به برادر دینی خود تهمت زند احترامی میان آن دو به جا نماند.^۶

(۳) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: کار برادر دینی خود را به بهترین وجه آن حمل کن تا آن گاه که کاری کند و راه توجیه را بر تو ببندد و هیچ گاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون آید گمان بدمبر در صورتی که برای آن سخن محمل خوبی می یابی.^۱

۱ - کل مولود یولد علی الفطرة یعنی المعرفة بان الله عزوجل خالقه كذلك قوله (ولئن سألتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله). (همان ح ۴).

۲ - ان الغنى والعز یجولان فاذا ظفرا بموضع التوکل اوطنا. (باب التفویض الى الله والتوکل علیه ح ۳).

۳ - من اعتصم بالله عصمه الله. قال: من اعطى التوکل اعطى الکفاية (همان ح ۴ و ۶).

۴ - اوحى الله عزوجل الى داود(ع) ما اعتصم به عبد من عبادى دون احد من خلقى عرفت ذلك من نيته ثم تكيده السموات والارض ومن فيهن الا جعلت له المخرج من بينهن. (همان ح ۱).

۵ - اذا اتهم المؤمن أخاه انما اتهم الأيمان من قلبه كما ينما الملح فى الماء. (باب التهمة وسوء الظن ح ۱).

۶ - من اتهم أخاه فى دينه فلا حرمة بينهما. (همان ح ۲).

شرح: مقصود این است که هرگاه گفتاری یا کرداری از برادر دینی سرزند که دارای دووجه است: یکی نیک و یکی بد باید تا آنجا که مقدور انسان است آن را بوجه نیک حمل کند گر چه احتمال طرف دیگر را هم بدهد و تجسس و واریسی کردن هم جایز نیست و خداوند از آن نهی فرموده مگر آن که راهی بر توجیه نیکوی آن به دست نیآوری.

ح

حسد

(۱) امام صادق(ع) فرمود: حسد ایمان را می خورد چنانکه آتش هیزم را می خورد.^۲

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: نزدیک است که حسد بر [قضا و] قدر غلبه کند.^۳

(۳) امام صادق(ع) فرمود: آفت دین حسد است.^۴

(۴) امام صادق(ع) فرمود: مؤمن غبطه برد و حسد نبرد ولی منافق حسد برد و غبطه نبرد.^۵

شرح: حسد آن است که نعمتی را که خدا به برادر دینی تو داده برای او نخواهی و از آن رنجبری و آرزوی زوال آن را داشته باشی چه مشابه آن نعمت به تو برسد و چه نرسد؛ ولی غبطه آن است که با نعمت او کاری نداشته باشی و آرزو کنی که خودت هم نظیر آن نعمت را داشته باشی؛ حسد از نظر عقل و شرع مذموم و ناپسند است؛ زیرا حسد بیماری دل است و بدخواهی برادر مسلمان و ناراحتی از لطف و نعمت یزدان و اعتراض بر عدالت خدای تعالی و نظام احسن او و این ناراحتی چه بسا که موجب رنجوری و اختلال حواس و بیماری روحی حسود می شود.

۱ - ضع أمر أخيك على أحسنه حتى يأتيك ما يغلبك منه ولا تظن بكلمة خرجت من أخيك سوءاً وأنت تجد لها في الخير محملاً. (همان ح ۳).

۲ - ان الحسد يأكل الايمان كما تأكل النار الحطب. (باب الحسد ح ۲).

۳ - كاد الحسد ان يغلب القدر. (همان ح ۴).

۴ - آفة الدين الحسد. (همان ح ۵).

۵ - ان المؤمن يغبط ولا يحسد والمنافق يحسد ولا يغبط. (همان ح ۷).

پس حسود دشمن جان خویشتن است؛ ولی غبطه و رقابت ممدوح و مستحسن است و در آیات شریفه و اخبار و احادیث گاهی از آن به مسابقه و گاهی به تنافس تعبیر شده است مانند آیه: **(وفی ذلك فلیتنافس المتنافسون)**.

حسن ظن

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: سوگند به خدایی که جز او شایسته پرستش نیست هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد جز به سبب خوش بینی اش به خدا و امیدواری اش به او و فرمود به خدایی که جز او شایان پرستش نیست گمان هیچ بنده ای نسبت به خدا نیکو نشود جز این که خدا همراه گمان بنده مؤمن خود باشد (هرگونه به او گمان برد خدا با او رفتار کند) زیرا خدا کریم است و همه خیرات به دست اوست او حیا می کند از اینکه بنده مؤمنش بدو گمان نیک برد و او خلاف گمان و امید بنده رفتار کند پس به خدا خوش بین باشید و به سویش رغبت کنید.^۱

(۲) امام صادق(ع) فرمود: حسن ظن به خدا این است که به غیر خدا امیدوار نباشی و جز از گناهانت نترسی.^۲

حق مؤمن بر برادرش و ادای آن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: خدا به چیزی بهتر از اداء حق مؤمن عبادت نشود.^۳

(۲) امام باقر(ع) فرمود: از حق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که گرسنگی او را سیر کند و عورتش را بپوشاند و از گرفتاری اش نجات بخشد و بدهی اش را بپردازد و چون بمیرد در میان خانواده و فرزندان او را جانشینی کند.^۱

۱ - والذی لا اله الا هو ما اعطی مؤمن قط خیرالدنیا والاخرة الا بحسن ظنه باللّه ورجائه له... والذی لا اله الا هولایحسن ظن عبد مؤمن باللّه الا کان اللّه عند ظن عبده المؤمن لان اللّه کریم ببده الخیرات یتستحیی ان یکون عبده المؤمن قد احسن به الظن ثم یخلف ظنه ورجائه فاحسنوا باللّه الظن وارغبوا الیه. (باب حسن الظن باللّه عزوجل ح ۲).

۲ - حسن الظن باللّه ان لاترجو الا اللّه ولا تخاف الا ذنبک. (همان ح ۴).

۳ - ما عبداللّه بشیء افضل من اداء حق المؤمن. (باب حق المؤمن علی اخیه واداء حقه ح ۴).

(۳) امام صادق(ع) فرمود: از حق مؤمن بر مؤمن دوستی قلبی اوست و مواسات مالی و این که به جای او از خانواده اش سر پرستی کند و در برابر کسی که به او ستم کند یاری اش کند.^۲

حق همسایگی

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: همسایه مانند خود انسان است که نه زیان به او رسد و نه گناهکار شود و احترام همسایه مانند احترام مادر است.^۳

(۲) امام صادق(ع) فرمود: خوش رفتاری با همسایه روزی را زیاد می کند.^۴

(۳) امام صادق(ع) فرمود: خوش رفتاری با همسایه در عمرها بیفزاید و خانه ها را آباد کند.^۵

(۴) امام موسی بن جعفر(ع) فرمود: خوش رفتاری با همسایه تنها این نیست که از آزار همسایه خودداری کنی بلکه شکیبایی بر آزار اوست.^۶

(۵) امام صادق(ع) فرمود: بدانید کسی که با همسایه اش خوش رفتاری نکند از ما نیست.^۷

(۶) امام صادق(ع) می فرمود: مؤمن کسی است که همسایه اش از ستم و آزار او آسوده باشد.^۸

(۷) رسول خدا(ص) فرموده: هر چهل خانه همسایه باشند از برابر واز پشت سر و از راست و چپ (یعنی از چهار طرف تا چهل خانه همسایه هستند).^۱

۱ - من حق المؤمن علی أخیه المؤمن أن یشیع جوعته ویواری عورته ویفرج عنه کربته ویقضى دینه فاذا مات خلفه فی اهله وولده. (همان ح ۱).

۲ - أن من حق المؤمن علی المؤمن المودة له فی صدره والمواساة له فی ماله والخلف له فی اهله والنصرة له علی من ظلمه. (همان ح ۷).

۳ - أن الجار کالنفس غیر مضار ولا آثم وحرمة الجار کحرمة امه. (باب حق الجوار ح ۲).

۴ - حسن الجوار یزید فی الرزق. (همان ح ۳).

۵ - حسن الجوار یعمر الدیار ویزید فی الاعمار. (همان ح ۸).

۶ - لیس حسن الجوار کف الاذی ولكن حسن الجوار صبرک علی الاذی. (همان ح ۹).

۷ - اعلّموا انه لیس منا من لم یحسن مجاورة من جاوره (همان ح ۱۱).

۸ - المؤمن من آمن جاره بوائقه (ای ظلمه وغشمه). (همان ح ۱۲).

حلم و خویشتن داری

- (۱) امام سجاد(ع) فرمود: من مردی را دوست دارم که هنگام غضب بردباری اش او را دریابد.^۲
- (۲) امام صادق(ع) فرمود: بردباری برای یاری [مرد بردبار] کافی است و فرمود: اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار.^۳
- (۳) امام باقر(ع) فرمود: خداوند شخص با حیای خویشتن دار و پاکدامن و پاکی جو را دوست دارد.^۴

حیا

- (۱) امام صادق(ع) فرمود: حیا از ایمان است و جایگاه ایمان بهشت است.^۵
- (۲) امام باقر یا امام صادق - علیهما السلام - فرمود: حیا و ایمان همراه و همدوش هم هستند و چون یکی از آن دو رفت دیگری هم در پی آن برود.^۶
- (۳) امام صادق(ع) فرمود: کسی که شرم و حیا ندارد ایمان ندارد.^۷
- (۴) رسول خدا(ص) فرمود: حیا دو گونه است: حیای عقل و حیای حماقت حیای عقل علم است و حیای حماقت نادانی.^۸
- (۵) امام صادق(ع) فرمود: هر کس کم رو باشد کم دانش است (زیرا از پرسیدن شرم می کند و مشکلات علمی اش حل نمی شود).^۱

۱ - کل اربعین دارا جیران: من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله. (باب حد الجوار ح ۱).

۲ - انه لیعجبنی الرجل ان یدرکه حلمه عند غضبه. (باب الحلم ح ۳).

۳ - کفی بالحلم ناصراً وقال اذا لم تکن حلیماً فتعلم. (همان ح ۶).

۴ - ان الله یحب الحیی الحلیم العفیف المتعفف. (همان ح ۸).

۵ - الحیاء من الایمان والایمان فی الجنة. (باب الحیاء ح ۱).

۶ - عن احدهما - علیهما السلام - الحیاء والایمان مقرونان فی قرن فاذا ذهب احدهما تبعه صاحبه. (همان ح ۴).

۷ - لا ایمان لمن لا حیاء له. (همان ح ۵).

۸ - الحیاء حیائان حیا عقل وحیاء حمق فحیاء العقل هو العلم وحیاء الحمق هو الجهل. (همان ح ۶).

خ

خاموشی و حفظ زبان

(۱) امام رضا(ع) فرمود: همانا خاموشی یکی از درهای حکمت است؛ همانا خاموشی محبت می آورد و راهنمای هرامر خیری می باشد (زیرا انسان با تفکر به هر خیری می رسد و خاموشی زمینه بسیار خوبی برای تفکر است).^۲

(۲) امام باقر(ع) فرمود: شیعیان ما بی زبانند (کم گوی و گزیده گویند).^۳

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: زبانت را جز از خیر خاموش دار.^۴

(۴) رسول خدا(ص) فرمود: نجات مؤمن در نگهداشتن زبانش باشد.^۵

(۵) امام باقر(ع) فرمود: ابوذر - رحمه الله - می گفت: ای دانشجو! همانا این زبان کلید خیر و کلید شر است پس همچنان که بر طلا و نقره ات مهر می زنی برزبانت هم مهر بزن.^۶

(۶) امام صادق(ع) فرمود: روزی نیست جز آن که هر عضوی از اعضای تن در برابر زبان فروتنی کند و بگوید: تو را به خدا سوگند! مبدا به سبب تو عذاب ببینیم.^۷

(۷) رسول خدا(ص) فرمود: کسی که سخنش را از عملش بشمارد خطاهایش زیاد شود و عذابش فرا رسد.^۸

۱ - من رقی وجهه رقی علمه. (همان ح ۳).

۲ - ان الصمت باب من ابواب الحکمة ان الصمت یکسب المحبة انه دلیل علی کل خیر. (باب الصمت وحفظ اللسان ح ۱).

۳ - انما شیعتنا الخرس (همان ح ۲).

۴ - فاصمت لسانک الامن خیر. (همان ح ۵).

۵ - نجات المؤمن [فی] حفظ لسانه. (همان ح ۹).

۶ - کان ابوذر - رحمه الله - یقول: یا مبتغی العلم ان هذا اللسان مفتاح خیر ومفتاح شر فاختم علی لسانک کما تخرم علی ذهبک و ورقک. (همان ح ۱۰).

۷ - ما من یوم الا وکل عضو من أعضاء الجسد یکفر اللسان یقول: نشدتک الله ان نعذب فیک. (همان ح ۱۲).

۸ - من لم یحسب کلامه من عمله کثرت خطایاه وحضر عذابه. (همان ح ۱۵).

(۸) رسول خدا(ص) فرمود: اگر در چیزی نحسی باشد در زبان است.^۱

(۹) رسول خدا(ص) فرمود: هر که سخنش را از کردارش بداند سخن گفتنش کم شود مگر درباره آنچه برایش سودمند باشد.^۲

خودبینی و عجب

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: همانا خدا دانست که ارتکاب گناه برای مؤمن از خودبینی بهتر است و اگرچنین نبود هرگز مؤمنی به گناهی دچار نمی شود.^۳

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که را خودبینی فرا گیرد هلاک شود.^۴

خوش خلقی

(۱) امام باقر(ع) فرمود: کامل ترین مردم از لحاظ ایمان خوش خلق ترین آنهاست.^۵

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: روز قیامت در ترازوی کسی چیزی بهتر از حسن خلق گذاشته نمی شود.^۶

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: آن که خلق نیکو دارد پاداش روزه گیر شب زنده دار دارد.^۷

(۴) امام صادق(ع) فرمود: خدای تبارک و تعالی به یکی از پیغمبرانش وحی فرمود: که خوش خلقی گناه را آب می کند چنان که خورشید یخ را آب می کند.^۸

۱ - ان كان في شيء شؤم ففي اللسان. (همان ح ۱۷).

۲ - من رأى موضع كلامه من عمله قل كلامه الا فيما يعنيه. (همان ح ۱۹).

۳ - ان الله علم ان الذنب خير للمؤمن من العجب ولولا ذلك ما ابتلى مؤمن بذنب ابدا. (باب العجب ح ۱).

۴ - من دخله العجب هلك. (همان ح ۲).

۵ - ان اكمل المؤمنين ايمانا احسنهم خلقا (باب حسن الخلق ح ۱).

۶ - ما يوضع في ميزان امرئ يوم القيامة افضل من حسن الخلق. (همان ح ۲).

۷ - ان صاحب الخلق الحسن له مثل أجر الصائم القائم. (همان ح ۵).

۸ - اوحى الله تبارك و تعالى الى بعض انبيائه الخلق الحسن يميث الخطيئة كماميث الشمس الجليد. (همان ح ۹).

(۵) امام صادق(ع) فرمود: اخلاق بخششی است که خدای عزوجل به مخلوقش عطا می کند و بخشی از آن غریزی و فطری و برخی از آن [وابسته به] نیت [آدمی] است (یعنی با تصمیم و اکتساب و تمرین حاصل می شود و غریزه و فطرت ثانوی می گردد).^۱

(۶) یکی از اصحاب به امام صادق(ع) عرض کرد: تعریف حسن خلق چیست؟ فرمود: این که فروتنی کنی و خوش سخن باشی و با برادرت با خوشرویی برخورد کنی.^۲

خوش رفتاری با پدر و مادر

(۱) ابو ولاد حنّاط (گندم فروش) گوید: از امام صادق(ع) از قول خدای عزوجل: (وبه والدین احسان کنید) (اسراء (۱۷) آیه ۲۳) پرسیدم که این احسان چیست؟

فرمود: احسان این است که به خوشی با آنها یار باشی و آنها را وانداری که آنچه را نیاز دارند از تو بخواهند و اگر چه توانگر باشند (یعنی حوائج آنها را نگفته فراهم کنی) (مگر نیست که خدا - عزوجل - می فرماید: (به احسان کردن نرسید تا آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید) (آل عمران (۳) آیه ۹۲) گوید: سپس امام صادق(ع) فرمود: واما قول خدا - عزوجل - (اگر چنانچه یکی از آنها یا هر دو نزد تو به دوران پیری رسیدند به آنها اف مگو و با آنها درشتی مکن) (اسراء (۱۷) آیه ۲۳) فرمود: یعنی اگر تو را به تنگ آوردند به آنها مگو اف و اگر تو را زدند با آنها درشتی مکن فرمود: (و به آنها با احترام سخن بگو) فرمود: یعنی اگر تو را زدند به آنها بگو: خدا شما را بیامرزد این است گفتار کریمانه و محترمانه فرمود: (از روی مهربانی در برابر آنها زبونی و فروتنی کن) فرمود: یعنی چشم به آنها خیره مکن و جز با مهر و دلسوزی به آنها نگاه مینداز و آواز خود را بر آواز آنها میفراز و دست بالای دست آنها مدار و بر آنها پیشی مگیر.^۳

۱ - ان الخلق منیحة یمنحها الله عزوجل خلقه فمنه سجة ومنه نية. (همان ح ۱۱).

۲ - قلت له ما حد حسن الخلق قال تلین جناحک وتطیب کلامک وتلقى اخاک ببشر حسن. (باب حسن البشر ح ۴).

۳ - عن ابی ولاد الحنّاط قال: سألت ابا عبد الله(ع) عن قول الله عزوجل: (وبالوالدین احسانا) ما هذا الاحسان؟ فقال: الاحسان ان تحسن صحبتهم وان لا تکلفهم ان یسألک شیئاً مما یحتاجان الیه وان کانا مستغنین الیس یقول الله عزوجل: (لن تتالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون).

قال: ثم قال ابو عبد الله(ع): واما قول الله عزوجل: (اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما) قال: ان اضجراک فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما ان ضرباک قال: (وقل لهما قولاً کریماً) قال: ان ضرباک فقل لهما: غفر الله لکما فذلک منک قول کریم.

(۲) رسول الله - صلى الله عليه وآله - فرمود: پدر و مادر را فرمان برو به آنها نیکی کن زنده باشند یا مرده و اگر دستور دادند که از همسر و دارایی ات دوری گزین این کار را بکن که از ایمان است.^۱

(۳) مردی از رسول خدا - صلى الله عليه وآله - پرسید: حق پدر بر فرزندش چیست؟ فرمود: او را به نامش نخواند و جلوش راه نرود و پیش از او ننشیند و باعث دشنام او نشود (کاری نکند که مردم پدرش را دشنام دهند).^۲

(۴) امام صادق(ع) فرمود: چه چیز مانع می شود که مردی از شما به پدر و مادرش در حیات و مرگشان نیکی کند: از جانب آنها نماز بخواند و صدقه و حج گذارد و روزه بگیرد تا آنچه کرده [ثوابش] به ایشان برسد و خود نیز همان را دریافت دارد. تا خداوند به سبب نیکی و صله او خیر فراوانی روزی اش کند.^۳

(۵) مردی به امام صادق(ع) عرض کرد: پدر و مادر من مخالف [شیعه] می باشند حضرت فرمود: با آنها خوش رفتاری کن چنان که با مسلمانهای دوست ما خوش رفتاری می کنی.^۴

(۶) امام باقر(ع) فرمود: همان بنده ای نسبت به پدر و مادر خویش در زمان حیاتشان نیکوکار است سپس آنها می میرند و او بدهی آنها را نمی پردازد و برای آنها آمرزش نمی خواهد لذا خدا او را [نسبت به والدین] عاق و نافرمان محسوب می کند و بنده دیگر در زمان حیات پدر و مادر خود عاق آنها است و نسبت به آنها نیکی نمی کند ولی چون درگذشتند بدهی آنها را می پردازد و برای آنها آمرزش می خواهد و خداوند او را نیکوکار محسوب می نماید.^۵

قال: (واخفض لهما جناح الذل من الرحمة) قال: لا تملأ عينيك من النظر اليهما الا برحمة ورقة ولا ترفع صوتك فوق اصواتهما ولا يدك فوق ايديهما ولا تقدم قدامهما. (باب البر بالوالدين ح ۱).

۱ - ووالديك فاطعهما وبرهما حين كانا او ميتين و ان امراك ان تخرج من اهلك ومالك فافعل فان ذلك من الايمان. (همان)
۲ - سأل رجل عن رسول الله(ص) ما حق الوالد على ولده؟ قال لا يسميه باسمه ولا يمشي بين يديه ولا يجلس قبله ولا يستسب له. (همان ح ۵).

۳ - ما يمنع الرجل منكم ان يبر والديه حين وميتين يصلی عنهما ويتصدق عنهما ويحج عنهما ويصوم عنهما فيكون الذي صنع لهما وله مثل ذلك فبزيده الله عزوجل بیره وصلته خيراً كثيراً. (همان ح ۷).

۴ - رجلاً يقول لابی عبدالله(ع): ان لی ابوين مخالفين فقال(ع) برهما كما تبرالمسلمين ممن يتولانا. (همان ح ۱۴).

۵ - ان العبد ليكون بارا بوالديه في حياتهما ثم يموتان فلا يقضى عنهما ديونهما ولا يستغفر لهما فيكتبه الله عاقا وانه ليكون عاقا لهما في حياتهما غير باريهما فاذا ماتا قضى دينهما واستغفر لهما فيكتبه الله عزوجل بارا. (همان ح ۲۱).

خیر خواهی برای مؤمنان

- (۱) حضرت صادق(ع) فرمود: بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب خیر خواه مؤمن باشد.^۱
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: هر مردی از شما باید خیرخواه برادرش باشد همان گونه که خیرخواه خویشش است.^۲
- (۳) رسول خدا(ص) فرمود: بزرگترین مردم از لحاظ مرتبه نزد خدا در روز قیامت کسی است که برای خیرخواهی مردم در زمین بیشتر دوندگی کند.^۳
- (۴) رسول خدا(ص) فرمود: هر که در پی انجام حاجت برادر دینی خود برود ولی برای او خیر اندیشی نکند به خدا و رسولش خیانت کرده است.^۴
- (۵) امام صادق(ع) فرمود: هر که با برادر (دینی) خود مشورت کند؛ و او نظر خالص و بی غرضانه ای به او ارائه ندهد خداوند عقل و تدبیرش را از او بگیرد.^۵

د

دروغ گفتن

- (۱) امام سجاد(ع) فرمود: از دروغ کوچک و بزرگ - چه جدی و چه شوخی - بپرهیزید زیرا کسی که در چیز کوچک دروغ گفت به دروغ بزرگ نیز جرأت پیدا کند.^۶
- (۲) امام باقر(ع) فرمود: خدا برای بدی قفلهایی قرار داده و کلیدهای آنها را شراب قرار داده و دروغ بدتر از شراب است.^۱

۱ - یجب للمؤمن علی المؤمن النصیحة له فی المشهد والمغیب. (باب نصیحة المؤمن ح ۲).

۲ - لینصح الرجل منکم أخاه کنصیحته لنفسه. (همان ح ۴).

۳ - ان اعظم الناس منزلة عندالله یوم القيامة أمشاهم فی ارضه بالنصیحة لخلقه. (همان ح ۵).

۴ - من سعی فی حاجة لاخیه فلم ینصحہ فقد خان الله ورسوله. (باب من لم ینصح اخاه المؤمن ح ۱).

۵ - من استشار أخاه فلم یمحضه محض الرأي سلبه الله عزوجل رأیه. (همان ح ۵).

۶ - اتقوا الکذب الصغیروالکبیر فی کل جد وهزل فان الرجل اذا کذب فی الصغیر اجتری علی الکبیر. (باب الکذب ح ۲).

(۳) امام باقر(ع) فرمود: دروغ ویران کننده ایمان است.^۲

(۴) امام باقر(ع) فرمود: اولین کسی که دروغ را تکذیب کند خداوند است سپس دو فرشته که با او هستند سپس خود شخص که به دروغگویی خود واقف است.^۳

دشنام گویی

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: دشنام گوی مؤمن مانند کسی است که در پرتگاه هلاکت است.^۴

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: دشنام گویی به مؤمن نافرمانی و تبهکاری است.^۵

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: به مردم دشنام مدهید تا میان آنان دشمنی ایجاد نشود.^۶

(۴) امام موسی کاظم(ع) فرمود: درباره دو مردی که به هم دشنام دهند فرمود: آن که دشنام آغاز کند ستمکارتر است و گناه او و گناه رفیقش به گردن اوست تا زمانی که از ستم دیده معذرت بخواهد.^۷

(۵) امام باقر(ع) فرمود: لعنت چون از دهان کسی بیرون آید [در هوا] مردد ماند پس اگر جایی پیدا کرد [در آن قرار گیرد] و گرنه به گوینده برگردد.^۸

(۶) امام باقر(ع) فرمود: هیچ انسانی رو در روی مؤمنی به او طعن نزنند جز این که به بدترین مرگها بمیرد و سزاوار است که روی خیر [و سعادت] را نبیند.^۹

۱ - ان الله عزوجل جعل للشر اقفالاً وجعل مفاتيح تلك الاقفال الشراب والكذب شر من الشراب. (همان ح ۳).

۲ - ان الكذب هو خراب الايمان. (همان ح ۴).

۳ - ان اول من يكذب الكذاب الله عزوجل ثم الملكان اللذان معه ثم هو يعلم انه كاذب. (همان ح ۶).

۴ - سباب المؤمن كالمشرف على الهلكة. (باب السباب ح ۱).

۵ - سباب المؤمن فسوق. (همان ح ۲).

۶ - لا تسبوا الناس فتكتسبوا العداوة بينهم. (همان ح ۳).

۷ - في رجلين يتسابان قال البادي منهما اظلم ووزره ووزر صاحبه عليه ما لم يعتذر الى المظلوم. (همان ح ۴).

۸ - ان اللعنة اذا خرجت من في صاحبها ترددت بينهما فان وجدت مساعاً والارجعت على صاحبها. (همان ح ۷).

دعا برای برادران دینی در پشت سر آنان

(۱) حضرت باقر(ع) فرمود: دعایی که بیشتر امید استجابت آن می رود وزودتر به اجابت می رسد دعا در پشت سر برادر دینی است.^۲

(۲) امام صادق(ع) فرمود: دعای انسان در غیاب برادر [دینی] اش روزی را فراوان کند و از [امور] نامطلوب جلوگیری کند.^۳

(۳) امام باقر(ع) فرمود: چیزی نزد خدا بهتر از این نیست که از آنچه نزد اوست از او درخواست شود و کسی نزد خدا مغبوض تر نیست از آن کس که از عبادت او تکبر ورزد [و سرپیچی کند] و از آنچه نزد اوست درخواست نکند.^۴

(۴) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که از فضل خدا درخواست نکند نیازمند و فقیر گردد.^۵

(۵) حضرت صادق(ع) فرمود: پیوسته دعا کنید؛ زیرا به هیچ چیز مانند آن به خدا نزدیک نشوید.^۶

دعا سلاح مؤمنان

(۶) رسول خدا - صلی الله علیه وآله - فرمود: دعا سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمانهاست.^۷

۱ - ما من انسان یطعن فی عین مؤمن الامات بشر میتة وکان قمنا ان لایرجع الی خیر. (همان ح ۹).

۲ - او شک دعوة واسرع اجابة دعاء المرء لاختیه بظهر الغیب. (باب الدعاء للاخوان بظهر الغیب ح ۱).

۳ - دعاء المرء لاختیه بظهر الغیب یدر الرزق ویدفع المکره. (همان ح ۲).

۴ - ما من شیء افضل عند الله عزوجل من ان یسأل ویطلب مما عنده وما احد ابغض الی الله عزوجل ممن یتکبر عن عبادته ولا یسأل ما عنده. (باب فضل الدعاء والحث علیه ح ۲).

۵ - من لم یسأل عزوجل من فضله [فقد] افتقر. (همان ح ۴).

۶ - علیکم بالدعاء فانکم لاتقربون بمثله (همان ح ۶).

۷ - الدعاء سلاح المؤمن وعمودالدین ونور السماوات والارض. (باب ان الدعاء سلاح المؤمن ح ۱).

(۷) امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرمود: دعا کلیدهای نجات و گنجینه های رستگاری است و بهترین دعا آن دعایی است که از سینه ای پاک و دلی پرهیزکار بر آید.^۱

(۸) امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرمود: دعا سپر مؤمن است و هرگاه دری را بسیار کوبیدی به روی تو باز شود.^۲

(۹) حضرت رضا - علیه السلام - همیشه به اصحاب خود می فرمود: پیوسته ملازم سلاح پیامبران باشید و آن دعاست.^۳

(۱۰) حضرت صادق - علیه السلام - فرمود: دعا از نیزه نافذتر است.^۴

دعا دفع کننده بلا و قضا

(۱۱) حضرت صادق(ع) فرمود: دعا قضایی را که از آسمان نازل گردیده و به سختی استوار گشته باز گرداند.^۵

(۱۲) امام سجاد(ع) فرمود: همانا دعا و بلا تا روز قیامت با هم رفاقت کنند و همانا دعا بلایی را که به سختی استوار شده برگرداند.^۶

(۱۳) امام سجاد(ع) فرمود: دعا بلا را دفع کند چه نازل شده باشد و چه نازل نشده باشد.^۷

۱ - الدعاء مفاتیح النجاح ومقالید الفلاح وخیرالدعاء ما صدرعن صدر نقی وقلب تقی. (همان ح ۲).

۲ - الدعاء ترس المؤمن ومتی تكثر قرع الباب یفتح لك. (همان ح ۴).

۳ - علیکم بسلاح الانبیاء فقیل وما سلاح الانبیاء؟ قال: الدعاء. (همان ح ۵).

۴ - ان الدعاء انفذ من السنان. (همان ح ۶).

۵ - ان الدعاء یرد القضاء وقد نزل من السماء وقد ابرم ابراما. (باب ان الدعاء یرد البلاء والقضاء ح ۳).

۶ - ان الدعاء والبلاء لیترافقان الی یوم القيمة ان الدعاء لیرد البلاء وقد ابرم ابراما. (همان ح ۴).

۷ - الدعاء یدفع البلاء النازل وما لم ینزل. (همان ح ۵).

ثمرات دعا

- (۱۴) حضرت صادق(ع) فرمود: پیوسته دعا کن؛ زیرا درمان هر دردی دعاست.^۱
- (۱۵) حضرت صادق(ع) فرمود: دعامخزن و گنجینه اجابت است چنانچه ابر مخزن باران است.^۲
- (۱۶) حضرت صادق(ع) فرمود: دعا در حال راحتی و آسایش نیازمندیهای زمان گرفتاری را برآورده می‌سازد.^۳
- (۱۷) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که را خوش آید که دعایش در حال سختی به اجابت برسد باید در حال راحتی و آسایش بسیار دعا کند.^۴
- (۱۸) حضرت صادق(ع) فرمود: هرگاه دعا کردی گمان کن که حاجتت بر در خانه است.^۵
- (۱۹) حضرت صادق(ع) فرمود: خداوند دعایی را که از دل غافل بر آید اجابت نکند؛ پس هرگاه دعا کردی از عمق دل دعا کن و یقین داشته باش که اجابت شود.^۶
- (۲۰) حضرت صادق(ع) فرمود: همانا چون بنده دعا کند خداوند پیوسته در پی حاجت او باشد مادامی که آن بنده شتاب نکند.^۷
- (۲۱) حضرت باقر(ع) فرمود: به خدا سوگند هیچ بنده ای در دعا به درگاه خدا پافشاری و اصرار نکند جز آن که حاجتش را بر آورد.^۸
- (۲۲) حضرت رضا(ع) فرمود: یک دعای بنده در پنهانی برابر با هفتاد دعای آشکار اوست.^۱

۱ - عليك بالدعاء فانه شفاء من كل داء. (باب ان الدعاء شفاء من كل داء ح ۱).

۲ - الدعاء كهف الاجابة كما ان السحاب كهف المطر. (باب ان من دعا استجيب له ح ۱).

۳ - ان الدعاء في الرخاء يستخرج الحوائج في البلاء. (باب التقدم في الدعاء ح ۳).

۴ - من سره ان يستجاب له في الشدة فليكثر الدعاء في الرخاء. (همان ح ۴).

۵ - اذا دعوت فظن ان حاجتك بالباب. (باب اليقين في الدعاء ح ۱).

۶ - ان الله عزوجل لا يستجيب دعاء بظهر قلب ساه فاذا دعوت فاقبل بقلبك ثم استيقن بالاجابة (باب الاقبال على الدعاء ح ۱).

۷ - ان العبد اذا دعا لم يزل الله تبارك و تعالى في حاجته ما لم يستعجل. (باب اللاحاح في الدعاء والتلبث ح ۱).

۸ - والله لا يلح عبد مؤمن على الله عزوجل في حاجته الا قضاها له. (همان ح ۳).

(۲۳) حضرت باقر(ع) فرمود: پدرم هر گاه که به درگاه خداوند حاجتی داشت در این ساعت آن را می خواست یعنی اول ظهر (هنگام زوال که خورشید از میانه آسمان به طرف مغرب متمایل شود).^۲

(۲۴) رسول خدا(ص) فرمود: بهترین وقتی که در آن خدا را بخوانید (و به درگاهش دعا کنید) سحرها است: و این آیه را که درباره گفتار حضرت یعقوب(ع) است تلاوت فرمود: (گفت به زودی برای شما از پروردگار خود آمرزش خواهم) (یوسف (۱۲) آیه ۹۸) فرمود: (دعا کردن برای آنها را) به سحرگاه تأخیر انداخت (وموکول به وقت سحر کرد).^۳

(۲۵) از حضرت باقر(ع) درباره آیه: (پس فروتن نشدند برای پروردگار خویش و زاری نکردند) (مؤمنون (۲۳) آیه ۷۶) سؤال شد فرمود: (استکانت) همان فروتنی است و تضرع بلند کردن هر دو دست و زاری کردن به دانهاست.^۴

اجتماع برای دعا و عمومیت دادن به آن

(۲۶) حضرت صادق(ع) فرمود: هیچ گاه چهار نفر با هم اجتماع نکرده اند که برای مطلبی به درگاه خدا دعا کنند جز این که به اجابت آن دعا از هم جدا شده اند.^۵

(۲۷) امام صادق(ع) فرمود: دعا کننده و آمین گو در مزد و اجر شریکند.^۶

۱ - دعوة العبد سرا دعوة واحدة تعدل سبعين دعوة علانية. (باب اخفاء الدعاء ح ۱).

۲ - كان ابي اذا كانت له الى الله حاجة طلبها في هذه الساعة يعني زوال الشمس. (باب الاوقات والحالات التي ترجى فيها الاجابة ح ۴).

۳ - خير وقت دعوتهم الله عزوجل فيه الاسحار وتلا هذه الآية في قول يعقوب(ع): (سوف استغفر لكم ربي) [و] قال اخرهم الى السحر. (همان ح ۶).

۴ - سألت ابا جعفر(ع) عن قول الله عزوجل: (فما استكانوا لربهم وما يتضرعون) قال الاستكانة هي الخضوع والتضرع رفع اليدين والتضرع بهما. (باب الرغبة والرهبة ح ۶).

۵ - ما اجتمع اربعة رهط قط على امر واحد فدعوا [الله] الا تفرقوا عن اجابة. (باب الاجتماع في الدعاء ح ۲).

۶ - الداعي والمؤمن في الاجر شريكان. (همان ح ۴).

(۲۸) رسول خدا(ص) فرمود: هرگاه یکی از شماها دعا کند پس آن را عمومیت دهد(و همه را دعا کند) زیرا که آن به اجابت نزدیک تر است.^۱

(۲۹) به امام صادق(ع) عرض شد: دعای مردی مستجاب می شود و سپس به تأخیر می افتد؟ فرمود: آری تا بیست سال (ممکن است تأخیر افتد).^۲

(۳۰) حضرت صادق(ع) فرمود: میان گفته خدا [که به موسی و هارون در مقابل دعا برای نابودی فرعون و پیروانش فرمود:] (هر آینه دعای شما به اجابت رسید (یونس (۱۰) آیه ۸۹) تا نابودی فرعون چهل سال طول کشید.^۳

دل آدمی و حالات آن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: به درستی که ساعتی از شب و روز بر دل بگذرد که نه در آن کفر است و نه ایمان و مانند پارچه ای کهنه است. سپس فرمود: آیا تو در نفس خودت چنین چیزی را درک نکرده ای؟ فرمود: سپس به دست خداست که هر طور بخواهد نقطه ای از کفر یا ایمان بر دل زند.^۴

(۲) امام موسی کاظم(ع) فرمود: خداوند دل‌های مؤمنان را پیچیده و بسته به ایمان آفریده (یعنی مانند نامه لوله کرده و خانه بسته که جز نویسنده نامه و صاحبخانه کسی نداند که چه در آن است) و هنگامی که بخواهد آنچه در آن است بدرخشد به باران حکمت آبیاری اش کند و بذر علم در آن بکارد و زارع و سرپرست آن پروردگار جهانیان است.^۵

۱ - اذا دعا احدکم فليعم فانه اوجب للدعاء. (باب العموم فی الدعاء ح ۱).

۲ - قلت لابی عبدالله(ع) يستجاب للرجل الدعاء ثم يؤخر؟ قال: نعم عشرين سنة. (باب من ابطأت عليه الاجابة ح ۴).

۳ - كان بين قول الله عزوجل: (قد اجيبت دعوتكما) وبين اخذ فرعون اربعين عاما. (همان ح ۵).

۴ - ان القلب ليكون الساعة من الليل والنهار ما فيه كفر ولا ايمان كالثوب الخلق قال ثم قال لی اما تجد ذلک من نفسک قال ثم تكون النکته من الله فی القلب بماشاء من کفرو ايمان. (باب سهو القلب ح ۱).

۵ - ان الله خلق قلوب المؤمنين مطوية مبهمه على الايمان فاذا اراد استنارة ما فيها نضحها بالحكمة وزرعها بالعلم زارعها والقيم عليها رب العالمين. (همان ح ۳).

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: گاهی مردی را می بینی که در سخنوری در یک لام یا واو خطا نکند و خطیبی زبردست است ولی دلش از شب تاریک و ظلمانی تاریکتر و سیاهتر است و گاهی مردی را می یابی که نمی تواند آنچه را که در دل دارد به زبان آورد اما دلش مانند چراغ نورافشانی کند.^۱

(۴) حضرت باقر(ع) فرمود: دلها سه گونه اند: دل وارونه که هیچ خیری را در خود جا ندهد و آن دل کافر است و دلی که در آن نقطه سیاهی است و خوبی و بدی در آن با هم در کشمکش باشند پس هر کدام از آنها هم سنخ دل باشد بر دیگری چیره گردد و دلی باز و گشاده که در آن چراغهایی است تابناک و نورش تا روز رستاخیز خاموش نگردد و آن دل مؤمن است.^۲

(۵) حضرت باقر(ع) فرمود: همانا این دلها گاهی سخت شود و گاهی نرم و هموار گردد.^۳

(۶) حضرت صادق(ع) فرمود: هیچ قلبی نیست جز آنکه دو گوش دارد بر سر یکی از آن دو فرشته ای است راهنما و بر سر دیگری شیطنانی است فتنه انگیز این فرمانش دهد و آن بازش دارد شیطان به گناهان فرمانش دهد و فرشته از آنها بازش دارد.^۴

(۷) حضرت باقر(ع) فرمود: چیزی تباه کننده تر از گناه برای قلب نیست قلب مرتکب گناهی می شود و بر آن اصرار می ورزد تا اینکه بر آن سیطره می یابد.^۵

دنيا

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: دنیا خانه کسی است که خانه ندارد و آنکه عقل ندارد برای دنیا جمع می کند.^۱

۱ - تجدد الرجل یخطئ بلام ولا واو خطیباً مصقعا ولقلبه اشد ظلمة من اللیل المظلم وتجد الرجل لا یتستطیع یعبر عما فی قلبه بلسانه و قلبه یزهر کما یزهر المصباح . (باب فی ظلمة قلب المنافق ح ۱).

۲ - القلوب ثلاثة قلب منکوس لایعی شیئاً من الخیر وهو قلب الکافر وقلب فیہ نکته سوداء فالخیر والشرفیه یعتلجان فایهما کانت منه غلب علیه وقلب مفتوح فیہ مصابیح تزهّر ولا یطفأ نوره الی یوم القیامة وهو قلب المؤمن. (همان ح ۳).

۳ - انما هی القلوب مرة تصعب ومرة تسهل. (باب فی تنقل احوال القلب ح ۱).

۴ - ما من قلب الا وله اذنان علی احدهما ملک مرشد وعلی الاخری شیطان مفتن هذا یأمره وهذا یزجره. (باب ان للقلب اذنین ح ۱).

۵ - ما من شیء افسد للقلب من خطیئة ان القلب لیواقع الخطیئة فما تزال به حتی تغلب علیه (باب الذنوب ح ۱).

(۲) امام باقر(ع) فرمود: هر روز فرشته ای ندا در می دهد که: [ای] آدمیزاد! به دنیا آی برای مردن و گرد آوری کن برای نابودی و بساز برای خرابی.^۲

(۳) رسول خدا(ص) می فرمود: مرا با دنیا چه کار؟ حکایت من و دنیا حکایت سواری است که در روز گرمی درختی برایش به پا شده و او در زیر آن درخت خواب کوتاهی می کند و سپس کوچ می نماید و درخت را وا می گذارد.^۳

(۴) امام صادق(ع) فرمود: در کتاب علی - صلوات الله علیه - آمده است که: حکایت دنیا حکایت مار است که دست مالیدن به آن بسیار نرم و خوشایند است در حالی که زهر کشنده ای در درون دارد مرد عاقل از آن پرهیزد و کودک نادان بدان متمایل گردد.^۴

(۵) امام صادق(ع) فرمود: دنیا مانند آب دریاست که هر چه شخص تشنه از آن بیشتر بیاشامد تشنگی اش بیشتر شود تا آنکه او را بکشد.^۵

(۶) امام رضا(ع) فرمود: عیسی بن مریم - صلوات الله علیه - به حواریین گفت: ای بنی اسرائیل! بر آنچه از دنیا از دست شما رفت افسوس مخورید چنانکه اهل دنیا چون به دنیای خود رسند بر دین از دست داده افسوس نخورند.^۶

دورویی و نفاق

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که با مسلمان به دو چهره و دو زبان برخورد کند روز قیامت در حالی بیاید که برای او دو زبان آتشین باشد.^۱

-
- ۱ - الدنيا دار من لا دار له ولها يجمع من لاعقل له. (باب ذم الدنيا ح ۸).
 - ۲ - ملك ينادي كل يوم ابن آدم لد الموت واجمع للفناء وابن للخراب. (همان ح ۱۴).
 - ۳ - مالي وللدنيا انما مثلي ومثلها كمثل الراكب رفعت له شجرة في يوم صائف فقال تحتها ثم راح وتركها. (همان ح ۱۹).
 - ۴ - ان في كتاب علي صلوات الله عليه انما مثل الدنيا كمثل الحية ما الين مسها وفي جوفها السم الناقع يحذرها الرجل العاقل ويهوى اليها الصبي الجاهل. (همان ح ۲۲).
 - ۵ - مثل الدنيا كمثل ماء البحر كلما شرب منه العطشان ازداد عطشاً حتى يقتله. (همان ح ۲۴).
 - ۶ - قال عيسى بن مریم - صلوات الله علیه - للحواریین: يا بنی اسرائیل لا تأسوا علی ما فاتکم من الدنيا کما لا یأسی اهل الدنيا علی ما فاتهم من دینهم اذا اصابوا دنياهم. (همان ح ۲۵).

شرح: مقصود کسانی هستند که برای جلب نفع دنیوی نزد هرکس مطابق تمایلات او سخن گویند و به اصطلاح معروف نان به نرخ روز خورند که این کار باعث حق کشی های فراوان می گردد و عین نفاق است.

(۲) حضرت باقر(ع) فرمود: چه بد بنده ای است آن بنده دو رو و دو زبان که درحضور برادرش او را ستایش کند و در پشت سر او را بخورد [و از او بدگویی کند] اگر دارا شود (و ثروتی به چنگ آورد) بر او رشک برد و اگر گرفتار شود دست از یاری او بردارد.^۲

شرح: مقصود از اینکه حضرت فرمود: (در پشت سر او را بخورد) یعنی غیبت او را کند چنانچه خدای تعالی فرماید: (و غیبت نکند برخی از شما برخی دیگر را؛ آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خویش را بخورد؟ همانا آن را ناخوش دارید. (حجرات (۴۹) آیه ۱۲).

(۳) خدای تبارک و تعالی به عیسی بن مریم فرمود: ای عیسی! باید که زبانت در پنهانی و آشکار یکی باشد و همچنین قلب تو. همانا من تو را از نفس خودت می ترسانم و همین بس که من [بر حال تو] آگاهم. دو زبان در یک دهان نشاید و دو شمشیر در یک غلاف ننگند و دو دل در یک سینه نباشد نهاد انسان نیز این چنین است [که دو عقیده مخالف در یک ذهن نتواند جایگیر شود].^۳

دوری از گناه

(۱) امام صادق(ع) فرمود: بر شما باد به ورع زیرا بدانچه نزد خدا هست جز با ورع نتوان رسید.^۴

(۲) امام صادق(ع) فرمود: کوشش بدون ورع سود نبخشد.^۵

(۳) امام باقر(ع) فرمود: سخت ترین عبادت ورع است.^۱

۱ - من لقی المسلمین بوجهین ولسانین جاء یوم القيامة وله لسانان من نار. (باب ذی اللسانین ح ۱).

۲ - بتس العبد یكون ذا وجهین وذا لسانین یطری اشاء شاهد ویأكله غائباً ان اعطی حسده وان ابتلی خذله. (همان ح ۲).

۳ - قال الله تبارک و تعالی لعیسی بن مریم(ع): یا عیسی لیکن لسانک فی السر والعلانیة لساناً واحداً وكذلك قلبک انی احذرك نفسک وکفی بی خیبراً لا یصلح لسانان فی فم واحد ولا سیفان فی غمد واحد ولا قلبان فی صدر واحد وكذلك الاذهان. (همان ح ۳).

۴ - علیکم بالورع فانه لا ینال ما عندالله الا بالورع. (باب الورع ح ۳)

۵ - لا ینفع اجتهد لا ورع فیه. (همان ح ۴).

(۴) از حضرت صادق(ع) سؤال شد: مرد با ورع کیست؟ فرمود: آنکه از حرامهای خدا دوری گزیند.^۲

(۵) امام صادق(ع) فرمود: در ضمن آنچه خدای عزوجل با موسی(ع) مناجات فرمود این بود که فرمود: ای موسی! تقرب جویندگان به چیزی مانند پرهیز از محرماتم به من تقرب نجسته اند؛ همانا من اقامت در بهشتهای جاودان را به آنها مباح سازم و کس دیگری را در این کار با آنها شریک نگردانم.^۳

دوستی دنیا و حرص بر آن

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: ریشه و سرهر خطا کاری دوستی دنیاست.^۴

توضیح: باید دانست که دنیا و دوستی آن به خودی خود مذموم نیست آنچه مذموم است دنیایی است که انسان را از کسب کمالات و تحصیل آخرت باز دارد و او را به مهالک اندازد و گرنه وسیله بسیاری از سعادت‌ها همین دنیا و دوستی آن است دنیاست که محل نزول فرشتگان رحمت و خانه پیمبران و جای تجارت اولیای خدا بوده (چنانچه امیرالمؤمنین(ع) به آن اشاره فرموده) و روی همین اصل پیمبران و ائمه اطهار از خدای تعالی طول عمر و ماندن در دنیا را طالب بودند چنانچه در کلام سیدالساجدین(ع) است که از خدا طول عمر می خواهد تا در راه طاعتش صرف نماید و البته چنین دنیایی عین آخرت است چنانچه در روایت صحیح از ابن ابی یعفور حدیث نقل است که گوید: به حضرت صادق(ع) عرض کردم که ما دنیا را دوست داریم فرمود: دنیا را برای چه می خواهی؟ عرض کردم: می خواهم به وسیله آن تزویج کنم و حج به جای آورم و برنان خورهای خود انفاق کنم و به برادران دینی خود برسانم و صدقه بدهم فرمود: این از دنیا نیست (بلکه) این آخرت است پس به طور کلی آنچه از اخبار و آیات استفاده می شود آن است که اگر دوستی دنیا باعث فراموشی آخرت و تن پروری و واگذاشتن دستورات الهی و حرص بر لذت و شهوت گناهان و امثال اینها باشد مذموم است ولی اگر آدمی دنیا را برای درک سعادت و کسب کمالات و آخرت بخواهد مذموم نیست بلکه ممدوح است.

۱ - ان اشد العبادة الورع (همان ح ۵).

۲ - سألت ابا عبد الله (ع) عن الورع من الناس فقال الذي يتورع عن محارم الله عزوجل. (همان ح ۸).

۳ - قال الصادق (ع): فيما ناجى الله عزوجل به موسى (ع): يا موسى ما تقرب الى المتقربون بمثل الورع عن محارمى فانى ابيهم جنات عدن لا اشرك معهم احدا (اجتناب المحارم ح ۳).

۴ - رأس كل خطيئة حب الدنيا. (باب حب الدنيا ح ۱).

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: شیطان پسر آدم را به هرگناه و لغزشی وا می دارد پس چون ناتوان و عاجز شود در کنار مال کمین می کند و چون آدمی بدان جا رسد گریبانش را می گیرد.^۱

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: درهم و دینار [و دوستی آنها] کسانی را که پیش از شما بودند هلاک کردند و هلاک کننده شما نیز همین دو چیز است.^۲

(۴) امام صادق(ع) فرمود: خداوند دری از دنیا بر بنده نگشاید جز اینکه همانند آن دری از حرص بر او بگشاید.^۳

(۵) امام صادق(ع) فرمود: دورترین حالی که بنده از خدا دارد این است که اندوهی جز شکم و غریزه جنسی نداشته باشد.^۴

(۶) و نیز آن حضرت(ع) فرمود: هر که بیشتر به دنیا آلوده است هنگام جدایی از آن حسرت و افسوسش سخت تر است.^۵

(۷) حضرت صادق(ع) می فرماید: هر که به دنیا دل بندد به سه خصلت دل بسته است اندوهی که پایان ندارد و آرزویی که به چنگ نیاید و امیدی که به دان نرسد.^۶

دوستی و دشمنی برای خدا

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که برای خدا دوستی و دشمنی کند و [از دارایی خود] بخشش نماید از کسانی است که ایمانش کامل است.^۷

۱ - ان الشیطان یدیر ابن آدم فی کل شیء فاذا اعیاه جنم له عند المال فاخذ برقبته. (همان ح ۴).

۲ - ان الدینار والدرهم اهلکا من کان قبلکم وهما مهلکاکم. (همان ح ۶).

۳ - ما فتح الله علی عبد بابا من امرالدنیا الا فتح الله علیه من الحرص مثله. (همان ح ۱۲).

۴ - ابعء ما یکون العبد من الله عزوجل اذا لم یهمه الابطنه وفرجه. (همان ح ۱۴).

۵ - من کثر اشتباکه بالدنیا کان اشد لحسرتة عند فراقها. (همان ح ۱۶).

۶ - من تعلق قلبه بالدنیا تعلق قلبه بثلاث خصال هم لا یفنی وامل لایدرك ورجاء لاینال (همان ح ۱۷).

۷ - من احب لله وابغض لله واعطى لله فهو ممن کمل ایمانه. (باب الحب فی الله ح ۱).

(۲) از امام صادق(ع) سؤال شد: آیا حب و بغض از ایمان است؟ فرمود: مگر ایمان چیزی جز حب و بغض است.^۱

(۳) امام باقر(ع) فرمود: هرگاه خواهی بدانی در تو خیری هست به قلب خود نظر کن اگر اهل طاعت خدا را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن دارد در تو خیر است و خدا هم تو را دوست دارد و اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت خدا را دوست دارد در تو خیر نیست و خدا دشمنت دارد و آدمی با کسی [همراه] است که او را دوست می دارد.^۲

(۴) امام صادق(ع) فرمود: هر که برای دین دوستی و دشمنی نمی کند دین ندارد.^۳

دیدار برادران

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که برای خدا از برادرش دیدن کند خداوند فرماید: مرا دیدن کردی و ثوابت بر من است و به ثوابی جز بهشت برایت خرسند نیستم.^۴

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: به خاطر خدا به دیدار مؤمن رفتن از آزاد ساختن ده بنده مؤمن بهتر است.^۵

(۳) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: دیدار برادران غنیمت بزرگی است اگر چه اندک باشند [یعنی اگر چه این گونه برادران کمیابند].^۶

۱ - سألت ابا عبد الله(ع) عن الحب والبغض امن الايمان هو؟ فقال: وهل الايمان الا الحب والبغض. (همان ح ۵).

۲ - اذا اردت ان تعلم ان فيك خيرا فانظر الى قلبك فان كان يحب اهل طاعة الله ويبغض اهل معصيته ففبك خير والله يحبك وان كان يبغض اهل طاعة الله ويحب اهل معصيته فليس فيك خيرا والله يبغضك والمرء مع من احب. (همان ح ۱۱).

۳ - كل من لم يحب على الدين ولم يبغض على الدين فلا دين له. (همان ح ۱۶).

۴ - من زار اخاه في الله قال الله عز وجل: اياي زرت وثوابك على ولست ارضى لك ثوابا دون الجنة. (باب زيارة الاخوان ح ۴).

۵ - لزيارة المؤمن في الله خير من عتق عشر رقاب مؤمنات. (همان ح ۱۳).

۶ - لقاء الاخوان مغنم جسيم وان قلوا. (همان ح ۱۶).

دین عطیه خاص الهی

(۱) امام باقر(ع) فرمود: همانا خدا دنیا را به کسی که او را دوست می دارد و آنکه او را دشمن می دارد عطا کند ولی دینش را جز به آنکه دوستش دارد عطا نکند.^۱

(۲) امام باقر(ع) فرمود: سلامتی دین و صحت تن از مال و ثروت بهتر است.^۲

ذ

ذکر خدا

(۱) امام صادق(ع) می فرمود: شیعیان ما آنهایی هستند که هرگاه تنها باشند بسیار یاد خدا کنند.^۳

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: هر که خدا را بسیار یاد کند خدا او را دوست دارد و هر که خدا را بسیار یاد کند برای او دو برات [منشور آزادی] نوشته شود: یکی برات نجات از دوزخ و دیگری برات رهایی از نفاق.^۴

(۳) امام صادق(ع) فرمود: هر که خدا را بسیار یاد کند خداوند او را در بهشتش در کنف رحمت خود جا دهد.^۵

(۴) نیز فرمود: خداوند فرماید: هر که به سبب یاد من از درخواست چیزی از من غافل شود (به طوری که درخواست خود را فراموش کند) به او چیزی عطا کنم برتر از آنچه که به درخواست کننده از من عطا می کنم.^۶

(۵) نیز می فرمود: خداوند فرموده: هر که مرا در نهانی یاد کند من او را آشکارا یاد کنم.^۱

۱ - ان الله يعطي الدين من يحب ويبغض ولا يعطي دينه الا من يحب. (باب ان الله انما يعطي الدين من يحبه ح ۲).

۲ - سلامة الدين وصحة البدن خير من المال. (باب سلامة الدين ح ۳).

۳ - شيعتنا الذين اذا خلوا ذكروا الله كثيراً. (باب ذكر الله عز وجل كثيراً ح ۲).

۴ - من اكثر ذكر الله عز وجل احبه الله ومن ذكر الله كثيراً كتبت له براتين: براءة من النار و براءة من النفاق. (همان ح ۳).

۵ - من اكثر ذكر الله عز وجل اظله الله في جنته. (همان ح ۵).

۶ - ان الله عز وجل يقول: من شغل بذكرى عن مسألتى اعطيته افضل ما اعطى من سألتني (باب الاشتغال بذكر الله عز وجل ح ۱).



راستگویی و ادای امانت

- (۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که زبانش راست باشد کردارش پاک است.^۲
- (۲) امام باقر(ع) فرمود: پیش از یاد گرفتن حدیث راستگویی بیاموزید.^۳
- (۳) امام صادق(ع) فرمود: نخستین کسی که شخص راستگو را تصدیق می کند خداوند است که به راستگویی او واقف است و خودش هم خود را تصدیق می کند و می داند راستگوست.^۴
- (۴) امام باقر(ع) فرمود: همانا مرد [پیوسته] راست می گوید تا آنکه خداوند او را صدیق (بسیار راستگو) محسوب می دارد.^۵
- (۵) امام صادق(ع) فرمود: خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نفرمود جز با راستگویی و ادای امانت نسبت به نیکوکار و بدکردار.^۶
- شرح: مراد این است که هر پیغمبری راستگو و امانت دار بوده و یا آنکه - علاوه بر آن - اگر صاحب شریعت بوده این دو صفت در برنامه شریعت او نیز بوده است.
- (۶) امام صادق(ع) فرمود: همانا علی نزد رسول خدا - صلی الله علیه وآله - به سبب راستگویی و ادای امانت به آن مقام رسید.^۷

۱ - قال الله عزوجل: من ذكرني سرا ذكرته علانية. (باب ذكر الله عزوجل في السر ح ۱).

۲ - من صدق لسانه زكي عمله. (باب الصدق واداء الامانة ح ۳).

۳ - تعلموا الصدق قبل الحديث. (همان ح ۴).

۴ - ان الصادق اول من يصدق الله عزوجل يعلم انه صادق وتصدق نفسه تعلم انه صادق. (همان ح ۶).

۵ - ان الرجل ليصدق حتى يكتبه الله صديقاً. (همان ح ۸).

۶ - ان الله عزوجل لم يبعث نبيا الا بصدق الحديث واداء الامانة الى البر والفاجر. (همان ح ۱).

۷ فان عليا(ع) انما بلغ به عند رسول الله(ص) بصدق الحديث واداء الامانة. (همان ح ۵).

(۷) امام صادق(ع) فرمود: به روزه و نماز مردم فریفته مشوید زیرا انسان به نماز و روزه شیفته می شود تا آنجا که اگر ترک کند به هراس می افتد ولی آنها را به هنگام راستگویی و ادای امانت بیازمایید.^۱

شرح: گاهی ترس از نارضایتی و اعتراض مردم یا انگیزه های دنیوی دیگر موجب می شود که انسان بر نماز و روزه مداومت کند و آنها را ترک ننماید پس نماز و روزه معیار کامل و همیشگی صلاح و ترس از خدا نیست.

رضا به قضا

(۱) امام صادق(ع) فرمود: داناترین مردم به خدا راضی ترین آنهاست به قضای الهی.^۲

(۲) علی بن الحسین(ع) می فرمود: صبر و راضی بودن از خدا پایه و اساس اطاعت خداست.^۳

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: خداوند فرماید: بنده مؤمنم را به هر حالتی که بگردانم برایش خیر است پس باید به قضای من راضی باشد و بر بالای من صبر کند و نعمتهایم را سپاس گزارد تا [نام] او را - ای محمد - در زمره صدیقان درگاهم ثبت کنم.^۴

(۴) امام سجاد(ع) فرمود: بالاترین درجه یقین پست ترین درجه رضاست.^۵

(۵) امام صادق(ع) فرمود: رسول خدا - صلی الله علیه وآله - هیچ گاه درباره چیزی که رخ داده و سپری شده بود نمی فرمود: کاش غیر این می بود.^۶

۱ - لا تغتروا بصلاتهم ولا بصيامهم فان الرجل ربما لهج بالصلاة والصوم حتى لو تركه استوحش ولكن اختبروهم عند صدق الحديث واداء الامانة. (همان ح ۲).

۲ - ان اعلم الناس بالله ارضاهم بقضاء الله عزوجل. (باب الرضا بالقضاء ح ۲).

۳ - الصبر والرضا عن الله رأس طاعة الله. (همان ح ۳).

۴ - قال الله عزوجل: عبدی المؤمن لا اصرفه فی شیء الا جعلته خيراً له فلیرض بقضائی ولیصبر علی بلائی ولیشکر نعمائی اکتبه یا محمد من الصدیقین عندی (همان ح ۶).

۵ - واعلی درجة یقین ادنی درجة الرضا. (همان ح ۱۰).

۶ - لم یکن رسول الله(ص) یقول لشیء قد مضی لو کان غیره. (همان ح ۱۳).

روا کردن حاجت مؤمن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: روا ساختن حاجت مؤمن از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا بهتر است و در روایتی آمده است که بهتر از بیست حج است.^۱

(۲) امام صادق(ع) فرمود: هر مسلمانی که حاجت مسلمانی را روا کند خدای تبارک و تعالی به او خطاب کند که: ثواب تو به عهده من است و به چیزی جز بهشت برایت راضی نباشم.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: در نیکی رساندن به برادران خود با یکدیگر مسابقه گذارید و اهل نیکی باشید زیرا بهشت دارای دری است به نام معروف [نیکی و احسان] و جز کسی که در زندگی دنیا نیکی کرده داخل آن نشود.^۳

(۴) امام موسی کاظم(ع) می فرمود: همانا از برای خدا در زمین بندگانی است که برای حاجات مردم کوشش می کنند اینان روز قیامت در امانند و هر که به مؤمنی شادی رساند خدا روز قیامت دلش را شاد سازد.^۴

(۵) امام صادق(ع) فرمود: برای اعتماد داشتن مرد به برادرش همین بس که حاجتش را به سوی او برد.^۵

(۶) امام صادق(ع) فرمود: خداوند فرماید: مردم عیال مند (زیرا ضامن روزی ایشانم) و محبوب ترینشان نزد من کسی است که نسبت به آنها مهربان تر و در راه حوایجشان کوشاتر باشد.^۶

(۷) امام صادق(ع) فرمود: کسی از کمک به برادر مسلمان خود و کوشش در آن دست بر ندارد و ترک همدردی و همکاری نکند جز اینکه گرفتار کمک کردن به کسی گردد که گناهکار است و برای این یاری کردن نیز اجری نبرد.^۱

۱ - قضاء حاجة المؤمن خير من عتق الف رقبة. (باب قضاء حاجة المؤمن ح ۳).

۲ - ما قضی مسلم لمسلم حاجة الا ناداه الله تبارک و تعالی علی ثوابک ولا ارضی لک بدون الجنة. (همان ح ۷).

۳ - تنافسوا فی المعروف لاخوانکم وكونوا من اهله فان للجنة بابا يقال له المعروف لايدخله الا من اصطنع المعروف فی الحياة الدنيا. (همان ح ۱۰).

۴ - ان لله عبادا فی الارض یسعون فی حوائج الناس هم الامنون يوم القيامة (باب السعی فی حاجة المؤمن ح ۲).

۵ - کفی بالمرء اعتمادا علی اخیه ان ینزل به حاجته. (همان ح ۸).

۶ - قال الله عزوجل: الخلق عیالی فاحبهم الی الطفهم بهم و اسعاهم فی حوائجهم. (همان ح ۱۰).

روزی بسنده

- (۱) رسول خدا(ص) فرمود: خوشا به حال آن که مسلمان بوده و زندگی اش به قدر کفاف باشد.^۲
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: بار خدایا! به محمد و آل محمد و دوستداران آنها پاکدامنی و به مقدار کفاف روزی عطا کن.^۳
- (۳) رسول خدا(ص) فرمود: آنچه کم باشد و کفایت کند بهتر است از آنچه فراوان باشد و دل را مشغول سازد.^۴

ریاست طلبی

- (۱) امام موسی کاظم(ع) فرمود: بودن دو گرگ درنده در میان گله گوسفندی که شبانان آن هر یک به سویی رفته اند زیان بخش تر از ریاست نسبت به دین مسلمان نیست. [ریاست طلبی از دو گرگ درنده به دین مسلمان بیشتر زیان رساند].^۵
- (۲) امام صادق(ع) فرمود: هر که ریاست طلبد هلاک شود.^۶
- (۳) حضرت صادق(ع) می فرمود: بپرهیز از این رؤسای که ریاست را به خود می بندند زیرا به خدا سوگند که کفشها در پس مردی صدا نکند جز آنکه هلاک شود و هلاک کند.^۷

۱ - لم يدع رجل معونة اخيه المسلم حتى يسعى فيها ويواسيه الا ابتلى بمعونة من يائمه ولا يوجر. (باب من استعان به اخوه فلم يعنه ح ۳).

۲ - طوبى لمن اسلم وكان عيشه كفافا. (باب الكفاف ح ۲).

۳ - اللهم ارزق محمداً وآل محمد ومن احب محمداً وآل محمد العفاف والكفاف. (همان ح ۳).

۴ - ان ما قل وكفى خير مما كثر وألهى. (همان ح ۴).

۵ - ما ذئبان ضاريان في غنم قد تفرق رعاؤهما باضر في دين المسلم من الرئاسة. (باب طلب الرئاسة ح ۱).

۶ - من طلب الرئاسة هلك. (همان ح ۲).

۷ - اياكم وهؤلاء الرؤساء الذين يتراأسون فوالله ما حققت النعال خلف رجل الا هلك واهلك. (همان ح ۳).

(۴) امام صادق(ع) فرمود: کسی که ریاست را به خود بندد ملعون است؛ کسی که به آن همت گمارد ملعون است؛ کسی که به فکر آن باشد ملعون است.^۱

ریاکاری

(۱) امام صادق(ع) فرمود: وای بر تو ای عباد! از ریا پرهیز که هر کس برای غیر خدا کار کند خدا او را به کسی که برایش کار کرده واگذارد.^۲

(۲) امام صادق(ع) فرمود: هر گونه ریایی شرک است هر که برای مردم کار کند پاداشش به عهده مردم است و هر که برای خدا کار کند ثوابش بر خداست.^۳

(۳) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: ریا کار سه نشانه دارد: چون مردم را ببیند [در عبادت] به نشأت آید و هرگاه تنها باشد کسل شود و دوست دارد که در هر کاری او را بستایند.^۴

(۴) حضرت صادق(ع) می فرمود: خدای فرماید: من بهترین شریکم [پس ای بنده! دیگری را در عبادت شریک من مساز]؛ زیرا هر کس در عملی که انجام می دهد دیگری را شریک من سازد از او جز عملی که خالص برای من باشد نپذیرم.^۵

(۵) امام صادق(ع) فرمود: هر کس عملی را که خدا دوست می دارد به مردم نشان دهد و عملی را به خدا نشان دهد که او ناپسند می دارد خداوند را در حالی ملاقات کند که او را دشمن دارد.^۶

۱ - ملعون من ترأس ملعون من هم بها ملعون من حدث بها نفسه. (همان ح ۴).

۲ - ویلک یا عباد ایاک والریاء فانه من عمل لغير الله وکلّه الله الی من عمل له. (باب الریاء ح ۱).

۳ - کل ریاء شرک انه من عمل للناس کان ثوابه علی الناس ومن عمل لله کان ثوابه علی الله. (همان ح ۳).

۴ - ثلاث علامات للمرائی: یشط اذا رأى الناس ویکسل اذا کان وحده ویحب ان یحمد فی جمیع اموره. (همان ح ۸).

۵ - قال الله عزوجل انا خیر شریک من اشرك معی غیری فی عمل عمله لم اقبله الا ما کان لی خالصاً. (همان ح ۹).

۶ - من اظهر للناس اما یحب الله وبارز الله بما کرهه لقی الله وهو ماقت له. (همان ح ۱۰).

ز

زبان و آفات آن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: به راستی مبعوض ترین خلق خدا بنده ای است که مردم از زبانش هراسان باشند.^۱

(۲) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: از مجادله و ستیزه پرهیزید که دل‌های دوستان و برادران را بیمار کند و نفاق به بار آرد. (زیرا سلامتی دل به صفا و صمیمیت است و بیماری اش به کینه و اندوه و پریشانی خاطر که بر اثر مجادله و ستیزه پدید آید و بین دوستان جدایی افتد).^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: نه با شخص بردبار مجادله کن و نه با شخص بی خرد؛ زیرا بردبار دشمنت دارد و بی خرد آزارت رساند.^۳

(۴) رسول خدا(ص) فرمود: جبرئیل نزد من نمی آمد جز آنکه می گفت: ای محمد! از بغض و دشمنی مردم پرهیز.^۴

(۵) رسول خدا(ص) فرمود: از کشمکش و ستیزه با مردم پرهیز.^۵

(۶) امام صادق(ع) فرمود: از دشمنی ورزیدن پرهیزید که پدید آورنده گناه و آزار و غرامت و آشکار کننده زشتی و عیب است.^۶

(۷) امام صادق(ع) فرمود: از دشمنی با یکدیگر پرهیزید زیرا دشمنی دل را به سختی مشغول کند و موجب نفاق شود و کینه‌ها پدید آورد.^۱

۱ - ان ابغض خلق الله عبد اتقى الناس لسانه. (باب السفه ح ۴).

۲ - اياكم والمراء والخصومة فانهما يمرضان القلوب على الاخوان وينبت عليهما النفاق. (باب المراء والخصومة ح ۱).

۳ - لا تمارين حلیمًا ولا سفیهًا فان الحليم یقلیک والسفیه یؤذیک. (همان ح ۴).

۴ - ما کاد جبرئیل (ع) یأتینى إلا قال یا محمد اتق شحناء الرجال وعداوتهم. (همان ح ۵).

۵ - ایاک وملاحاة الرجال. (همان ح ۶).

۶ - ایاکم والمشاركة فانها تورث المعرة وتظهر المعورة. (همان ح ۷).

(۸) رسول خدا(ص) فرمود: آن اندازه که جبرئیل درباره دوری گزیدن از دشمنی با مردم به من سفارش کرد درباره چیز دیگری سفارش نکرد.^۲

(۹) امام صادق(ع) فرمود: هر که دشمنی بکارد کاشته خود را درو کند.^۳

زهد

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: همه خیرات و نیکیها در خانه ای نهاده شد و کلیدش را زهد و بی رغبتی به دنیا قرار داده اند.^۴

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: مرد شیرینی ایمان را در قلبش احساس نکند تا آنکه باکش نباشد که چه کسی دنیا را می خورد.^۵

(۳) امام صادق(ع) فرمود: شناختن شیرینی ایمان بردلای شما حرام است تا آن گاه که به دنیا بی رغبت شود.^۶

(۴) علی(ع) فرمود: از خلقیاتی که انسان را در امر دین یاری می کند زهد ورزیدن نسبت به دنیاست.^۷

(۵) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: علامت مشتاق به ثواب آخرت بی رغبتی نسبت به خوشی و عیش دنیای نقد است؛ همانا بی رغبتی زاهد نسبت به دنیا از آنچه خداوند در دنیا بهره او ساخته کاهش ندهد اگر چه زهد

۱ - ایاکم والخصومة فانها تشغل القلب وتورث النفاق وتكسب الضغائن. (همان ح ۸).

۲ - ما عهد الى جبرئيل (ع) في شيء ما عهد الى في معاداة الرجال. (همان ح ۱۱).

۳ - من زرع العداوة حصد ما بذر. (همان ح ۱۲).

۴ - جعل الخير كله في بيت وجعل مفتاحه الزهد في الدنيا. (باب ذم الدنيا والزهد فيها ح ۲).

۵ - لا يجد الرجل حلاوة الايمان في قلبه حتى لايبالي من اكل الدنيا. (همان جا).

۶ - حرام على قلوبكم ان تعرف حلاوة الايمان حتى تزهد في الدنيا. (همان جا).

۷ - ان من اعون الاخلاق على الدين الزهد في الدنيا. (همان ح ۳).

ورزد و حرص شخص حریص بر خوشی و عیش دنیای نقد برایش فزونی نیاورد اگر چه حرص ورزد پس فریب خورده و زیانکار کسی است که از بهره آخرت خود محروم ماند.^۱

س

ستایش پروردگار

(۱) محمد بن مروان گوید: به حضرت صادق(ع) عرض کردم چه عملی به درگاه خدای متعال محبوب ترین همه اعمال است فرمود: این که او را ستایش کنی.^۲

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که صبح از خواب برخیزد و چهار بار بگوید: (الحمد لله رب العالمین) هر آینه شکر آن روزش را ادا کرده و هر که چون شب فرا رسید چنین کند شکر شبش را ادا کرده است.^۳

ستایش خداوند پیش از دعا

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: هرگاه خواهی دعا کنی پس خدا را تمجید کن و او را حمد و سپاس و تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله) و ثنا بگویی و بر محمد(ص) و آل او صلوات فرست سپس درخواست کن تا به تو داده شود.^۴

شرح: علامه مجلسی(ره) گوید: گاهی گفته شود که تمجید گفتن (الله اکبر) است: و تمجید (الحمد لله) است و تسبیح (سبحان الله) است: و تهلیل (لا اله الا الله) است و ثنا آن است که نعمتهایی که خداوند بر بنده عطا فرموده بشمارد: ولی دور نیست که معانی اینها را تعمیم دهیم که شامل گردد هرچه را به این

۱ - ان علامة الراغب في ثواب الآخرة زهده في عاجل زهرة الدنيا اما ان زهد الزاهد في هذه الدنيا لا ينقصه مما قسم الله عزوجل له فيها وان زهد وان حرص الحريص على عاجل زهرة [الحياة] الدنيا لا يزيد فيها وان حرص فالمغبون من حرم حظّه من الآخرة. (همان ح ۶).

۲ - قلت لابی عبدالله(ع): ای الاعمال احب الى الله عزوجل؟ فقال: ان تحمده. (باب التحميد والتمجيد ح ۲).

۳ - من قال اربع مرات اذا اصبح الحمد لله رب العالمين فقد ادى شكر يومه ومن قالها اذا امسى فقد ادى شكر ليلته. (همان ح ۵).

۴ - اذا اردت ان تدعو فمجّد الله عزوجل واحمده وسبحه وهللّه واثن عليه وصل على محمد النبي وآله ثم سل تعط. (باب الثناء قبل الدعاء ح ۵).

معانی برسانند و اختصاص به این الفاظ مخصوص نداشته باشد چنانچه تمجید بر (لا حول ولا قوة الا بالله) نیز اطلاق شده است.

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که دوست می دارد که دعایش به اجابت رسد باید کسب خود را پاک و حلال کند.^۱

سخن چینی

(۱) رسول خدا(ص) به اصحاب خود فرمود: آیا خبر ندهم که بدترین شما کیست؟ عرض کردند: چرا یا رسول الله؟ فرمود: آنان که به سخن چینی روند و میان دوستان جدایی افکنند و برای مردمان پاکدامن عیب جویی کنند.^۲

(۲) امام باقر(ع) فرمود: بهشت بر دروغ پردازان سخن چینی کننده حرام است.^۳

سرزنش

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که مؤمنی را سرزنش کند خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند.^۴

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که مؤمنی را به گناهی سرزنش کند نمیرد تا اینکه آن را مرتکب گردد.^۵

سفاهت و بی خردی

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: به راستی که بی خردی خوی پستی است صاحب آن بر زیر دستش گردن فرازی کند و بر بالادست خود زبونی کند.^۱

۱ - من سره ان يستجاب له دعوته فليطب مكسبه. (همان ح ۹).

۲ - الا انبئكم بشاركم؟ قالوا: بلى يا رسول الله قال: المشاؤون بالنميمة المفرقون بين الاحبة. (باب النميمة ح ۱).

۳ - محرمة الجنة على القتاتين المشائين بالنميمة. (همان ح ۲).

۴ - من انب مؤمنا انبه الله في الدنيا والاخرة. (باب التعبير ح ۱).

۵ - من غير مؤمنا بذنب لم يمت حتى يركبه. (همان ح ۳).

(۲) امام صادق(ع) فرمود: بی خردی مکنید زیرا پیشوایان شما بی خرد نبودند.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: هر کس [رفتار] شخص بی خرد را با بی خردی مقابله به مثل کند به هر چه بر سرش آید رضایت داده چون همانند او رفتار کرده است.^۳

سلام کردن

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: سلام کردن مستحب و جواب آن واجب است.^۴

(۲) رسول اکرم(ص) فرمود: هر که پیش از سلام کردن شروع به سخن گفتن کند پاسخش مدهید.^۵

(۳) امام باقر(ع) فرمود: به درستی که خداوند آشکار کردن سلام را دوست دارد.^۶

(۴) امام صادق(ع) فرمود: بخیل کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.^۷

(۵) امام صادق(ع) فرمود: آنکه آغاز به سلام کند به خدا و رسولش نزدیک تر است.^۸

(۶) نیز فرمود: از فروتنی و تواضع این است که به هر که برخورد کردی سلام کنی.^۹

(۷) همچنین فرمود: کوچک بر بزرگ سلام کند و رهگذر برنشسته و گروه اندک بر گروه بسیار سلام کنند.^{۱۰}

۱ - ان السفه خلق لئيم يستطيل على من [هو] دونه ويخضع لمن [هو] فوقه (باب السفه ح ۱).

۲ - لا تسفهوا فان ائمتكم ليسوا بسفهاء. (همان ح ۲).

۳ - من كافأ السفیه بالسفه فقد رضى بما اتى اليه حيث احتذى مثاله. (همان جا).

۴ - السلام تطوع والرد فريضة. (باب التسليم ح ۱).

۵ - من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجيبوه. (همان ح ۲).

۶ - ان الله عزوجل يحب افشاء السلام. (همان ح ۵).

۷ - ان البخیل من یبخل بالسلام. (همان ح ۶).

۸ - البادی بالسلام اولی بالله وبرسوله. (همان ح ۸).

۹ - من التواضع ان تسلم على من لقيت. (همان ح ۱۲).

۱۰ - یسلم الصغیر على الکبیر والمار على القاعد والقلیل على الکثیر (باب من یجب ان یبدأ بسلام ح ۱).

(۸) نیز فرمود: چون فردی از میان جمعی سلام کند از جانب آنها کفایت می کند و چون یکی از آنها جواب داد کفایت می کند.^۱

(۹) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: به اهل کتاب آغاز به سلام گفتن نکنید و هرگاه به شما سلام کردند شما در جواب بگویید: (علیکم).^۲

سیراب کردن مؤمن

(۱) امام سجاد(ع) فرمود: هر که مؤمن تشنه کامی را آب دهد خدایش از شراب بهشتی سر به مهر به او بنوشاند.^۳

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: هر کس توانایی آن داشته باشد که جرعه آبی به مؤمنی بنوشاند خداوند در برابر هر شربتی هفتاد هزار حسنه به او دهد و اگر با وجود آنکه توانایی این کار را ندارد (یعنی آب به سختی فراهم می شود) به او آب بنوشاند مثل این است که ده بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است.^۴

ش

شاد کردن مؤمنان

(۱) امام باقر(ع) فرمود: رسول خدا فرمود: هر کس مؤمنی را شاد و خوشحال سازد پس به راستی که مرا خوشحال ساخته و هر کس مرا خوشحال سازد به راستی که خدا را خوشحال نموده است.^۵

(۲) امام باقر(ع) فرمود: خداوند به چیزی محبوب تر از مسرور ساختن مؤمن پرستش نشده است.^۱

۱ - اذا سلم من القوم واحد أجزأ عنهم وإذا رد واحد أجزأ عنهم (باب اذا سلم واحد من الجماعة ح ۳).

۲ - لا تبدؤوا اهل الكتاب بالتسليم وإذا سلموا عليكم فقولوا وعليكم. (باب التسليم على اهل الملل ح ۲).

۳ - من سقى مؤمناً من ظمأ سقاه الله من الرحيق المختوم. (باب اطعام المؤمن ح ۵).

۴ - من سقى مؤمناً شربة من ماء من حيث يقدر على الماء اعطاه الله بكل شربة سبعين الف حسنة وان سقاه من حيث لا يقدر على

الماء فكانما اعتق عشر رقاب من ولد اسماعيل. (همان ح ۷).

۵ - من سر مؤمناً فقد سرنى ومن سرنى فقد سر الله. (باب ادخال السرور على المؤمنين ح ۱).

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: هر مسلمانی که به مسلمانی برخورد نماید و او را شاد کند خدا را شاد کرده است.^۲

(۴) امام رضا(ع) فرمود: هر کس اندوه مسلمانی را از بین ببرد خداوند در روز قیامت اندوه دلش را زایل سازد.^۳

شر عمل و زبان

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: بدترین مردم در روز قیامت نزد خدا کسانی هستند که از ترس بدی و شرشان آنها را احترام و اکرام کنند.^۴

(۲) امام صادق(ع) فرمود: کسی که مردم از زبانش به ترسند او در آتش است.^۵

(۳) امام صادق(ع) فرمود: به درستی که مبعوض ترین خلق خدا آن بنده ایست که مردم از زبانش پرهیز کنند.^۶

شک

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که شک کند و یا گمان برد و بر یکی از آن دو حال بماند خداوند عملش را بی ارزش سازد به درستی که حجت خدا همان حجت روشن [و یقینی] است.^۷

(۲) امام باقر(ع) فرمود: با شک و تردید هیچ عملی سود ندارد.^۱

۱ - ما عبد الله بشيء احب الى الله من ادخال السرور على المؤمن. (همان ح ۲).

۲ - ایما مسلم لقی مسلما فسرره سره الله عزوجل. (همان ح ۱۵)

۳ - من فرج عن مؤمن فرج الله عن قلبه يوم القيامة. (باب تفریح کرب المؤمن ح ۴).

۴ - شر الناس عند الله يوم القيامة الذين يكرمون اتقاء شرهم.

۵ - من خاف الناس لسانه فهو في النار.

۶ - ابغض خلق الله عبد اتقى الناس لسانه.

۷ - من شک او ظن فاقام على احدهما احبط الله عمله ان حجة الله هي الحجة الواضحة. (باب الشک ح ۸).

(۳) امام صادق(ع) فرمود: شک و نافرمانی در آتشند نه از ما هستند و نه به سوی ما توجه دارند.^۲

(۴) امام صادق(ع) فرمود: کسی که بر فطرت توحید [و از پدر و مادر خدا پرست] به دنیا آید و درباره خدا شک کند هرگز به خیر [و سعادت] باز نگردد.^۳

شکر گزاری

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: خداوند در شکر و سپاسگزاری را به روی بنده ای نگشاید مگر اینکه در فزونی و فراوانی هم به رویش گشوده گردد.^۴

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: خورنده سپاسگزار اجرش مانند روزه دار خدا جوست و تندرست شکرگزار اجرش مانند اجر گرفتار صابر است و عطا کننده سپاسگزار اجرش مانند اجر محروم قانع است.^۵

(۳) امام صادق(ع) فرمود: شکر نعمت دوری گزیدن از محرمات است و تمام سپاسگزاری به گفتن (الحمد لله رب العالمین) است.^۶

شمات

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: در گرفتاری برادر [دینی] خود اظهار شادی و شماتت مکن تا [در نتیجه عمل بد تو] خداوند به او ترحم کند و آن گرفتاری را به سوی تو بگرداند و فرمود: هر کس به مصیبتی که به برادر [دینی اش] رسیده شاد کام شود از دنیا نرود تا خودش گرفتار آن شود.^۱

۱ - لا ینفع مع الشک والجحود عمل. (همان ح ۷).

۲ - ان الشک والمعصية فی النار لیسا منا ولا الینا. (همان ح ۵).

۳ - من شک فی الله بعد مولده علی الفطرة لم یفیء الی خیر ابدًا. (همان ح ۶).

۴ - ما فتح الله علی عبد باب شکر فخرن عنه باب الزیادة (باب الشکر ح ۲).

۵ - الطاعم الشاکر له من الاجر کاجر الصائم المحتسب والمعافی الشاکر له من الاجر کاجر المبتلی الصابر والمعطى الشاکر له من الاجر کاجر المحروم القانع. (همان ح ۱).

۶ - شکر النعمة اجتناب المحارم وتمام الشکر قول الرجل: الحمد لله رب العالمین. (همان ح ۱۰).

ص

صبر

- (۱) امام صادق(ع) فرمود: صبر سر ایمان است.^۲
- (۲) امام صادق(ع) فرمود: هر که صبر کند اندکی صبر کرده و هر که بی تابی کند اندکی بی تابی کرده است [زیرا عمر کوتاه است و مصیبات کوتاه تر].^۳
- (۳) امام باقر(ع) فرمود: بهشت در میان ناگواریها و شکیبایی است؛ پس هر که در دنیا بر ناگواریها صبر کند به بهشت رود.^۴
- (۴) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: و صبر در کارها مانند سراسر است نسبت به تن چون سر از تن جدا شود بدن تباه گردد و چون صبر از کارها جدا شود کارها تباه شود.^۵
- (۵) رسول خدا(ص) فرمود: صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از گناه.^۶
- (۶) امام باقر(ع) فرمود: جوانمردی صبر در حالت نیازمندی و فقر و آبرو نگهداشتن و ثروتمندی (رنج بردن) بیشتر از جوانمردی بخشش است.^۷

-
- ۱ - لا تبدی الشماتة لاختیک فی رحمہ اللہ ویصیرها بک وقال: من شمت بمصیبة نزلت باخیه لم یخرج من الدنیا حتی یفتتن. (باب الشماتة ح ۱).
- ۲ - الصبر رأس الایمان. (باب الصبر ح ۱).
- ۳ - ان من صبر صبر قليلاً وان من جزع جزع قليلاً. (همان ح ۳).
- ۴ - الجنة محفوفة بالمکارة والصبر فمن صبر علی المکاره فی الدنیا دخل الجنة. (همان ح ۷).
- ۵ - والصبر فی الامور بمنزلة الرأس من الجسد فاذا فارق الرأس الجسد فسد الجسد واذا فارق الصبر الامور فسدت الامور. (همان ح ۹).
- ۶ - الصبر ثلاثة: صبر عندالمصیبة وصبر علی الطاعة وصبر عن المعصية. (همان ح ۱۵).
- ۷ - مروءة الصبر فی حال الحاجة والفاقة والتعفف والغنا اکثر من مروءة الاعطاء. (همان ح ۲۲).

(۷) امام باقر(ع) فرمود: به آن حضرت عرض شد: صبر جمیل چیست؟ فرمود: صبری که با شکوه و شکایت به مردم همراه نباشد.^۱

(۸) امام باقر(ع) فرمود: کسی که صبر را برای مصیبت‌های روزگار آماده نکند ناتوان گردد.^۲

صلوات فرستادن بر رسول خدا(ص) و آل او

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: پیوسته دعا بی نتیجه است تا آنگاه که بر محمد و آلش صلوات فرستاده شود [که در این صورت دعا به ثمر رسد].^۳

(۲) امام باقر و یا صادق - علیهما السلام - فرمود: در میزان [ترازوی اعمال در روز قیامت] چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست.^۴

ط

طمع

(۱) امام صادق(ع) فرمود: چه زشت است برای مؤمن که میل و رغبتی در او باشد که او را خوار کند.^۵

(۲) امام باقر(ع) فرمود: چه بد بنده ای است آن بنده که در او طمعی باشد که او را [اسیر کند و به دنبال خود] به کشاند و چه بد بنده ای است آن بنده که در او میل و رغبتی باشد که او را خوار کند.^۶

(۳) امام سجاد(ع) فرمود: من تمامی خیر و سعادت را گرد آمده در دل کردن از آنچه در دست مردم است دیدم.^۱

۱ - قلت لأبی جعفر(ع): یرحمک الله ما الصبر الجمیل؟ قال ذلک صبر لیس فیہ شکوی الی الناس. (همان ح ۲۳).

۲ - من یعد الصبر لنوائب الدهر یعجز. (همان ح ۲۴).

۳ - لا یزال الدعاء محجوباً حتی یصل علی محمد وآل محمد. (باب الصلاة علی النبی محمد واهل بیته علیهم السلام ح ۱).

۴ - عن أحدهما (ع) قال: ما فی المیزان شیء أثقل من الصلوة علی محمد وآل محمد. (همان ح ۱۵).

۵ - ما اقبح بالمؤمن ان تكون له رغبة تذله. (باب الطمع ح ۱).

۶ - بئس العبد عبدله طمع یقوده وبئس العبد عبدله رغبة تذله. (همان ح ۲).

(۴) به امام صادق(ع) عرض کردم: آن چیست که ایمان بنده را پایدار کند؟ فرمود: ورع و پارسایی [سؤال شد: آنچه که او را از ایمان بیرون برد چیست؟ فرمود: حرص و طمع].^۲

ظ

ظلم و ستم

(۱) امام صادق(ع) درباره سخن خدا: (وبه درستی که پروردگارت در کمینگاه است) (فجر (۸۹) آیه ۱۴) فرمود: (آن کمینگاه) پلی است بر صراط که هر کس به ظلم و ستم مالی را تصاحب کرده از آن عبور نکند. [چرا که حقوق مردمان درگردن اوست].^۳

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: هیچ ستمکاری سخت تر از آن ستمکاری نیست که [به کسی روا داشته شود و] شخص ستم دیده یاوری جز خدای نداشته باشد.^۴

شرح: مجلس(ره) گوید: یعنی نتواند در دنیا انتقام بگیرد و نه استمداد از کسی دیگر برایش میسر شود.

(۳) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: هر که از قصاص [و جزای کردار] بترسد خود از ستم کردن به مردم باز دارد.^۵

(۴) رسول خدا(ص) فرمود: هر که بامداد کند و قصد ستم به کسی را نداشته باشد خداوند گناهی را که مرتکب شده بیامرزد.^۶

(۵) امام صادق(ع) فرمود: هر کس به کسی ستم کند در جان یا مال یا فرزندانش به همان ستم گرفتار شود.^۷

(۶) رسول خدا(ص) فرمود: خود را از ستم باز دارید که آن تاریکیهای روز قیامت است.^۱

۱ - رأيت الخير كله قد اجتمع في قطع الطمع عما في ایدی الناس. (همان ح ۳).

۲ - قلت له: [ما] الذي يثبت الايمان في العبد؟ قال الورع والذي يخرج منه؟ قال: الطمع. (همان ح ۴).

۳ - في قول الله عزوجل: (ان ربك لبالمرصاد) قال قطرة على الصراط لا يجوزها عبد بمظلمة. (باب الظلم ح ۲).

۴ - ما من مظلمة اشد من مظلمة لا يجد صاحبها عليها عوناً الا الله عزوجل. (همان ح ۴).

۵ - من خاف القصاص كف عن ظلم الناس. (همان ح ۶).

۶ - من اصبح لا يهيم بظلم احد غفر الله ما اجترم. (همان ح ۸).

۷ - من ظلم مظلمة اخذ بها في نفسه او في ماله او في ولده. (همان ح ۹).

(۷) حضرت صادق(ع) فرمود: ستمکار و یاور او و آنکه به ستم او راضی باشد هر سه آنان در ستم شریکند.^۲

(۸) امام صادق(ع) فرمود: همانا بنده مورد ظلم و ستم واقع شود و پیوسته دعا [و نفرین] کند تا ظالم گردد.^۳

شرح: فیض - علیه الرحمه - گوید: یعنی به حدی شخص ظالم را نفرین کند که نفرینش بر ظلم او فزونی گیرد پس ظالم مظلوم و مظلوم ظالم گردد.

(۹) امام صادق(ع) فرمود: هر که برای شخص ستمکاری در ستمی که کرده است عذر بترشد [و در صدد مجاز جلوه دادن آن و کاستن از نارضایتی و اعتراض مردم نسبت به او برآید] خداوند کسی را بر او مسلط کند که به او ستم کند و اگر دعا کند مستجاب نشود و در برابر ستمی که به او شده پاداشی به او ندهد.^۴

(۱۰) امام باقر(ع) فرمود: خداوند از [هیچ] ستمکاری انتقام نگیرد مگر به وسیله ستمکاری دیگر و این همان گفتار خدای متعال است: (و به دینسان بعضی از ستمگران را بر بعضی بگماریم) (انعام (۶) آیه ۱۲۹).^۵

(۱۱) رسول خدا(ص) فرمود: هر که به دیگری ستم کرد و دسترسی به او نداشت [که از او رضایت بجوید] از خداوند برای او طلب آمرزش کند؛ زیرا که همین استغفار کفاره ستم او گردد.^۶

(۱۲) رسول خدا(ص) فرمود: زودرس ترین کیفر بدیها کیفر تجاوزکاری و ستمگری است.^۷

(۱۳) امام صادق(ع) در نامه ای به ابوسیار نوشت: توجه داشته باش که هرگز از سر طغیان و ستم سخنی بر زبان نیاوری هر چند که [گفتن آن] برای تو و فامیلت خوشایند باشد.^۸

۱ - اتقوا الظلم فانه ظلمات يوم القيامة. (همان ح ۱۰).

۲ - العامل بالظلم والمعين له والراضى به شركاء ثلاثتهم. (همان ح ۱۶).

۳ - ان العبد ليكون مظلوماً فما يزال يدعو حتى يكون ظالماً. (همان ح ۱۷).

۴ - من عذر ظالماً بظلمه سلط الله عليه من يظلمه فان دعا لم يستجب ولم يأجره الله على ظلامته. (همان ح ۱۸).

۵ - ما انتصر الله من ظالم الا بظالم وذلك قوله عز وجل: (وكذلك نولي بعض الظالمين بعضاً). (همان ح ۱۹).

۶ - من ظلم احدا ففاتته فليستغفر الله له فانه كفارة له. (همان ح ۲۰).

۷ - ان اعجل الشر عقوبة البغي. (باب البغي ح ۱).

۸ - انظر أن لا تكلمن بكلمة بغى ابداً وان اعجبتك نفسك وعشيرتك. (همان ح ۳).

ع

عبادت

(۱) امام صادق(ع) فرمود: خدای تعالی فرماید: ای بندگان راستی پیشه من! در دنیا از نعمت عبادتم برخوردار باشید که در آخرت به سبب آن متنعم خواهید بود.^۱

(۲) امام صادق(ع) فرمود: عبادت کنندگان سه دسته اند:

۱- گروهی که خداوند را از ترس عبادت کنند و این عبادت بردگان است.

۲- گروهی که خداوند را برای ثواب و پاداش عبادت کنند و این عبادت اجیر شدگان است.

۳- دسته ای که خداوند را برای دوستی اش عبادت کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.^۲

(۳) امام سجاده(ع) فرمود: کسی که به آنچه خداوند براو واجب ساخته عمل کند عابدترین مردم است.

عدالت

(۱) امام صادق(ع) فرمود: از خدا پروا کنید و عدالت ورزید زیرا خود شما بر مردمی که عدالت نمی ورزند عیب می گیرید.^۳

(۲) نیز فرمود: عدالت شیرین تر از عسل و نرمتر از کره و خوشبوتر از مُشک است.^۴

۱ - قال الله تبارک و تعالی: یا عبادى الصدیقین تنعموا بعبادتی فی الدنیا فانکم تتنعمون بها فی الآخرة. (باب العبادة ح ۲).

۲ - [ان] العباد ثلاثة قوم عبدوا الله عزوجل خوفا فتلک عبادة العبيد وقوم عبدوا الله تبارک و تعالی طلب الثواب فتلک عبادة الاجراء وقوم عبدوا الله عزوجل حباً له فتلک عبادة الاحرار وهى افضل العبادة. (همان ح ۵).

۳ - اتقوا الله واعملوا فانکم تعیبون على قوم لا يعدلون. (باب الانصاف والعدل ح ۱۴).

۴ - العدل احلی من الشهد وألین من الزبد واطیب ريحا من المسک. (همان ح ۱۵).

(۳) نیز فرمود: عدالت شیرین تر از آبی است که به لب تشنه رسد عدالت چه گشایشی دارد زمانی که به آن عمل شود اگر چه کم باشد.^۱

عفت

(۱) امام باقر(ع) فرمود: خداوند به چیزی بهتر از عفت در خوراک و غریزه جنسی عبادت نشده است.^۲

(۲) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: بهترین عبادت عفت است.^۳

عفو و گذشت

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: پیوسته عفو و گذشت کنید؛ زیرا گذشت جز به عزت و بزرگی بنده نیفزاید از یکدیگر بگذرید تا خدا شما را عزت دهد.^۴

(۲) امام باقر(ع) فرمود: پشیمانی از عفو بهتر و آسان تر است تا پشیمانی از مجازات.^۵

(۳) امام موسی کاظم(ع) فرمود: هیچ گاه دو گروه با هم رویارو [و درگیر نشوند] جز آنکه با گذشت ترینشان پیروزی یابد.^۶

(۴) رسول خدا(ص) فرمود: آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی نکنم؟ پیوند کنی با کسی که از تو بریده و عطا کنی به کسی که تو را محروم کرده و در گذری از کسی که به تو ستم کرده است.^۷

۱ - العدل احلی من الماء یصبیه الظمآن ما اوسع العدل اذا عدل فیہ وان قل. (همان ح ۲۰).

۲ - ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن وفرج. (باب العفة ح ۱).

۳ - افضل العبادة العفاف. (همان ح ۳).

۴ - علیکم بالعفو فان العفو لا یزید العبد الا عزا فتعافو یعزکم الله. (باب العفو ح ۵).

۵ - الندامة علی العفو افضل و ایسر من الندامة علی العقوبة. (همان ح ۶).

۶ - ما التقت فتنان قط الا نصر اعظمهما عفوا. (همان ح ۸).

۷ - الا ادلکم علی خیر اخلاق الدنیا والآخرة؟ تصل من قطعک و تعطی من حرمتک و تعفو عن ظلمک. (همان ح ۲).

عیب جویی

(۱) حضرت باقر(ع) فرمود: نزدیکتر حال بنده به کفر این است که با مردی عقد اخوت دینی بسته باشد و لغزشها و خطاهای او را شماره کند که روزی او را به سبب آنها سرزنش کند.^۱

(۲) از حضرت صادق(ع) از رسول خدا(ص) نقل شده است که فرمود: لغزشهای مؤمنین را جستجو نکنید زیرا هر که لغزشهای برادرش را جستجو کند خداوند لغزشهایش را دنبال کند و هر کسی که خداوند لغزشهای او را دنبال کند رسوایش سازد گرچه در درون خانه اش باشد.^۲

غ

غضب

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: غضب ایمان را فاسد کند چنان که سرکه غسل را.^۳

(۲) امام صادق(ع) فرمود: غضب کلید هر شری است.^۴

(۳) نیز فرمود: هر که غضب خود را نگه دارد خدا عیب او را بپوشاند.^۵

(۴) امام باقر(ع) فرمود: در خطابه‌های خداوند به حضرت موسی(ع) در تورات آمده است که ای موسی! خشم خود را از کسی که تو را بر او مسلط ساخته ام بازگیر تا خشم خود را از تو باز گیرم.^۶

۱ - اقرب ما یكون العبد الى الکفر ان یواخی الرجل علی الدین فیحصی علیه عثراته وزلاته لیعنفه بها یوماما. (باب من طلب عثرات المؤمنین وعوراتهم ح ۱).

۲ - لا تطلبوا عثرات المؤمنین فان من تتبع عثرات اخیه تتبع الله عثراته ومن تتبع الله عثراته یفضحه ولو فی جوف بیته. (همان ح ۵).

۳ - الغضب یفسد الايمان کما یفسد الخل العسل. (باب الغضب ح ۱).

۴ - الغضب مفتاح کل شر. (همان ح ۳).

۵ - من کف غضبه ستر الله عورته. (همان ح ۶).

۶ - مکتوب فی التوراة فیما ناجی الله عزوجل به موسی(ع): یا موسی امسک غضبک عمن ملککک علیه اکف عنک غضبی. (همان ح ۷).

(۵) امام صادق(ع) فرمود: در تورات نوشته شده است: ای آدمیزاد؟ هرگاه خشم گیری مرا به یاد آور تا تو را هنگام خشمم به یاد آورم و با آنها که نابودشان می کنم نابودت نکنم.^۱

(۶) نیز فرمود: غضب دل شخص حکیم را تباه کند (از این رو به جای حکمت از او سفاهت ببینند).^۲

(۷) نیز فرمود: هر کس مالک غضب خود نباشد مالک عقل خود نخواهد بود.^۳

(۸) امام باقر(ع) فرمود: هر که خشم خود را از مردم باز دارد خداوند عذاب روز قیامت را از او باز دارد.^۴

غنا و بی نیازی

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: هرگاه یکی از شما از پروردگار خود چیزی بخواهد به او عطا می کند پس باید از همه مردم مأیوس شود.^۵

(۲) امام سجاد(ع) فرمود: تمام خیر و نیکی را در بریدن طمع از دست مردم گرد آمده دیدم و هر که هیچ امیدی به مردم نداشته باشد و امرش را در هر کاری به خدا واگذارد خداوند در هر چیزی او را اجابت کند.^۶

(۳) امام صادق(ع) فرمود: نومییدی از آنچه در دست مردم است موجب عزت دینی مؤمن است.^۷

غیبت کردن

۱ - ان فی التوراة مکتوبا: یا ابن آدم اذکرنی حین تغضب اذکرک عند غضبی فلا امحقک فیمن امحق. (همان ح ۱۰).

۲ - الغضب ممحقه لقلب الحکیم. (همان ح ۱۳).

۳ - من لم یملک غضبه لم یملک عقله. (همان جا).

۴ - من کف غضبه عن الناس کف الله عنه عذاب يوم القيامة. (همان ح ۱۵).

۵ - اذا اراد احدکم ان لا یسأل ربه شیئا الا اعطاه فلیبأس من الناس کلهم. (باب الاستغناء ح ۲).

۶ - رأیت الخیر کله قد اجتمع فی قطع الطمع عما فی ایدی الناس ومن لم یرج الناس فی شیء و رد امره الی الله عزوجل فی جمیع اموره استجاب الله عزوجل له فی کل شیء. (همان ح ۳).

۷ - والیأس مما فی ایدی الناس عز للمؤمن فی دینه. (همان ح ۴).

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: غیبت در نابودی دین مرد مسلمان زودتر کارگر شود تا بیماری خوره در درون او.^۱

(۲) از امام صادق(ع) سؤال شد: غیبت چیست؟ فرمود: این است که درباره دینداری برادرت چیزی بگویی که نکرده است و به زبان او منتشر کنی چیزی را که خداوند بر او پوشانده بود و حدی برای آن اقامه نکرده بود.^۲

(۳) نیز فرمود: از پیغمبر(ص) پرسیده شد: کفاره غیبت چیست؟ فرمود: از خداوند برای کسی که غیبتش را کرده ای - هر گاه که به یاد او افتادی - طلب آمرزشی کنی.^۳

ف

فخر فروشی

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: آفت حسب و نسب به خود بالیدن است.^۴

(۲) در شگفتم از متکبر فخر فروش در حالی که از نطفه آفریده شده و سپس مرداری گندیده شود و در این میان نمی داند با او چه خواهد شد.^۵

(۳) امام صادق(ع) فرمود: مردی نزد رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من فلانی پسر فلانی ام و تا نه نفر از پدران واجداد خود را شمرد رسول خدا به وی فرمود: اما تو دهمین آنانی در دوزخ.^۶

۱ - الغيبة اسرع في دين الرجل المسلم من الاكلة في جوفه. (باب الغيبة والبهت ح ۱).

۲ - سألت ابا عبد الله(ع) عن الغيبة قال هو ان تقول لاختيك في دينه ما لم يفعل وتبث عليه امراً قدستره الله عليه لم يقم عليه فيه حد. (همان ح ۳).

۳ - سئل النبي(ص) ما كفارة الاغتياب قال تستغفر الله لمن اغتبت به كلما ذكرته. (همان ح ۴).

۴ - آفة الحسب الافتخار. (باب الفخر والكبر ح ۲).

۵ - عجا للمختال الفخور وانما خلق من نطفة ثم يعود جيفة وهو فيمابين ذلك لا يدري ما يصنع به. (همان ح ۴).

۶ - أتى رسول الله(ص) رجل فقال يا رسول الله انا فلان بن فلان حتى عدتسعة فقال له رسول الله(ص) اما انك عاشرهم في النار. (همان ح ۵).

فرمان برداری

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: هر کس خشنودی مردم را با ناخشنودی خدا جوید خداوند ستایش کننده او را نکوهش کننده اش قرار دهد.^۱

(۲) امام حسین(ع) فرمود: هر که امری را با نافرمانی خدا بجوید آنچه امید دارد زوتر از دستش برود و آنچه از آن می گریزد زودتر بر سرش آید.^۲

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: هر که سلطانی را باناخنود ساختن خداوند خشنود سازد از دین خدا بیرون رود.^۳

فرو بردن خشم

(۱) امام سجاد(ع) فرمود: و هیچ جرعه ای ننوشیدم که برایم محبوب تر باشد از جرعه خشمی که طرف را به دان کیفر ندهد.^۴

(۲) امام صادق(ع) فرمود: نیکو جرعه ای است خشم برای کسی که بر آن صبر کند زیرا پاداش بزرگ در برابر بلای بزرگ است و خدا مردمی را که دوست دارد گرفتارشان سازد.^۵

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که خشمی را فرو خورد که بتواند آن را اعمال کند [و از طرف مقابل خود انتقام بگیرد] خدا روز قیامت دلش را از رضای خود پر کند.^۶

(۴) حضرت صادق(ع) فرمود: هیچ بنده ای خشمی فرونخورد جز آنکه خدا در دنیا و آخرت بر عزت او بیفزاید.^۱

۱ - من طلب رضا الناس بسخط الله جعل الله حامده من الناس ذاماً (باب من اطاع المخلوق في معصية الخالق ح ۱).

۲ - من حاول امراً بمعصية الله كان افوت لما يرجو واسرع لمجيئ ما يحذر. (همان ح ۳).

۳ - من ارضى سلطاناً بسخط الله خرج من دين الله. (همان ح ۵).

۴ - وما تجرعت جرعة احب الى من جرعة غيظ لا اكافي بها صاحبها. (باب كظم الغيظ ح ۱).

۵ - نعم الجرعة الغيظ لمن صبر عليها فان عظيم الاجر لمن عظيم البلاء وما احب الله قوماً الا ابتلاهم. (همان ح ۲).

۶ - من كظم غيظاً ولو شاء ان يمضيه امضاه املاً الله قلبه يوم القيامة رضا. (همان ح ۶).

فريب دادن مردم

- (۱) اميرالمؤمنين(ع) فرمود: اگر نبود که مکر و فريبکاری در آتشند من مکر انديش ترين مردمان بودم.^۲
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: از ما نيست کسی که مسلمانی را فريب دهد.^۳
- (۳) امام صادق(ع) فرمود: برای مسلمين نشايد که خدعه کنند و نه دستور به خدعه دهند.^۴
- (۴) اميرالمؤمنين(ع) فرمود: آگاه باشيد که: هر خيانت و فريبی [نوعی] تبهکاری و هرزه گي است و هر تبهکاری کفري در بر دارد.^۵

فقر و تنگدستی

- (۱) حضرت صادق(ع) فرمود: اگر مؤمنين برای طلب روزی نزد خدا اصرار نمی ورزیدند خدا آنها را از آن حال به تنگدستی بیشتری منتقل می نمود.^۶
- (۲) امام صادق(ع) فرمود: هر اندازه که ايمان بنده زياد شود معيشتش تنگ تر گردد.^۷
- (۳) امام صادق(ع) فرمود: شيعيان خالص ما در زمان باطل جز به اندازه خوراک بهره ندارند حتی اگر به مشرق برويد يا به مغرب جز به اندازه خوراک روزی نياييد.^۸

۱ - ما من عبد كظم غيظاً الا زاده الله عزوجل عزا في الدنيا والاخرة. (همان ح ۵).

۲ - لولا ان المكر والخديعة في النار لكنت امكر الناس. (باب المكر والغدر والخديعة ح ۱).

۳ - ليس منا من مكر مسلماً. (همان ح ۳).

۴ - لا ينبغي للمسلمين ان يغدروا ولا يأمرؤا بالغدر... (همان ح ۴).

۵ - الا ان لكل غدرة فجرة ولكل فجرة كفرة. (همان ح ۶).

۶ - لولا الحاج المؤمنين على الله في طلب الرزق لنقلهم من الحال التي هم فيها الى حال اضيق منها. (باب فضل فقراء المسلمين ح ۵).

۷ - كلما ازداد ايماناً ازداد ضيقاً في معيسته. (همان ح ۴).

۸ - ليس لمصاص شيعتنا في دولة الباطل الا القوت شرقوا ان شتم او غربوا لن ترزقوا الا القوت. (همان ح ۷).

(۴) امام صادق(ع) فرمود: در مناجات موسی - علیه السلام - است که [خدای تعالی فرماید] ای موسی! هرگاه دیدی فقر [به تو] رو آورده بگو: مرحبا به شعار شایستگان! و چون دیدی توانگری [به تو] روی آورده بگو: گناهی است که عقوبتش شتاب کرده است.^۱

(۵) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: فقر برای مؤمن از خط گونه اسب خوش نامتر است.^۲

(۶) امام صادق(ع) فرمود: فقر مرگ سرخ است راوی گوید: به امام - علیه السلام - عرض کردم: مقصود نداشتن دینار و درهم است فرمود: نه بلکه فقر دینی است.^۳

ق

قراءت قرآن و بهره مندی از آن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: همانا در این قرآن جایگاه نور هدایت و چراغهای شب ظلمانی نهفته است؛ پس شخص تیز بین باید در آن دقت کند و نظر خویش را برای بهره گیری از پرتو آن بگشاید.^۴

(۲) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: بدانید همانا قرآن راهبر روز است و پرتو افکن شب تاریک اگر چه [آن کس که در صدد راهنمایی شدن و کسب نور از آن باشد] در سختی و نداری باشد.^۵

(۳) امام صادق(ع) فرمود: همانا قرآن باز دارنده و فرمان دهنده است: به بهشت فرمان دهد و از دوزخ باز دارد.^۶

۱ - فی مناجات موسی(ع) یا موسی اذا رايت الفقر مقبلاً فقل مرحباً بشعار الصالحين واذا رايت الغنى مقبلاً فقل ذنب عجلت عقوبته. (همان ح ۱۲).

۲ - الفقر ازين للمؤمن من العذار على خد الفرس. (همان ح ۲۲).

۳ - الفقر الموت الاحمر فقلت لابي عبدالله(ع): الفقر من الدینار والدرهم؟ فقال: لا ولكن من الدين. (تتمه همان ح ۲).

۴ - ان هذا القرآن فيه منار الهدى ومصابيح الدجی فليجل جال بصره ويفتح للضياء نظره. (کتاب فضل القرآن ح ۵).

۵ - اعلّموا ان القرآن هدى النهار ونور الليل المظلم على ما كان من جُهد وفاقة. (همان ح ۶).

۶ - ان القرآن زاجر وآمر: يأمر بالجنة ويزجر عن النار. (همان ح ۹).

(۴) امام سجاده (ع) فرمود: اگر همه مردمی که بین مشرق و مغرب هستند بمیرند من از تنهایی نهراسم پس از آنکه قرآن با من باشد.^۱

(۵) امام صادق (ع) فرمود: حافظ قرآن که بدان عمل کند در آخرت رفیق فرشتگان پیغام برنده و نیک رفتار خداوند است.^۲

(۶) رسول خدا (ص) فرمود: هر کس که خداوند [از معارف] قرآن به او عطا کند و چنان پندارد که به مردی بهتر از آن چیزی داده اند چیز بزرگی را کوچک شمرده و چیز کوچکی را بزرگ دانسته است.^۳

(۷) حضرت صادق (ع) فرمود: هر که قرآن بخواند بی نیاز شود و نیازی پس از آن نیست و گرنه [اگر قرآن بی نیازش نکند] هیچ چیز او را بی نیاز نکند.^۴

(۸) رسول خدا (ص) فرمود: حاملان قرآن نمایندگان و سرپرستان اهل بهشتند.^۵

(۹) امام صادق (ع) فرمود: کسی که درباره قرآن رنج کشد و با وجود سختی و کم حافظه بودنش آن را حفظ کند دو اجر دارد.^۶

(۱۰) امام صادق (ع) می فرمود: کسی که به سختی قرآن را یاد گیرد دو اجر دارد و آن کس که به آسانی یاد گیرد با اولین است.^۷

(۱۱) امام سجاده (ع) می فرماید: آیه های قرآن گنجینه هایی است پس هرگاه در یک گنجینه را گشودی شایسته است که بدانچه در آن است نظر بیفکنی.^۸

۱ - لومات من بین المشرق والمغرب لما استوحشت بعد ان يكون القرآن معی. (همان ح ۱۳).

۲ - الحافظ للقرآن العامل به مع السفرة الكرام البررة. (باب فضل حامل القرآن ح ۲).

۳ - من اعطاه الله القرآن فرأى ان رجلا اعطى افضل مما اعطى فقد صغر عظیماً وعظم صغيراً. (همان ح ۷).

۴ - من قرأ القرآن فهو غنی ولا فقر بعده والا ما به غنی. (همان ح ۸).

۵ - حملة القرآن عرفاء اهل الجنة. (همان ح ۱۱).

۶ - ان الذى يعالج القرآن ويحفظه بمشقة منه وقلة حفظ له اجران. (باب من يتعلم القرآن بمشقة ح ۱).

۷ - من شدد عليه فى القرآن كان له اجران ومن يسر عليه كان مع الاولين. (همان ح ۲).

۸ - آیات القرآن خزائن فكلما فتحت خزانة ينبغى لك ان تنظر ما فيها. (باب فى قراءته ح ۲).

(۱۲) امام صادق(ع) فرمود: خانه ای که در آن شخص مسلمانی قرآن می خواند اهل آسمان آن خانه را به گونه ای بنگرند که اهل دنیا ستاره درخشان را در آسمان می نگرند.^۱

(۱۳) امام صادق(ع) فرمود: هر که قرآن را از روی آن بخواند از دیدگان خود بهره مند شود و سبب سبک شدن عذاب پدر و مادرش گردد اگر چه آن دو کافر باشند.^۲

(۱۴) امام صادق(ع) فرمود: هر آینه من دوست می دارم که در خانه قرآنی باشد که خداوند به سبب آن شیطانها را [از آن] دور کند.^۳

(۱۵) حضرت صادق(ع) فرمود: قرآن برای اندوه [و تأثر در نفوس مردمان] نازل شده پس آن را با آواز حزین بخوانید.^۴

(۱۶) رسول خدا(ص) فرمود: هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن آواز خوش است.^۵

(۱۷) رسول خدا(ص) فرمود: قرآن را با لحنها و آواز عرب بخوانید و از لحن فاسقان و گنهکاران دوری کنید. زیرا پس از من مردمانی بیایند که قرآن را در گلو بچرخانند و مانند خوانندگی و نوحه خوانی و خواندن کشیشان که از گلوی آنها نگذرد (یعنی مقبول درگاه خداوند واقع نگردد) دلهای ایشان وارونه است و هر که از آنها خوشش آید نیز دلش وارونه است.^۶

۱ - ان البيت اذا كان فيه المرء المسلم يتلو القرآن يترأاه اهل السماء كما يترأى اهل الدنيا الكواكب الدري في السماء. (باب البيوت التي يقرأ فيها القرآن ح ۲).

۲ - من قرأ القرآن في المصحف متع ببصره وخفف عن والديه وان كانا كافرين. (باب قراءة القرآن في المصحف ح ۱).

۳ - انه ليعجبنى ان يكون في البيت مصحف يطرد الله عزوجل به الشياطين. (همان ح ۲).

۴ - ان القرآن نزل بالحزن فاقرووه بالحزن. (باب ترتيل القرآن بالصوت الحسن ح ۲).

۵ - لكل شيء حلية وحلية القرآن الصوت الحسن. (همان ح ۹).

۶ - اقرؤوا القرآن بالحن العرب واصواتها وایاکم ولحن اهل الفسق واهل الكبائر فانه سيجي من بعدی اقوام يرجعون القرآن ترجیع الغناء والنوح والرهبانیه لایجوز تراقیهم قلوبهم مقلوبه وقلوب من یعجبه شأنهم. (همان ح ۳).

(۱۸) رسول خدا(ص) فرمود: مرد عجمی (غیر عرب) از امت من قرآن را عجمی می خواند (یعنی مراعات تجوید و محسنات قرائت را نمی کند یا اعراب آن را غلط می خواند) و فرشتگان آن را به عربی صحیح بالا برند.^۱

(۱۹) حضرت صادق(ع) فرمود: برای مؤمن شایسته است که نمیرد تا قرآن را یاد گیرد یا در پی یاد گرفتنش باشد.^۲

(۲۰) حضرت صادق(ع) فرمود: قرآن عهد خداوند و فرمان اوست بر خلقش پس سزاوار است برای شخص مسلمان که در این عهد و فرمان خدا نظر افکند و روزی پنجاه آیه از آن بخواند.^۳

(۲۱) رسول خدا(ص) فرمود: خانه های خود را با تلاوت قرآن روشن کنید و آنها را گورستان نکنید چنانچه یهود و نصارا کردند در کلیساها و عبادتگاههای خود نماز کنند ولی خانه های خویش را معطل گذارده اند (و در آنها عبادتی انجام ندهند) زیرا که هرگاه در خانه قرآن بسیار تلاوت شد خیر و برکتش زیاد شود و اهل آن به وسعت رسند و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد چنانچه ستارگان آسمان برای اهل زمین می درخشند.^۴

قساوت و سخت دلی

- (۱) ای موسی! در دنیا آرزوی خود را دراز مکن که دلت سخت گردد و سخت دل از من دور است.^۵
- (۲) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: (مردم را) دو خاطره است خاطره ای از شیطان و خاطره ای از فرشته خاطره فرشته رقت و نرمی دل و فهم است و خاطره شیطان فراموشی و سخت دلی است.^۶

-
- ۱ - ان الرجل الاعجمی من امتی ليقراً القرآن بعجمية فترفعه الملائكة على عربية (باب ان القرآن يرفع كما انزل ح ۱).
- ۲ - ينبغي للمؤمن ان لا يموت حتى يتعلم القرآن او يكون في تعليمه. (باب من يتعلم القرآن بمشقة ح ۳).
- ۳ - القرآن عهد الله الى خلقه فقد ينبغي للمؤمن ان ينظر في عهده وان يقرأ منه في كل يوم خمسين آية. (باب في قرائته ح ۱).
- ۴ - نوزوا بيوتكم بتلاوة القرآن ولا تتخذوها قبوراً كما فعلت اليهود والنصارى ... (باب البيوت التي يقرأ فيها القرآن ح ۱).
- ۵ - فيما ناجى الله عزوجل به موسى(ع) يا موسى لا تطول في الدنيا املك فيفسو قلبك والقاسى القلب منى بعيد. (باب القسوة ح ۱).
- ۶ - لمتان: لمة من الشيطان و لمة من الملك فلمة الملك الرقة والفهم و لمة الشيطان السهو والقسوة. (همان ح ۳).

قطع رحم

(۱) امام صادق(ع) فرمود: از حلقه پرهیزید زیرا که آن مردان را می میراند عرض شد: حلقه چیست؟ فرمود: قطع رحم است.^۱

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: از خویشاوند خود مبر اگر چه او باتو قطع رابطه کند.^۲

(۳) امیرالمؤمنین(ع) در خطبه ای فرمود: از گناهی که به سرعت مایه نابودی گردد به خداوند پناه می برم. عبدالله بن کواء یشکری برخاست و گفت: ای امیرمؤمنان! آیا گناهی هست که به سرعت سبب نابودی گردد؟ فرمود: آری - وای بر تو - [آن] قطع رحم است. بی تردید اهل منزلی گرد هم آیند و یکدیگر را یاری نمایند و با اینکه بدکارند خداوند به ایشان روزی دهد و اهل خانه ای [هم] پراکنده شوند و با یکدیگر قطع رابطه کنند با اینکه متقی هستند خداوند محرومشان سازد.^۳

(۴) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: هرگاه مردمان قطع رحم کنند اموال (و ثروتها) در دست اشرار قرار گیرد.^۴

قناعت کردن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که به معاش اندک از خدا راضی گردد خدا هم به عمل اندک او راضی شود.^۵

(۲) امام باقر(ع) فرمود: زندگی رسول خدا - صلی الله علیه وآله - را به یاد آور که خوراکش جو و حلواش خرما و آتش گیره اش شاخه درخت خرما بود اگر پیدا می کرد.^۶

۱ - اتقوا الحالقة فانها تميت الرجال قلت: وما الحالقة؟ قال: قطيعة الرحم. (باب قطيعة الرحم ح ۲).

۲ - لا تقطع رحمك وان قطعتك. (همان ح ۶).

۳ - قال اميرالمؤمنين(ع) في خطبة: اعوذ بالله من الذنوب التي تعجل الفناء فقام اليه عبدالله بن الكواء البشكري فقال: يا اميرالمؤمنين او تكون ذنوب تعجل الفناء؟ فقال: نعم ويلك قطيعة الرحم ان اهل البيت ليجتمعون ويتواسون وهم فجرة فيرزقهم الله وان اهل البيت ليتفرقون ويقطع بعضهم بعضاً فيحرمهم الله وهم أتقياء. (همان ح ۷).

۴ - اذا قطعوا الارحام جعلت الاموال في ايدي الاشرار. (همان ح ۸).

۵ - من رضى من الله باليسير من المعاش رضى الله منه باليسير من العمل. (باب القناعة ح ۳).

۶ - فاذا عيش رسول الله(ص) فانما كان قوته الشعير وحلواه التمر ووقوده السعف اذا وجده. (همان ح ۱).

(۳) امام صادق(ع) فرمود: هر که به حلال اندک خشنود باشد هزینه اش سبک شود و کسبش پاکیزه گردد و از مرز بدکاری بیرون رود.^۱

(۴) امام صادق(ع) فرمود: هر که خواهد بی نیازترین مردم باشد باید به آنچه در دست خداست اعتمادش بیشتر از آنچه در دست دیگران است بوده باشد.^۲

قهر کردن با برادر دینی

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: بیش از سه روز جدایی و قهر کردن روا نیست.^۳

شرح: علامه مجلسی گوید: ظاهر این حدیث این است که اگر بین دو برادر ایمانی در اثر کوتاهی کردن در آداب معاشرت کدورتی پیدا شد و سرانجام به قهر و جدایی کشید نباید بیش از سه روز به متارکه ادامه دهند و اما قهر در این سه روز ظاهراً عفو شده است؛ چرا که سبب تسکین غضب و بدخلقی در این مدت است با اینکه دلالت آن بر جواز ادامه تا سه روز به مفهوم حدیث است و دلالت مفهوم (و استدلال به آن) ضعیف است. و (باید دانست که) این گونه اخبارمخصوص است به غیر بدعت گذاران و هواپرستان و آنان که بر گناه خو گرفته اند و آن را رها نمی کنند و گرنه قهر و جدایی از آنان مطلوب و این خود یک نوع نهی از منکر است.

(۲) حضرت صادق(ع) می فرمود: دو مرد به صورت قهر کردن از هم جدا نشوند جز اینکه یکی از آن دو سزاوار بیزاری (خدا و رسولش) و لعنت (یعنی دوری از رحمت حق) گردد و چه بسا که هر دوی آنان سزاوار آن شوند.^۴

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: پس هرکدام از آن دو [که با هم قهر شده اند] به سخن گفتن با برادرش پیشی گرفت او در روز حساب پیشرو به بهشت باشد.^۵

۱ - من رضى باليسير من الحلال خفت مؤنته وزکت مکسبته وخرج من حد الفجور. (همان ح ۴).

۲ - من قنع بما رزقه الله فهو من اغنى الناس. (همان ح ۹).

۳ - لاهجرة فوق ثلاث. (باب الهجرة ح ۲).

۴ - لايفترق رجلان على الهجران الا استوجب احدهما البرائة واللعة وربما استحق ذلك كلاهما. (همان ح ۱).

۵ - فايهما سبقا الى كلام اخيه كان السابق الى الجنة يوم الحساب. (همان ح ۵).

(۴) امام باقر(ع) فرمود: خدا رحمت کند مردی را که میان دو تن از دوستان مالفیت اندازد ای گروه مؤمنین با هم انس و الفت گیرید و به هم مهربانی کنید.^۱

(۵) امام صادق(ع) فرمود: تا هنگامی که دومی مسلمان با هم قهر هستند پیوسته شیطان شادمان است و همین که با هم آشتی کنند زانوهای شیطان به لرزد و بندهایش از هم جدا شود و فریاد زند: ای وای بر او (و مقصود از او خود شیطان است) از آنچه بدو رسد از هلاکت.^۲

ک

کفر

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که در خدا و رسولش شک کند کافر است.^۳

(۲) امام باقر(ع) فرمود: هر چه که دستاورد اقرار و تسلیم باشد ایمان است و هر چه را که انکار و جحود به بار آورد کفر است.^۴

(۳) امام باقر(ع) فرمود: همانا علی(ع) دری است که خداوند (به روی مردمان) گشود هر که داخل آن گردد مؤمن است و هر که از آن بیرون رود کافر است.^۵

(۴) امام صادق(ع) فرمود: اگر بندگان هنگامی که نمی دانستند توقف می کردند و ستیزه جویی [و انکار] نمی نمودند کافر نمی شدند.^۶

۱ - فرحم الله امرأ الف بین ولین لنا یا معشر المؤمنین تألفوا وتعاطفوا. (همان ح ۶).

۲ - لایزال ابلیس فرحاً ما اهتجر المسلمان فاذا التقیا اصطکت رکبتاه وتخلعت اوصاله ونادی یا ویله ما لقی من الثبور. (همان ح ۷).

۳ - من شک فی الله وفی رسوله فهو کافر. (باب الکفر ح ۱۰).

۴ - کل شیء یجره الاقرار والتسلیم فهو الایمان وکل شیء یجره الانکار والجحود فهو الکفر. (همان ح ۱۵).

۵ - ان علیاً - صلوات الله علیه - باب فتحه الله من دخله کان مؤمناً ومن خرج منه کان کافراً. (همان ح ۱۶).

۶ - لو ان العباد اذا جهلوا وقفوا ولم یجحدوا لم یکفروا. (همان ح ۱۹).

گ

گریستن

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: پس اگر بنده ای در میان یک امتی بگرید خدا به خاطر گریه آن بنده به همه آن امت رحم کند.^۱

(۲) حضرت باقر(ع) فرمود: هیچ قطره ای نزد خدا محبوبتر نیست از آن قطره اشکی که در تاریکی شب از ترس خدا بریزد و جز خدا انگیزه دیگری برای آن نباشد.^۲

(۳) حضرت باقر(ع) فرمود: نزدیکترین حالی که بنده به پروردگار دارد زمانی است که در سجده باشد و گریان.^۳

(۴) حضرت صادق(ع) فرمود: اگر گریه ات نیاید خود را به گریه وادار کن پس اگر از دیدگانت به اندازه قطره ای اشک بیرون آمد پس به به (خوشا بر حالت).^۴

گناه

(۱) امام باقر(ع) فرمود: هیچ نکبتی به بنده نرسد (پایش به سنگی نخورد) مگر به سبب گناهی و آنچه خدا از او می گذرد بیشتر است.^۵

(۲) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: تو که اعمال رسوا کننده مرتکب شده ای خنده دندان نما مکن و کسی که گناهانی کرده از بلای شبگیر و پیشامد ناگهانی نباید ایمن باشد.^۶

۱ - فلو ان عبدا بكى في امة لرحم الله عزوجل تلك الامة ببكاء ذلك العبد. (باب البكاء ح ۲).

۲ - ما من قطرة احب الى الله عزوجل من قطرة دموع في سواد الليل مخافة من الله لايراد بها غيره. (همان ح ۳).

۳ - ان اقرب ما يكون العبد من الرب عزوجل وهو ساجد باك. (همان ح ۱۰).

۴ - ان لم يجنك البكاء فتباك فان خرج منك مثل رأس الذباب فيخ بغ. (همان ح ۱۱).

۵ - ما من نكبة نصيب العبد الا بذنب وما يعفو الله عنه اكثر. (باب الذنوب ح ۴).

۶ - لا تبدين عن واضحة وقد عملت الاعمال الفاضحة ولا يامن البيات من عمل السيئات. (همان ح ۵).

(۳) حضرت باقر(ع) فرمود: همه گناهان سخت است (از نظر نافرمانی خدا و کیفر و عقوبت آنها) ولی سخت ترین آنها گناهانی است که بر آن گوشت و خون بروید (مانند خوردن مال حرام یا اصرار بر گناه اگر چه حلال خورد).^۱

(۴) حضرت باقر(ع) فرمود: همانا بنده مرتکب گناه می شود و روزی از او بر کنار می گردد.^۲

شرح: مقصود گناهانی است که تنگی روزی می آورد و آن هم نسبت به اشخاصی که خدای تعالی بخواهد آنها را در دنیا بدین وسیله کیفر دهد و گرنه بسیاری از گنهکاران دارای زندگی مرفه و روزی فراوانی هستند.

(۵) حضرت صادق(ع) فرمود: همان گناه بنده را از روزی محروم می دارد.^۳

(۶) حضرت صادق(ع) فرمود: همانا شخص گناهی مرتکب می شود و بر اثر آن از نماز شب محروم می شود و تأثیر کار بد در صاحبش از تأثیر کار در گوشت زودتر است.^۴

(۷) حضرت صادق(ع) فرمود: کسی که آهنگ گناهی کند آن را انجام ندهد زیرا گاهی بنده گاهی مرتکب شود و خدای تبارک و تعالی او را ببیند و فرماید: به عزت و جلالم سوگند دیگر بعد از این تو را نیامرزم.^۵

(۸) امام موسی کاظم(ع) می فرمود: بر خدا سزاوار است که هر خانه ای که در آن نافرمانیش کنند خرابش کند تا خورشید بر آن بتابد و (از پلیدی معنوی) پاکش کند (پس معصیت خدا خانه را ویران کند چنان که آفتاب بر سطح آن بتابد).^۶

(۹) رسول خدا(ص) می فرمود: همانا بنده گاهی برای یکی از گناهانش صد سال [در قیامت] حبس شود در حالی که همسران خود را ببیند که در نعمت بهشت می خرامند.^۷

۱ - الذنوب كلها شديدة واشدها مانبت عليه اللحم والدم. (همان ح ۷).

۲ - ان العبد ليذنب الذنب فيزوي عنه الرزق. (همان ح ۸).

۳ - ان الذنب يحرم العبد الرزق. (همان ح ۱۱).

۴ - ان الرجل يذنب الذنب فيحرم صلاة الليل وان العمل السيئي اسرع في صاحبه من السكين في اللحم. (همان ح ۱۶).

۵ - من هم بسيئة فلا يعملها فانه ربما عمل العبد السيئة فيراه الرب تبارك و تعالی فيقول: وعزتي وجلالي لا اغفر لك بعد ذلك ابادا. (همان ح ۱۷).

۶ - قال حق على الله ان لا يعصى في دار الا اضحاها للشمس حتى تطهرها. (همان ح ۱۸).

۷ - ان العبد ليحبس عن ذنب من ذنوبه مائة عام وانه لينظر الى ازواجه في الجنة يتنعم. (همان ح ۱۹).

(۱۰) امام باقر(ع) فرمود: خدا حکم قطعی و حتمی فرموده که نعمتی را که به بنده ای مرحمت فرموده از او باز نگیرد مگر زمانی که بنده گناهی مرتکب شود که به سبب آن مستحق کیفر گردد.^۱

(۱۱) حضرت صادق(ع) می فرمود: گاهی یکی از شما از سلطان بسیار می ترسد و این جز به سبب ارتکاب گناهان نیست پس تا می توانید از گناهان بپرهیزید و بر آنها اصرار نورزید.^۲

شرح: برخی از گناهان موجب می شود که سلطان ظالمی بر مردم مسلط شود و آنها از او بترسند.

(۱۲) امیرالمؤمنین(ع) می فرمود: دردی دردناکتر از گناه برای دل نیست و ترسی سخت تر از مرگ نیست و گذشته برای اندیشیدن (و عبرت گرفتن) و مرگ برای اندرز دادن کافی است.^۳

(۱۳) امام رضا(ع) می فرمود: هر چند بندگان گناهان تازه ای را که سابقه نداشته ایجاد کنند خدا برای آنها بلاهایی ناشناخته برایشان پدید آورد.^۴

توضیح: این روایت شریف در اجتماع امروز ما به روشنی جلوه گر است ما در این زمان گناهان نو ظهوری (خصوصاً نسبت به زنان و انواع کلاه برداریها) می شنویم که نسبت به انحرافات گذشته بی سابقه به نظر می رسد و همچنین از امراض و گرفتاریهای مردم آنچه می بینیم در قاموس معلومات ما تازگی دارد.

(۱۴) حضرت صادق(ع) می فرمود: خدای فرماید: هرگاه کسی که مرا شناخته نافرمانیم کند کسی را که مرا نشناخته بر او مسلط کنم.^۵

گناهان بزرگ

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: گناهان کبیره آنهایی است که خدا دوزخ را برای آنها واجب ساخته است.^۶

۱ - ان الله قضی قضاء حتماً لا ینعم علی العبد بنعمة فیسلبها اياه حتی یحدث العبد ذنباً یشحق بذلک النعمة. (همان ح ۲۲).

۲ - ان احکم لیکثر به الخوف من السلطان وما ذلک الا بالذنوب فتوقوها ما استطعتم ولا تمادوا فیها. (همان ح ۲۷).

۳ - لا وجع اوجع للقلوب من الذنوب ولا خوف اشد من الموت وکفی بما سلف تفکراً وکفی بالموت واعظاً. (همان ح ۲۸).

۴ - کلما احدث العباد من الذنوب مالم یکنوا یعملون احدث الله لهم من البلاء مالم یکنوا یعرفون. (همان ح ۲۹).

۵ - یقول الله عزوجل اذا عصانی من عرفنی سلطت علیه من لا یرفنی (همان ح ۳۰).

۶ - الکبائر: التي اوجب الله عزوجل علیها النار. (باب الکبائر ح ۱).

(۲) حضرت موسی بن جعفر(ع) یکی از اصحاب در نامه پرسیده بود گناهان کبیره چندتا است و چیست؟ حضرت نوشت: گناهان کبیره کسی که از آنچه خدا بر آن به دوزخ تهدید کرده دوری کند کردارهای بد او پوشیده می شود اگر مؤمن باشد.^۱

(۳) به امام صادق(ع) عرض شد: آیا درمورد گناهان کبیره استثنایی وجود دارد که خداوند کسی را که مرتکب آن شود ببخشاید؟ فرمود: آری.^۲

م

مؤمن

۱. نشانه ها و صفات مؤمنان

- (۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که از نیکی خود شادمان و از بدی خویش بدحال گردد او مؤمن است.^۳
- (۲) امام صادق(ع) فرمود: همانا مؤمن کسی است که چون خشم کند از حق نگذرد و چون راضی و خشنود گردد در باطل قدم نهد و چون قدرت یابد بیشتر از حق خود نگیرد.^۴
- (۳) امام صادق(ع) فرمود: سه چیز از علامات مؤمن است: علم به خدا و [دوستی با] هر که خدا دوستش می دارد و [دشمنی با] هر که خدا دوستش نمی دارد.^۵
- (۴) رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: مؤمن مانند درختی است که برگش در زمستان و تابستان فرو نریزد: گفتند یا رسول الله! آن چه درختی است؟ فرمود: درخت خرما.^۱

۱ - یسأله عن الكبائر کم هی وما هی؟ فکتب: الكبائر؛ من اجتنب ما وعدالله علیه النار کفر عنه سیئاته اذا کان مؤمنا. (همان ح ۲).

۲ - قلت لابی عبدالله(ع): الكبائر فیها استثناء ان یغفر لمن یشاء؟ قال: نعم. (همان ح ۱۹).

۳ - من سرتة حسنة وسائته سیئته فهو مؤمن. (باب المؤمن وعلاماته وصفاته ح ۶).

۴ - انما المؤمن الذی اذا غضب لم یخرجه غضبه من حق واذا رضى لم یدخله رضاه فی باطل واذا قدر لم یأخذ اکثر مماله. (همان ح ۱۱).

۵ - ثلاثة من علامات المؤمن: العلم بالله ومن یحب ومن یکره. (همان ح ۱۵).

(۵) امام صادق(ع) فرمود: مؤمن بردباری است که نادانی نوزد و اگر نسبت به او نادانی ورزند بردباری کند و ستم نکند و اگر به او ستم کنند ببخشند و بخل نوزد و اگر نسبت به او بخل ورزند صبر کند.^۲

(۶) امام باقر(ع) فرمود: مؤمن از کوه محکم تر است زیرا از کوه چیزی برگرفته شود ولی از دین مؤمن چیزی گرفته نشود.^۳

(۷) امام صادق(ع) فرمود: مؤمن یاری کردنش نیکو و خرجش سبک است زندگی اش را خوب اداره می کند از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود [یعنی از یک راه دوبار گول نمی خورد بلکه در همان بار اول عبرت می گیرد].^۴

۲. اندک بودن تعداد مؤمنان

(۱) امام صادق(ع) می فرمود: زن مؤمن کمیابتر از مرد مؤمن است و مرد مؤمن کمیابتر از گوگرد سرخ است کدام یک از شما گوگرد سرخ را دیده اید.^۵

(۲) امام کاظم(ع) می فرمود: چنین نیست که هر که به ولایت ما معتقد شد مؤمن باشد بلکه آنها همدم مؤمنین قرار داده شده اند.^۶

(۳) امام صادق(ع) می فرمود: برای مؤمن سزاوار نیست که از ترس و وحشت با برادر و غیر برادرش مأنوس شود مؤمن در دینش عزیز و قدرتمند است. (یعنی عزت و شرافت دینش از هر همدمی برای او بهتر و بالاتر است).^۷

۱ - المؤمن کمثل شجرة لا يتحات ورقها في شتاء ولا صيف: قالوا يا رسول الله وما هي؟ قال النخلة. (همان ح ۱۶).

۲ - المؤمن حلیم لا یجهل وان جهل علیه یحلم ولا یظلم وان ظلم غفر ولا یبخل وان بخل علیه صبر. (همان ح ۱۷).

۳ - المؤمن اصلب من الجبل الجبل یستقل منه والمؤمن لا یستقل من دینه شیء. (همان ح ۳۷).

۴ - المؤمن حسن المعونة خفيف المؤونة جيد التدبير لمعيشته لا یلسع من حجر مرتین. (همان ح ۳۸).

۵ - المؤمنة اعز من المؤمن والمؤمن اعز من الکبریت الاحمر فمن رأى منکم الکبریت الأحمر (باب فی قلة عدد المؤمنین ح ۱).

۶ - لیس کل من قال بولایتنا مؤمنا ولكن جعلوا انسالللمؤمنین. (همان ح ۷).

۷ - ما ینبغی للمؤمن ان یتوحش الی اخیه فمن دونه المؤمن عزیز فی دینه. (باب الرضا بموهبة الايمان والصبر ح ۴).

(۴) امام صادق(ع) فرمود: مؤمن در کنار مؤمن آرامش می یابد چنانکه تشنه با آب سرد آرامش می یابد.^۱

توضیح: چنانچه شخص تشنه از فراق آب اضطراب و پریشانی دارد و همواره جویای آن است و چون آب را پیدا کرد دلش آرام می گیرد مؤمن هم از فراق مؤمن پریشان است و چون او را پیدا کند دلش آرام شود و خاطر جمع گردد پس این کلام از باب تشبیه معقول به محسوس است.

۳ - آثار و برکات مؤمنان

(۱) امام باقر(ع) فرمود: همانا خدا به واسطه یک مؤمن نابودی را از یک قریه دفع می کند.^۲

(۲) و فرمود: به منطقه ای که هفت مؤمن در آن باشند عذاب نرسد.^۳

(۳) امام صادق(ع) فرمود: مؤمن [فرد نیکوکاری است که] مورد ناسپاسی قرار می گیرد.^۴

(۴) امام باقر(ع) می فرمود: هرگاه مؤمن بمیرد به شماره ربیعه و مضر [دو قبیله بزرگ عرب] شیطانی که به او مشغول بوده اند بر همسایگانش راه یابند. (یعنی مؤمن سنگر استوار و مقاومی در برابر شیاطین است و با رفتن او این سنگر و سد دفاعی شکسته می شود).^۵

۴ . آزمایشها و گرفتاریهای مؤمنان

(۱) امام صادق(ع) می فرمود: مؤمن مانند کفه ترازوست که هر چه برایمانش بیفزاید بربلایش افزوده شود.^۶

۱ - ان المومن ليسكن الى المؤمن كما يسكن الظمئان الى الماء البارد. (باب في سكون المؤمن الى المؤمن ح ۱).

۲ - ان الله ليدفع بالمؤمن الواحد عن القرية الفناء. (باب فيما يدفع الله بالمؤمن ح ۱).

۳ - لا يصيب قرية عذاب وفيها سبعة من المؤمنين. (همان ح ۲).

۴ - المؤمن مكفر. (باب ما اخذه الله على المؤمن من الصبر على ما يلحقه ح ۸).

۵ - اذا مات المؤمن خلى على جيرانه من الشياطين عدد ربعة ومضر كانوا مشغولين به (همان ح ۱۰).

۶ - انما المؤمن بمنزلة كفة الميزان كلما زيد في ايمانه زيد في بلائه. (باب شدة ابتلاء المؤمن ح ۱۰).

(۲) امام صادق(ع) می فرمود: بر مؤمن چهل شب نگذرد جز آنکه پیشامدی برایش رخ دهد که غمگینش سازد و موجب بیداری اش گردد.^۱

توضیح: یعنی متذکر شود که آن پیشامد به سبب گناهی است که از او سرزده و توبه کند چنانکه خدای تعالی فرماید: (ما اصابکم من مصیبه فبما کسبت ایدیکم) و نیز متذکر شود که خدا قادر است آن بلا را از او بگرداند پس دعا و تضرع کند و نیز متذکر پستی و خواری دنیا شود که چگونه به کدورت و مصایب آمیخته است و به آخرت رغبت کند که مکان قدس و تنزه است.

(۳) امام صادق(ع) می فرمود: خدا مؤمن را از بلاهای تکان دهنده دنیا ایمن نساخته ولی او را از کوردلی دنیا [که به سبب آن حق را تشخیص ندهد] و شقاوت آخرت ایمن ساخته است.^۲

(۴) رسول خدا(ص) فرمود: حکایت مؤمن حکایت ساقه گیاهی است که باد آن را به این سو و آن سو کج می کند مؤمن را هم دردها و بیماریها خم می کند.^۳

(۵) امام صادق(ع) فرمود: سخت ترین مردم از لحاظ بلا و گرفتاری پیغمبرانند سپس کسانی که در پی آنانند و سپس کسی که از دیگران بهتر است و به همین ترتیب.^۴

(۶) امام صادق(ع) فرمود: چون خدا بنده ای را دوست بدارد او را در بلا غوطه ور سازد ای سُدیر! ما و شما صبح و شام با آن دم سازیم.^۵

(۷) امام صادق(ع) فرمود: اجر بزرگ با بلای بزرگ است و خدا هیچ قومی را دوست نداشته جز آنکه آنان را [با گرفتاریها] آزموده است.^۶

(۸) امام باقر(ع) فرمود: مؤمن در دنیا به اندازه دینش گرفتاری ببیند.^۱

۱ - المؤمن لا یمضی علیه اربعون لیلة الاعرض له امر یحزنه یذكر به. (همان ح ۱۱).

۲ - لم یؤمن الله المؤمن من هزاهز الدنيا ولكنه آمنه من العمی فیها والشقاء فی الآخرة. (همان ح ۱۸).

۳ - مثل المؤمن کمثل خامة الزرع تکفئها الريح کذا وكذا وكذلك المؤمن تکفئها الازجاج والامراض (همان ح ۲۵).

۴ - ان اشد الناس بلاء الانبياء ثم الذين یلونهم ثم الامثل فالامثل. (همان ح ۱).

۵ - ان الله اذا احب عبد غته بالبلاء غتا وانا وایاکم یا سدير لتصبح به ونمسی. (همان ح ۶).

۶ - ان عظیم الاجر لمع عظیم البلاء وما احب الله قوما الا ابتلاهم. (همان ح ۳).

(۹) امام صادق(ع) فرمود: در بهشت مقامی است که هیچ بنده ای به آن نرسد جز با بلایی که [در دنیا] به بدنش رسد.^۲

(۱۰) رسول خدا(ص) فرمود: خداوند به کسی که از مال و بدنش برای او بهره ای نیست نیازی ندارد. [کسی که زیان مالی و بدنی نبیند خدا به او توجهی ندارد].^۳

(۱۱) امام صادق(ع) فرمود: مصیبتها بخششهای خداست و فقر در خزانه خدا محفوظ است. (و آن را جز به بنده عزیزش که خواهد او را به خود متوجه سازد ندهد).^۴

محاسبه خویشتن

(۱) امام موسی کاظم(ع) فرمود: از ما نیست کسی که هر روز [احوال] خود را محاسبه نکند پس اگر کار نیکی کرده است از خدا زیادی آن را خواهد و اگر گناه و کار بدی کرده از خدا آمرزش خواهد و به سوی او بازگشت کند. (و توبه نماید).^۵

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: تو را طیب خودت کرده اند و درد را هم برایت گفته اند و نشانه سلامتی را نیز به تو یاد داده اند و به دارو هم راهنمایی کرده اند اکنون بنگر که چگونه درباره آن رفتار کنی.^۶

شرح: مجلسی(ره) گوید: درد همان اخلاق زشت و گناهان کشنده است و نشانه سلامتی همان نشانه هایی است که خدا و رسول و ائمه اطهار فرموده اند.

۱ - انما یبتلی المؤمن فی الدنیا علی قدر دینه. (همان ح ۹).

۲ - ان فی الجنة منزلة لا یبلغها عبد الا بالابتلاء فی جسده. (همان ح ۱۴).

۳ - لا حاجة لله فیمن لیس له فی ماله وبدنه نصیب. (همان ح ۲۱).

۴ - المصائب منح من الله والفقر مخزون عند الله. (باب فضل فقراء المسلمين ح ۲).

۵ - لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل حسنا استزاد الله وان عمل سیئاً استغفر الله منه وتاب الیه. (باب محاسبة العمل ح ۲).

۶ - انک قد جعلت طبیب نفسک و بین لک الداء وعرفت آية الصحة ودلت علی الدواء فانظر کیف قیامک علی نفسک. (همان ح ۶).

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: از [استعدادهای] خودت برای خودت بهره گیر از تندرستیت پیش از آنکه بیمار شوی و در [حال] توانایی پیش از آنکه ناتوان گردی و در زندگی پیش از مردن [از قوا و استعدادهای خود به نفع خویش] بهره مند شو.^۱

(۴) امام صادق(ع) فرمود: چون روز آید [به مردمان] گوید: ای فرزند آدم در این روز نیکی کن تا در روز رستاخیز در درگاه الهی به آن شهادت دهم چرا که من در گذشته پیش تو نیامدم و در آینده هم نخواهم آمد و چون شب فرا رسد سخنی همانند آن بگوید.^۲

مدارا و سازگاری

(۱) امام صادق(ع) می فرمود: جبرئیل(ع) نزد پیغمبر(ص) آمد و عرض کرد: ای محمد! پروردگارت سلام می رساند و می گوید با مخلوقم مدارا کن.^۳

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: پروردگارم مرا به سازگاری با مردم امر فرمود چنان که به انجام واجبات امر فرمود.^۴

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: سازگاری با مردم نصف ایمان است و نرمش با آنها نصف زندگی است.^۵

مداومت بر عمل

(۱) امام باقر(ع) فرمود: دوست ترین اعمال نزد خدا عملی است که بنده آن را ادامه دهد اگر چه اندک باشد. [یعنی اگر چه کوچک باشد یا از لحاظ شماره کم باشد].^۶

(۲) امام صادق(ع) فرمود: مبدا عملی را بر خود واجب گردانی و تا دوازده ماه از آن دست برداری.^۱

-
- ۱ - خذ لنفسك من نفسك خذ منها في الصحة قيل السقم وفي القوة قيل الضعف وفي الحياة قيل الممات. (همان ح ۱۱).
 - ۲ - ان النهار اذا جاء قال يا ابن آدم اعمل في يومك هذا خيرا اشهد لك به عند ربك يوم القيامة فاني لم آتک فيما مضى ولا آتيك فيما بقى واذا جاء الليل قال مثل ذلك. (همان ح ۱۲).
 - ۳ - جاء جبرئيل(ع) الى النبي(ص) فقال يا محمد(ص) ربك يقرئك السلام ويقول لك دار خلقی. (باب المداراة ح ۲).
 - ۴ - امرنی ربي بمدارة الناس كما امرنی باداء الفرائض. (همان ح ۴).
 - ۵ - مداراة الناس نصف الايمان والرفق بهم نصف العيش. (همان ح ۵).
 - ۶ - احب الاعمال الى الله عزوجل مادام عليه العبد وان قل. (باب استواء العمل والمداومة عليه ح ۲).

شرح: مقصود این است که انجام دادن عملی را پیش خود تصمیم‌گیری و بدان ملتزم شوی نه آنکه از راه نذر و عهد و قسم بر خود واجب گردانی؛ زیرا شکستن و بر هم زدن این امور جایز نیست و هر یک کفّاره مخصوص دارد.

مزاح و شوخ طبعی

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: هیچ مؤمنی نیست جز این که در او (دُعابه) هست عرض کردم دعابه چیست؟ فرمود: مزاح.^۲

(۲) حضرت باقر(ع) فرمود: خدا آن کس را که در میان جمعی شوخی و خوشمزگی کند دوست می‌دارد در صورتی که فحشی [در میان] نباشد.^۳

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: مبدا مزاح کنید که آبرو را از بین می‌برد.^۴

(۴) حضرت صادق(ع) فرمود: هرگاه مردی را دوست داری با او مزاح و ستیزه مکن.^۵

(۵) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: مبدا شوخی کنید که کینه آورد و دشمنی به جای گذارد و آن دشنام کوچکی است.^۶

(۶) حضرت صادق(ع) فرمود: شوخی مکن که بر تو جرأت پیدا کنند.^۷

۱ - ایاک ان تفرض علی نفسک فريضة فتفارقها اثني عشر هلالا. (همان ح ۶).

۲ - ما من مؤمن الا وفيه دعابة قلت وما الدعابة قال المزاح. (باب الدعابة والضحك ح ۲).

۳ - ان الله عزوجل يحب المداعب في الجماعة بلا رفت. (همان ح ۴).

۴ - ایاکم والمزاح فانه يذهب بماء الوجه. (همان ح ۸).

۵ - اذا احببت رجلا فلا تمازحه ولا تماره. (همان ح ۹).

۶ - ایاکم والمزاح فانه يجر السخيمة ويورث الضغينة وهو السب الاصغر. (همان ح ۱۲).

۷ - لا تمازح فيجترأ عليك. (همان ح ۱۸).

مصافحه

(۱) امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که دو مؤمن به هم برخوردند و مصافحه کنند خدا به آنها رو آورد و گناهانشان چون برگ درخت بریزد.^۱

(۲) امام صادق(ع) حد مصافحه را از آن حضرت پرسیدند فرمود: [به اندازه] گردش دور درخت خرما. (یعنی اگر چه به مقدار گردش دور درخت خرما از یکدیگر جدا شوند مستحب است با یکدیگر مصافحه کنند).^۲

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: چون با یکدیگر روبه رو شدید با سلام کردن و مصافحه دیدار کنید و چون از یکدیگر جدا شوید با آمرزش خواهی جدا شوید.^۳

(۴) هرگاه که رسول خدا(ص) با مردی مصافحه می کرد دست خود را از دست او نمی کشید تا وقتی که او دست خود را از دست حضرت می کشید.^۴

(۵) امام صادق(ع) فرمود: با یکدیگر مصافحه کنید زیرا مصافحه کینه را از بین می برد.^۵

معاشرت

(۱) امام باقر(ع) فرمود: با هر که معاشرت داری اگر توانی دست عطایت را به سر آنها بکشی و به آنها خیری برسانی چنین کن.^۶

۱ - ان المؤمنین اذا التقيا فتصافحا اقبل الله عزوجل عليهما بوجهه وتساقطت عنهما الذنوب كما يتساقط الورق من الشجر. (باب المصافحة ح ۴).

۲ - سئل عن حد المصافحة فقال دور نخلة. (همان ح ۸).

۳ - اذا التقيتم فتلاقوا بالتسليم والتصافح واذا تفرقتم فتفرقوا بالاستغفار. (همان ح ۱۱).

۴ - ما صافح رسول الله رجلاً قط فنزع يده حتى يكون هو الذي ينزع يده منه. (همان ح ۱۵).

۵ - تصافحوا فانها تذهب بالسخيمة. (همان ح ۱۸).

۶ - من خالطت فان استطعت ان تكون يدك العليا عليهم فافعل. (باب حسن المعاشرة ح ۱).

(۲) امام صادق(ع) در تفسیر سخن خدای متعال [که درباره یوسف(ع) فرماید:] (ما تو را از نیکو کاران می بینیم) (یوسف (۱۲) آیه ۳۶) فرمود: برای [یوسف] کسانی که وارد می شدند جا باز می کرد و به نیازمندان وام می داد و به ناتوانان کمک می کرد.^۱

(۳) امام باقر(ع) فرمود: یاران خود را بزرگ بشمارید و احترامشان بکنید و برخی از شما به برخی دیگر هجوم نبرید و به هم زیان مزیند و بر هم حسد مورزید و از بخل بپرهیزید تا از بندگان با اخلاص [و شایسته] خدا باشید.^۲

(۴) از امام باقر یا صادق - علیهما السلام - روایت کرده اند که فرمود: ترش رویی به مردم دشمنی به بار آورد.^۳

(۵) امام باقر(ع) فرمود: از کسی پیروی کن که تو را می گریاند و اندرزت می دهد نه از آنکه تو را بخنداند و گولت زند.^۴

(۶) امام صادق(ع) فرمود: با بدعت گذاران هم صحبت و هم نشین مشوید که درنظر مردم چون یکی از آنها شوید.^۵

(۷) امام صادق(ع) فرمود: بپرهیز از دوستی با احمق زیرا که تو هر چه از جانب او شادتر باشی او به بدی رساندن به تو نزدیک تراست (مقصود این است که هر چه به دوستی او خوشحال تر باشی احتمال خطر زیان رساندن او به واسطه حماقتش به تو بیشتر شود).^۶

(۸) امام صادق(ع) فرمود: خوش رفتاری و مدارا کردن با مردم یک سوم خردمندی است.^۷

(۹) امام موسی بن جعفر(ع) فرمود: دوستی کردن با مردم نیمی از خرد است.^۱

۱ - فی قول الله عزوجل (انا نراک من المحسنین) قال: کان یوسع المجلس ویستقرض للمحتاج ویعین الضعیف. (همان ح ۳).

۲ - عظموا اصحابکم ووقروهم ولا یتجهم بعضکم علی بعض وتضاروا ولا تحاسدوا (همان ح ۴).

۳ - الانتباض من الناس مکسبة للعداوة. (همان ح ۵).

۴ - اتبع من یتبیک وهو لک ناصح ولا تتبع من یضحک وهولک غاش. (باب من تجب مصادقته ومصاحبتة ح ۲).

۵ - لاتصحبوا اهل البدع ولاتجالسوهم فتصيروا عندالناس کواحد منهم. (باب من نکره مجالسته ومرافقته ح ۱۰).

۶ - ایاک ومصادقة الاحمق فانک اسرما تکون من ناحيته اقرب مایکون الی مسائتک. (همان ح ۱۱).

۷ - مجاملة الناس ثلث العقل. (باب التحبب الی الناس والتودد الیهم ح ۲).

(۱۰) امام صادق(ع) فرمود: هر که دست آزارش را از سرمردم بردارد فقط دستی را از آنها بازداشته ولی (در مقابل) دستهای بسیاری از آزار او خودداری کنند.^۲

(۱۱) امام صادق(ع) فرمود: هرگاه یکی از برادران (دینی) خود را دوست داشتی او را از آن آگاه کن.^۳

(۱۲) امام صادق(ع) فرمود: [احوال باطنی] مردم را بازرسی و تفتیش مکن که بی دوست می مانی.^۴

شرح: چون در عموم مردم خواه ناخواه نقطه ضعفهایی هست و کسی که خالی از هرگونه عیبی باشد انگشت شمار است. بنابراین اگر کسی در صدد تفحص از عیوب دیگران باشد تا آنکه دوست بی عیبی پیدا کند به چنین آرزویی دست نخواهد یافت و بدون رفیق خواهد ماند. پس بهتر آنکه به همان حُسن ظاهر اکتفا کند و در پی تحقیق و کندکاو از احوال درونی مردم برنیاید.

(۱۳) به امام صادق(ع) عرض شد مردی می گوید: تو را دوست دارم من چگونه بدانم که او مرا دوست دارد؟ (و راست می گوید) فرمود: دلت را آزمایش کن پس اگر تو نیز او را دوست داری (بدان که) او هم تو را دوست دارد.^۵

(۱۴) رسول خدا(ص) فرمود: هرگاه بزرگوار قومی بر شما رسید او را گرامی دارید.^۶

(۱۵) امام صادق(ع) فرمود: تکمیل تحیت (سلام گفتن و خوش آمد) برای شخصی که به سفر نرفته مصافحه (و دست دادن با او) است و نسبت به آنکه از سفر آمده معانقه (و در آغوش گرفتن و دست به گردن همدیگر انداختن) است.^۷

۱ - التودد الى الناس نصف العقل. (همان ح ۴).

۲ - من كف يده عن الناس فانما يكف عنهم يدا واحدة ويكفون عنه ايدياً كثيرة. (همان ح ۶).

۳ - اذ احببت احدا من اخوانك فاعلمه ذلك. (باب اخبار الرجل اخاه بحبه ح ۱).

۴ - لا تفتش الناس فتبقى بلاصديق.

۵ - قيل له (ع) الرجل اودك فكيف اعلم انه يودني قال امتحن قلبك فان كنت توده فانه يودك.

۶ - اذا اتاكم كريم قوم فاكرموه. (باب اكرام الكريم ح ۲).

۷ - ان من تمام التحية للمقيم المصافحة وتمام التسليم على المسافر المعانقة. (باب التسليم ح ۱۴).

معانقه کردن

(۱) حضرت باقر و صادق(ع) فرمودند: و چون [دو مؤمن] با هم ملاقات و مصافحه و معانقه کنند خدا به آنها روی آورد.^۱

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: چون دو مؤمن یکدیگر را در آغوش کشند رحمت خدا آنها را فرا گیرد.^۲

میانه روی در عبادت

(۱) امام صادق(ع) فرمود: عبادت را به خود تحمیل نکنید.^۳

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: همانا این دین محکم و متین است پس با ملایمت در آن در آیید و عبادت خدا را به زور به بندگان خدا تحمیل نکنید که در این صورت همانند سوار درمانده ای خواهید بود که نه مسافتی پیموده و نه مرکبی به جا گذاشته است.^۴

ن

ناسازگاری

(۱) حضرت باقر(ع) فرمود: آن کس که ناسازگاری بهره اش گردد ایمان از او در پس پرده رود.^۵

شرح: مجلسی(ره) گوید: سرّ اینکه شخص ناسازگار از ایمان دور می شود این است که اولاً مؤمنین را آزار دهد و این مخالف ایمان است؛ زیرا مؤمن کسی است که مسلمانان از دست و زبانش آسوده و در امان

۱ - إذا التقيا وتصافحا وتعانقا قبل الله عليهما بوجهه. (باب المعانقة ح ۱).

۲ - ان المؤمنين اذا اعتنقا غمرتهما الرحمة. (همان ح ۲).

۳ - لا تكثرهوا الى انفسكم العبادة. (باب الاقتصاد في العبادة. ح ۲).

۴ - ان هذا الدين متين فاوغلوا فيه برفق ولا تكثرهوا عبادة الله الى عباد الله فتكونوا كالراكب المنبت الذي لاسفرا قطع ولا ظهرا ابقى. (همان ح ۱).

۵ - من قسم له الخرق حجب عنه الايمان. (باب الخرق ح ۱).

باشند و ثانیاً به واسطه ناسازگاری از طلب دانش - که به وسیله آن به پایه کمال ایمان رسد - محروم ماند زیرا اسباب طلب آن برایش فراهم نگردد.

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: اگر ناسازگاری قابل دیدن باشد چیزی در میان مخلوقات خدا زشت تر از آن نخواهد بود.^۱

نامه و جواب آن

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: دادن جواب نامه مانند دادن جواب سلام واجب است.^۲

نرمی و ملایمت

(۱) حضرت باقر(ع) فرمود: برای هر چیزی قفلی است (که آن را بدو حفظ کنند) و قفل ایمان نرمی و ملاطفت است. (چه آنکه هر کس نرمی را از دست دهد و خشم و قهر و خشونت پیش گیرد ناچار به اعمالی دست می زند که ایمانش از دست می رود).^۳

(۲) رسول الله(ص) فرمود: نرمی میمنت دارد و خشونت نحوست.^۴

(۳) امام باقر(ع) فرمود: خداوند ملایم است و ملایمت را دوست دارد و پاداشی که به ملایمت می دهد به خشونت و سختگیری نمی دهد.^۵

(۴) رسول خدا(ص) می فرمود: نرمی بر هر چه نهاده شود آن را زینت دهد و از هر چه بر کنده شود زشتش سازد.^۶

۱ - لوکان الخرق خلقا یری ما کان شیء مما خلق الله اقیح منه (همان ح ۲).

۲ - رد جواب الکتابه واجب کوجوب رد السلام. (باب التکاتب ح ۲).

۳ - ان لكل شیء قفلاً وقفل الایمان الرفق. (باب الرفق ح ۱).

۴ - الرفق یمن والخرق شؤم. (همان ح ۴).

۵ - ان الله عزوجل رفیق یحب الرفق ویعطى على الرفق ما لا یعطى على العنف. (همان ح ۵).

۶ - ان الرفق لم یوضع على شیء الا زانه ولا نزع من شیء الا شانیه. (همان ح ۶).

(۵) رسول خدا(ص) فرمود: در نرمی فرونی و برکت است و هر که از نرمی محروم شد از خیر محروم گشت.^۱

(۶) امام صادق(ع) فرمود: افراد هر خانه ای که نرمی از آنها دور باشد خیر از آنها دور گردد.^۲

(۷) امام موسی کاظم(ع) فرمود: نرمی نیمی از زندگی است.^۳

(۸) رسول خدا(ص) فرمود: اگر نرمی مخلوقی قابل دیدن بود در میان مخلوقات خدا از او نیکوتر وجود نداشت.^۴

(۹) رسول خدا(ص) فرمود: هیچ گاه دو نفر با هم رفاقت و همدمی نکنند جز آنکه هر کدام از آنها که نرمیش با رفیقش بیشتر است نزد خدای پاداشش بزرگ تر و محبوبیتش بیشتر گردد.^۵

(۱۰) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که در کار خود نرمی کند هر چه از مردم خواهد بدان برسد.^۶

نِیّت

(۱) امام سجّاد(ع) فرمود: عملی نباشد جز به وسیله نیت.^۷

شرح: مقصود از عمل عبادت و طاعات و مراد به نیت قصد تقرّب به خدای تعالی است پس نماز و روزه و حج و امثال آن بدون قصد تقرّب و رضای حق تعالی صحیح نیست و هیچ اجر و پاداشی ندارد و نیز اعمالی که بر انسان واجب نیست مانند صدقه دادن و تعلیم و ارشاد زمانی موجب پاداش و ثواب می گردد که به نیت تقرّب و رضای خدا انجام گیرد.

۱ - ان فی الرفق الزیادة والبركة ومن یحرم الرفق یحرم الخیر. (همان ح ۷).

۲ - ما زوی الرفق عن اهل بیت الازوی عنهم الخیر. (همان ح ۸).

۳ - الرفق نصف العیش. (همان ح ۱۱).

۴ - لو کان الرفق خلقاً یری ما کان مما خلق الله شیء احسن منه. (همان ح ۱۳).

۵ - ما اصطحب اثنان الا کان اعظمهما اجراً واحیها الى الله عزوجل ارفقهما بصاحبه. (همان ح ۱۵).

۶ - من کان رفیقاً فی امره نال ما یرید من الناس. (همان ح ۱۶).

۷ - لاعمل الابنیة. (باب النیة ح ۱).

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: نیت مؤمن بهتر از عمل اوست و نیت کافر بدتر از عملش و هر کس طبق نیتش کار می کند.^۱

شرح: مرحوم مجلسی در توجیه و تفسیر این روایت دوازده قول از دانشمندان حدیث نقل می کند و سپس تحقیقی در این باره بیان می فرماید که به واسطه اهمیت آن و از نظر اینکه نیت رکن و پایه همه اعمال است فشرده ای از آن را در اینجا ذکر می کنیم:

اصلاح نیت از مشکل ترین اعمال انسان است زیرا نیت تابع حالت نفسانی است و قبول رد شدن آن و درجات کمالش مربوط به همان حالت نفسانی می باشد و جز با زدودن محبت دنیا از دل به وسیله ریاضتهای شاق و تفکرات صحیح ممکن نگردد زیرا دل سلطان و فرمانروای بدن است و همه اعضا و جوارح محکوم فرمان او می باشند و در یک دل دو محبت متناقض جمع نشود چنانچه خدای تعالی فرماید: **(ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه)**^۲ خدا در اندرون هیچ کس دو دل قرار نداده است) و چون دنیا و آخرت دو مطلوب مخالف و متناقض با یکدیگرند محبت آن دو در یک دل جمع نشود از این رو کسی که محبت دنیا در دلش جایگزین شده و آخرت را فراموش کرده است همیشه فکر و خیال و اعضا و جوارحش متوجه دنیا است و هر عملی که انجام می دهد نتیجه غایی و مقصود از آن دنیا است اگر چه به دروغ از خدا و آخرت دم زند از این رو در عبادات و طاعاتش هم اعمالی را انتخاب می کند که آثار و فواید دنیوی بیشتری داشته باشد و مثلاً به افزایش مال و ثروت بینجامد و نسبت به طاعاتی که موجب تقرب و محبت خداست اعتنایی ندارد.

و نیز کسی که حبّ جاه و شهرت بر دلش مستولی گشته در همه اعمال و رفتار از این هدف پیروی می کند و همچنین است اغراض دنیوی دیگر و عمل بنده خالص نگردد تا زمانی که تمام این اغراض فاسد - که موجب دوری از حق تعالی است - از دل بیرون رود؛ بنابراین درجات و مراتب نیت در مردم متعدد و بلکه بی شمار است.

و بلکه هر انسانی در حالات مختلف نیتهای مختلف دارد که برخی از آنها موجب فساد و بطلان عمل و بعضی موجب کمال و ترقی آن است. آنچه موجب فساد و بطلان عمل است ریای خالص است که علاوه بر اینکه عبادت را از ثواب ساقط می کند موجب کیفر و عقاب هم می گردد و اما هرگاه قصد ریا و ضمیمه

۱ - نية المؤمن خير من عمله ونية الكافر شر من عمله وكل عامل يعمل على نيته. (همان ح ۲).

۲ - احزاب (۳۳) آیه ۴.

تابع باشد و یا غیر از ریا ضمایم دیگری در نیتش باشد مانند قصد نظافت و خنک شدن در وضو و غسل تفصیلی دارد که حکمش در رسائل فقها موجود است.

و اما ضمیمه نمودن بعضی از انگیزه های مباح دنیوی مانند وسعت رزق و طول عمر را جماعتی مبطل دانسته اند ولی گفتار آنها خالی از اشکال نیست زیرا گزاردن نماز حاجت و نماز استخاره و تلاوت قرآن و اذکار و دعوات مأثوره بدون شک عبادت است و به آن امر شده و این امور دنیوی از نتایج آنها ذکر شده است و محال است که انسان قصد و نیت خود را از آنها خالی کند زیرا نیت چنان که دانستی گفتن به زبان و خطور نیست بلکه واقع و حقیقت آن در باطن دل انسان مستتر است و داعی حقیقی انسان هم همان واقع و حقیقت است.

و اما نیات مقاصدی که موجب کمال عمل می شود و از اغراض دنیوی خالی است به حسب اشخاص و احوال ایشان مختلف است و نیت هرکس تابع طریقه و شاکله و حالت باطنی اوست که برخی از آنها را یادآور می شویم:

۱ - نیت کسانی که به عذاب و عقاب آخرت می اندیشند و دنیا در نظرشان پست می شود و عبادت خویش را برای ترس از عذاب انجام می دهند.

۲ - کسانی باشند که نعمتهای بهشت و حور و قصور آن ایشان را به عبادت تحریک کند.

گروهی از دانشمندان عبادت این دو طایفه را باطل دانسته اند ولی اینان حقیقت تکلیف و درجات مردم را به خوبی نشناخته اند؛ برای بیشتر مردم ممکن نیست که عبادات خود را به غیر از این دو وجه انجام دهند و غیر از این نمی توانند درک کنند و این نیت منافی با اخلاص نیست زیرا عبادت به قصد آنچه در آخرت وعده داده شده از شائبه های دنیوی پاک و خالص است و دلیلی هم نداریم که عبادت باید خالصاً لوجه الله و حتی از این گونه اغراض هم خالی باشد بلکه دلیل برعکس این عقیده موجود است.

مانند آیه شریفه: «ادعوه خوفاً و طمعا»^۱، «ویدعوننا رغبا ورهبا»^۲.

و نیز امیرالمؤمنین (ع) در وقف نامه خود می نویسد: (هذا ما اوصی به فی ماله عبدالله علی ابتغاء وجه الله تعالی لیولجنی به الجنة ویصرفنی به عن النار).

۱ اعراف (۷) آیه ۵۶.

۲ - انبیاء (۲) آیه ۹۰.

برخی حقیقت معنی نیت را درک نکرده و گمان کرده اند که با گفتن اینکه تدریسم را برای محبت خدا انجام می دهم حل مشکل می شود غافل از اینکه این گفتار جز لقلقه زبان و ادعایی کاذب بیش نیست و حقیقت نیت همان میل و توجه دل است به آنچه می خواهد و اگر محبت خدا مطلوب دل نباشد با گفتن به زبان و خطوط به دل به دست نمی آید و مثل این است که شخص سیر بگوید: من به غذا میل دارم پیداست که این گفتن برای او اشتها نمی آورد.

۳ - کسانی که به نعمتهای بی پایان خدا می اندیشند و چون شکر منعم را واجب می دانند برای سپاسگزاری خدا را عبادت می کنند چنانچه امیرالمؤمنین(ع) فرماید: **(لَوْلَمْ يَتَوَعَّدَ اللَّهُ عَلَيَّ مَعْصِيَةَ لَكَ أَنْ لَا يَعْصِيَ شُكْرَ النِّعْمَةِ).**

۴ - کسانی که از راه حیا و شرمساری عبادت می کنند زیرا خدا را بر نهان و آشکار خود مطلع می دانند چنانچه پیغمبر(ص) می فرماید: **(أَبْدَلَهُ كَانِكُ تَرَاهُ فَاَنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَانْهَ يَرَاكَ).**

۵ - کسانی که خدا را به قصد تقرب عبادت می کنند و مقصود قرب معنوی و علو مقام بنده است که نقصهای خود کاسته و به کمال نزدیک شود.

۶ - کسانی که خدا را برای اهلّیت و سزاواری اش به پرستش عبادت می کنند چنانکه امیرالمؤمنین(ع) فرماید: **(وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ)** ولی این ادعا از غیر خاندان امیرالمؤمنین پذیرفته نیست زیرا حقیقت این ادعا این است که: اگر خدا بهشت و جهنمی نمی آفرید بلکه اگر بر فرض محال مطیعان را به دوزخ می برد آنها خدا را عبادت می کردند برای اینکه سزاوار عبادت است چنانچه حضرت ابراهیم(ع) در دنیا آتش را انتخاب کرد و بر او سرد و سلامت شد و اولیای دیگر خدا کشته شدن و زجر و شکنجه به دست اشرار را پذیرفتند.

۷ - کسانی که به انگیزه محبت و دوستی خدا او را عبادت می کنند و این بالاترین درجات مقربین است؛ از این بیان معنی جمله اخیر روایت دانسته می شود.

اما درباره بودن نیت مؤمن از عملش و بدی نیت کافر نسبت به عملش از امام باقر(ع) روایت شده که علتش این است که مؤمن کارهای خیر زیادی را قصد می کند که به انجام آن موفق نمی شود و همچنین کافر به مقاصد زشتی در سر می پروراند که نمی تواند آنها را عملی سازد؛ نیز از امام صادق(ع) روایت شده که چون عمل در معرض ریای بندگان است و نیت خالص برای خداست نیت مؤمن از عملش بهتر است و خداوند به نیت ثوابی دهد که به عمل ندهد.

(۳) امام صادق(ع) فرمود: بنده مؤمن فقیر می گوید: پروردگارا! به من [مال و ثروت] روزی کن تا از احسان و راههای خیر چنین و چنان کنم. [مسجد بسازم و اطعام دهم و به بینوایان کمک کنم] و چون خدای عزوجل بداند نیتش صادق است و راست می گوید برای او همان اجر و پاداش را نویسد که اگر انجام می داد می نوشت همانا خدا وسعت بخش و کریم است.^۱

و

واجبات

(۱) امام سجاد(ع) فرمود: هر که بدانچه خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از بهترین مردم است.^۲

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: به واجبات خدا عمل کن تا پرهیزکارترین مردم باشی.^۳

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: خدای تعالی فرماید: بنده من با چیزی محبوب تر از انجام آنچه بر او واجب کرده ام به دوستی من نگراید.^۴

وسوسه های اعتقادی

(۱) از امام صادق(ع) درباره وسوسه - اگر چه زیاد باشد - سؤال شد امام فرمود: چیزی در آن نیست می گویی لا اله الا الله. (یعنی همین کلام و تفکر در آن وسوسه را از بین می برد).^۵

۱ - ان العبد المؤمن الفقير ليقول: يا رب ارزقني حتى افعل كذا وكذا من البر ووجوه الخير فاذا اعلم الله ذلك منه بصدق نية كتب

الله له من الاجر مثل ما يكتب له لو عمله ان الله واسع كريم. (باب النية ح ۳).

۲ - من عمل بما افترض الله عليه فهو من خير الناس. (باب اداء الفرائض ح ۱).

۳ - اعلم بفرائض الله تكن اتقى الناس. (همان ح ۴).

۴ - قال الله تبارك و تعالی ما تحبب الي عبدي باحب مما افترضت عليه. (همان ح ۵).

۵ - سئل عن الوسوسة وان كثرت فقال لا شيء فيها تقول لا اله الا الله (باب الوسوسة وحديث النفس ح ۱).

وسوسه های مربوط به خداوند

(۱) از امام صادق(ع) از وسوسه سؤال شد - حتی اگر فراوان باشد - فرمود: اشکالی در آن نیست می گویی: لا اله الا الله.

(یعنی همین کلام توحیدی و تفکر در آن وسوسه را از بین می برد زیرا مقصود از وسوسه همان وسوسه های مربوط به خدا و مکان و کیفیت اوست).^۱

(۲) جمیل بن دراج گوید: به حضرت صادق(ع) عرض کردم: در دلم شبهه بزرگی آمده؟ فرمود: بگو: لا اله الا الله جمیل گوید: هرگاه در دلم تردیدی پدید می آمد می گفتم: لا اله الا الله آن تردید از دلم بیرون می رفت.^۲

وعده دادن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: وعده مؤمن به برادر [دینی] خود نذری است که کفاره ندارد پس هر که به آن وفا نکند به مخالفت وعده با خدا برخاسته و خود را در غضب او انداخته است.^۳

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده ای که می دهد وفا کند.^۴

ه

همت گماشتن به امور مسلمانان

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: هر که بامداد از خواب برخیزد و به امور مسلمین همت نگمارد مسلمان نیست.^۱

۱ - سألت ابا عبد الله عن الوسوسة وان كثرت فقال: لاشيء فيها تقول لا اله الا الله. (باب الوسوسة وحديث النفس ح ۱).
۲ - قال قلت له انه يقع في قلبي امر عظيم فقال قل لا اله الا الله قال جميل فكلما وقع في قلبي شيء قلت: لا اله الا الله فيذهب عني. (همان ح ۲).
۳ - عدة المؤمن اخاه نذر لا كفارة له فمن اخلف فبخلف الله بدأ ولقمته تعرض. (باب خلف الوعد ح ۱).
۴ - من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليوف الوعد. (همان ح ۲).

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: عابدترین مردم کسی است که نسبت به همه مسلمین خیرخواه و پاکدل تر باشد.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: بر تو باد که برای خدا نسبت به مخلوقش خیرخواه باشی که هرگز خدا را به عملی بهتر از آن ملاقات نکنی.^۳

(۴) از رسول خدا(ص) سؤال شد: محبوب ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: کسی که سودش به مردم بیشتر باشد.^۴

(۵) رسول خدا(ص) فرمود: هرکس آب یا آتشی دامن گستر را از گروهی از مسلمین باز دارد بهشت بر او واجب گردد.^۵

همنشینی با گنهکاران

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: برای مؤمن سزاوار نیست که در مجلسی بنشیند که خداوند در آن مجلس نافرمانی شود و او قدرت بر دگرگون ساختن [وضعیت] آن مجلس نداشته باشد.^۶

(۲) امام صادق(ع) فرمود: با اهل بدعت رفاقت و همنشینی نکنید تا نزد مردم چون یکی از آنها محسوب نشوید رسول خدا(ص) فرمود: انسان بر کیش و آیین دوست و رفیق خویش است.^۷

(۳) حضرت صادق(ع) فرماید: برای مسلمان سزاوار نیست که با فاجر (هرزه تباهکار) نافرمان و نه با احمق و نه با دروغگو رفاقت کند.^۸

۱ - من اصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم. (باب الاهتمام بامور المسلمین ح ۱).

۲ - انسک الناس نسکا انصحهم جیبا واسلمهم قلباً لجمع المسلمین (همان ح ۲).

۳ - علیک بالنصح لله فی خلقه فلن تلقاه بعمل افضل منه. (همان ح ۳).

۴ - سئل رسول الله (ص) من احب الناس الى الله؟ قال: انفع الناس للناس. (همان ح ۷).

۵ - من رد عن قوم من المسلمین عادیه [ماء] اونا را اوجبت له الجنة. (همان ح ۸).

۶ - لا ینبغی للمؤمن ان یجلس مجلساً یعضی الله فیهِ ولا یقدر علی تغییره. (باب مجالسة اهل المعاصی ح ۱).

۷ - لا تصحبوا اهل البدع ولا تجالسوهم فتصيروا عند الناس کواحد منهم قال رسول الله (ص) المرء علی دین خلیله وقرینه. (همان ح ۳).

(۴) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد در مجلسی که امامی را مذمت کنند یا مؤمنی را عیب کنند ننشیند.^۲

(۵) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که نزد دشنامگوی به اولیای الهی بنشیند خدای تعالی را نافرمانی کرده است.^۳

هوای نفس و پیروی از آن

(۱) حضرت صادق(ع) می فرمود: از هواهای (نفسانی) خود برحذر باشید و بترسید چنانچه از دشمنان حذر می کنید؛ زیرا چیزی برای مردان دشمن تر از پیروی هواهای خودشان و درو شده های زبانهاشان (یعنی آنچه بیهوده از دهان خارج شود) نیست.^۴

(۲) امام موسی کاظم(ع) فرمود: پرهیز از نردبانی که رفتنش آسان و پایین آمدنش دشوار است.^۵

شرح: فیض و مجلسی - علیهما الرحمه - گویند: شاید مقصود نهی از طلب جاه و ریاست و سایر شهوات دنیا باشد که اگر چه به آسانی به دست آید ولی عاقبت وخیمی دارد و خلاصی از گرفتاریهای آن بی نهایت دشوار است و حاصل اینکه پیروی نفس و بالارفتن از پله های هوا و هوس گر چه آسان است ولی هنگام مرگ دست از همه شستن و گذاردن و رفتن و حساب پس دادن دشوار است و همانند کسی است که اندک اندک برقله کوهی بالا رود و در فرود آمدن حیران و سرگردان بماند و نظیر کسی است که پله پله بر نردبانی برآید و در پله آخرین به طور ناگهانی سقوط کند پس هر چه پله ها فزونیتر باشد زیان سقوط بیشتر و خطر آن زیادتر است.

(۳) حضرت صادق(ع) می فرمود: نفس(سرکش) را به میل و خواهش خود رها مکن زیرا که نابودی اش در خواهش آن است رها کردن نفس به آنچه خواهد برای آن درد و رنج و جلوگیری آن از آنچه خواهد درمان آن است.^۱

۱ - لا ینبغی للمسلم ان یواخی الفاجر ولا الاحمق ولا الکذاب. (همان ح ۵).

۲ - من کان یؤمن باللّه والیوم الآخر فلا یجلس مجلساً ینتقص فیہ امام او یعاب فیہ مؤمن. (همان ح ۹).

۳ - من قعد عند سباب لاولیاء اللّه فقد عصی اللّه تعالی. (همان ح ۱۴).

۴ - احذروا اهوائکم کما تحذرون اعدائکم فلیس شیء اعدی للرجال من اتباع اهوائهم وحصائد السننهم. (باب اتباع الهوی ح ۱).

۵ - اتق المرتقی السهل اذا کان منحدره وعرا. (همان ح ۴).

ی

یقین

(۱) امام موسی کاظم (ع) می فرمود: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان و یقین یک درجه بالاتر از تقوا است و میان مردم چیزی کمتر از یقین پخش نشده است.^۲

(۲) امام صادق (ع) فرمود: و چیزی گرامی تر و کمیاب تر از یقین نیست.^۳

(۳) به حضرت صادق (ع) عرض شد: تعریف یقین چیست؟ فرمود: اینکه با وجود خدا از چیزی نترسی.^۴

الحمد لله أولاً و آخراً والسلام عل رسوله وآله

والحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله.

۱ - لاتدع النفس وهواها فان هواها [فی] رداها وترك النفس وما تهوى اذاها وكف النفس عما تهوى دواؤها. (همان ح ۴).

۲ - الايمان فوق الاسلام بدرجة والتقوى فوق الايمان بدرجة واليقين فوق التقوى بدرجة وما قسم فى الناس شىء اقل من اليقين. (باب فضل الايمان على الاسلام واليقين على الايمان ح ۲).

۳ - و ما من شىء اعز من اليقين. (همان ح ۱).

۴ - قيل له (ع) فما حد اليقين قال الا تخاف مع الله شيئاً (باب فضل اليقين ح ۱).